

# مطالعات زنان

## فصل نامه

دانشگاه الزهرا(س)  
پژوهشکده‌ی زنان

صاحب امتیاز  
مدیر مسئول  
سر دبیر

دانشگاه الزهرا(س)  
دکتر زهره خسروی  
دکتر خدیجه سفیری

ریحانه حرم پناهی  
محمد حسین هاشمی  
توران روزبھانی  
اشرف موسوی‌لر

ویراستار فارسی  
ویراستار انگلیسی  
کارشناس نشریه  
طراح روی جلد و داخل نشریه

انتشارات دانشگاه الزهرا(س)  
دانشگاه الزهرا(س)  
انتشارات دانشگاه الزهرا(س)  
فصلنامه  
۱۰۰۰

ناشر  
حروفچینی  
چاپ و صحافی  
ترتیب انتشار  
تیراژ

تهران، میدان ونک، خیابان ونک  
۱۹۹۳۸۹۱۱۷۶  
۸-۸۰۴۴۰۵۱ داخلی: ۲۳۸  
۸۰۴۹۸۰۹

women\_re@alzahra.ac.ir

نشانی  
کد پستی  
تلفن عمومی  
تلفن - فاکس  
پست الکترونیک

## هیأت تحریریه

---

استاد و عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا(س)	دکتر زهرا افشاری
دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا(س)	دکتر زهره خسروی
دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم	دکتر حکیمه دبیران
استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران	دکتر زهرا رهنورد
دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد	دکتر هما زنجانی‌زاده
استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا(س)	دکتر خدیجه سفیری
استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا(س)	دکتر فاطمه علایی رحمانی
استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا(س)	دکتر شکوفه گلخو
استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران	دکتر احمد جعفرنژاد
استاد و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران	دکتر باقر ساروخانی

## داوران این شماره

---

عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا(س)	دکتر اسماعیل دیانی
عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا(س)	دکتر فروزان راسخی
عضو هیأت علمی دانشگاه تهران	دکتر الیاس نادران
عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا(س)	دکتر طیبه ماهروزاده
عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا(س)	دکتر منصوره اعظم‌آزاده
عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا(س)	دکتر سوسن سیف
عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا(س)	دکتر خدیجه سفیری

## فهرست مقالات

صفحه	عنوان
۱.....	• یادداشت سردبیر .....
۳.....	• تجلی نور در شعر پروین .....
۱۹.....	• بررسی رابطه بین سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای دانش‌آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه شهر تهران .....
۵۵.....	• داده- ستانده جهت ارائه‌ی راهکارهایی برای ایجاد شغل برای زنان .....
۸۶.....	• اجتهاد و مرجعیت زنان از منظر دین .....
۱۰۳.....	• نظریات اجتماعی فمینیستی کلاسیک .....
۱۲۳.....	• بررسی عوامل درون سازمانی بر ارزیابی از وضعیت شغلی زنان (بخش غیردولتی) .....
۱۵۱.....	• بررسی ارتباط بین حافظه‌ی معنایی و خلاقیت در دو گروه از دانش‌آموزان دختر تیزهوش و عادی: رویکرد نوروسیکولوژیک .....
۱۷۵.....	• خشونت در خانواده .....

## \* یادآوری به نویسندگان

- مقاله تایپ شده باشد و یا با خط کاملاً خوانا نوشته شود و از ۳۰ صفحه تجاوز نکند.
- چکیده مقاله حداکثر در یک صفحه و به زبان‌های فارسی و انگلیسی همراه با واژگان کلیدی نوشته شود.
- مقاله‌های رسیده نباید قبلاً در مجله‌های فارسی زبان داخل و خارج کشور به چاپ رسیده باشد.
- ارسال دو نسخه از مقاله الزامی می‌باشد و مقالات رسیده عودت داده نمی‌شود.
- منابع و یادداشت‌ها به ترتیب الفبایی نام خانوادگی در پایان مقاله آورده شود.
- نگارش مشخصات منابع (مورد استفاده در مقاله) به ترتیب زیر خواهد بود:
  - الف - کتاب‌ها: نام خانوادگی، نام نویسنده، سال انتشار، نام کتاب، شماره جلد و چاپ، نام ناشر، محل انتشار.
  - ب - مقاله‌ها: نام خانوادگی، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان مقاله، نام مجله، شماره مجله.
- نشریه مطالعات زنان ترجیح می‌دهد مقالاتی را چاپ کند که نتیجه تحقیقات ایرانی در مورد مسائل زنان در ایران باشد.
- در متن مقاله، هر جا که لازم بود، نام مؤلف، سال انتشار و منبع و صفحه مورد نظر در داخل پرانتز نوشته شود و در مورد اصطلاحات و اسامی خارجی (لاتین) معادل خارجی آن در پاورقی درج شود.
- نام کامل نویسنده و مرتبه دانشگاهی یا موقعیت علمی و در صورت امکان آدرس الکترونیکی وی قید شود.
- نشریه در ویرایش مقاله‌های رسیده، بدون تغییر در آن آزاد است.

## یادداشت سردبیر

بدون شک مطالعات زنان در شرایط کنونی جوامع بشری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. تبیین نقش زنان در فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مدت‌هاست مورد توجه اندیشمندان آکادمیک و مدیران و برنامه‌ریزان قرار گرفته و این روند با دقت و سرعت بیشتری ادامه خواهد داشت.

جنبش زنان در فرآیند تحولات تاریخی در هر یک از جوامع فراز و نشیب‌هایی داشته‌است. در کشور ایران می‌توان این تحولات را در قالب و ساختار سنت‌گرایی، تجددخواهی و دیدگاه انقلاب اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. رویکرد مسلط در دیدگاه انقلاب اسلامی ترکیبی از سنت‌گرایی و تجددخواهی بوده که براساس سیر تحولات گذشته می‌توان تفکرات را به دو دسته تقسیم کرد. دسته‌ای که در ترکیب سنت و تجدد نقش اساسی را به سنت می‌دهند و مدرنیسم را در چارچوب آن تحلیل می‌کنند. دسته‌ی دیگر در ترکیب مذکور نقش عمده را به تجدد و مدرنیسم داده و از این منظر به تحلیل و نقادی سنت می‌نشینند. در هر دو نگرش کاستی‌هایی وجود دارد و از آنجا که جامعه ما در دوران حساس گذر می‌باشد، ضرورت تعمق بنیادی در گذشته و بهبود

دیدگاه‌های کنونی آنهم به صورتی پژوهشی و نقادانه، در تلاش برای ایجاد و ارائه پارادایمی جدید بیش از پیش احساس می‌شود.

نکته مهم دیگر در مطالعات زنان که کمتر به آن توجه شده موضوع استقلال و هویت خاص در فعالیتهای زنان می‌باشد. به نظر می‌رسد که در گذشته دیدگاه نسبت به زنان بیشتر ابزاری بود، تا به عنوان ماهیتی مستقل، چنانچه در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی نقش زنان بیشتر در براندازی نظام حاکم شاه و نظام طاغوت عمده بوده‌است. چنین نگرشی حتی در سال‌های اخیر هم به نوعی مشاهده می‌شود. به طوری که برخی از روشنفکران موضوع زنان را تا آنجا قابل طرح می‌دانند که در چارچوب توسعه سیاسی کشور قرار داشته باشد و اصولاً چارچوب و هویت ویژه‌ای برای مسائل مبتلا به زنان قائل نیستند. تا هنگامی که چنین نگرشی در مطالعات زنان مدنظر باشد و صرفاً به تغییرات صوری و ظاهری در برخی از قوانین و مقررات اکتفا شود، دیدگاه ابزاری همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند و تحول نگرشی در این وادی دیده نخواهد شد. نشریه مطالعات زنان با چنین رویکردی و با اذعان به این حقیقت که مطالعات همه جانبه و مبتنی بر تحلیل یافته‌های پژوهشی راه‌گشاست، همکاری تمامی اندیشمندان، پژوهشگران و اساتیدی را که به نحوی با موضوع مرتبطند، با آغوش باز می‌پذیرد و امید آن دارد تا در این راستا پرچمداری نوین در پیشبرد علمی این راه باشد.

والله المستعان  
دکتر خدیجه سفیری

# بِسْمِ اللَّهِ النُّورِ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

## تجلی نور در شعر پروین

دکتر حکیمه دبیران\*

### چکیده:

این مقاله به بازتاب اندیشه روشن شاعر گرامی، پروین اعتصامی (۱۲۸۵-۱۳۲۰ ه.ش.) که از خلال اشعار شیوایش تجلی می‌کند، و نشانگر صفای ضمیر و خلوص جان منیر اوست، نظر دارد. پروین سخن را نور می‌داند و هر نکته دقیق را ملهم از لطایف ربانی می‌شمارد، بیان حق و مبارزه با ناحق شیوه پسندیده او در روشنگری است. مضامین و مفاهیم عالی اخلاقی، حکمی و عرفانی آمیخته با تصاویر خیالی زیبا در اشعار وی گواه این حقیقت است.

صاحب‌نظران و دوستداران پروین در آراسته بودن این شاعر شهیر به فضایل اخلاقی و کرامات انسانی اتفاق نظر دارند، و با سخنان شایسته و احترام قلبی به بیان ارزش‌های وجودی و ویژگی‌های شخصیت وی می‌پردازند.

منشأ روشنگری پروین فطرت پاک اوست که هرگز به دنیاطلبی، هوی‌پرستی و کج‌اندیشی آلوده نگشت. وی با پرورش در خانواده‌ای آگاه و عامل به تعالیم و حقایق دین و دانش، و نیز با ذوقی لطیف و بینشی ژرف به مطالعه آثار اندیشمندان بزرگ جهان پرداخت و سیر تعالی و کمال را پیمود. این شاعر بزرگوار و خوش قریحه ایران، مخاطبان خود را به پویایی و پیشرفت در پرتو «نور امید» و آراسته شدن به «نور علم» و پاسداری از «نور جان» فرا می‌خواند، و با ایمان و اعتقاد به «نور معرفت» این نوید را می‌دهد که نور مایه هدایت است، لذا می‌گوید انسان در اثر خواستن و ارادت قلبی، و همچنین در پرتو اخلاص و روشن‌بینی، همواره می‌تواند انوار ربوبی را مشاهده کند و از برکات آن بهره‌مند شود.

پروین با دلی روشن پرتو انوار الهی را بر تمامی مظاهر کائنات و پدیده‌های عالم امکان مشاهده و وحدت وجود را به زبان شعر بیان می‌کند:

نور حق همواره در جلوه‌گری است  
آن که آگه نیست از دانش بری است  
(دیوان پروین - ص ۹۸)

**کلید واژه:** روشنگری، نور هدایت، نور علم، لطایف عرفانی

بازتاب اندیشه روشن پروین که از خلال اشعار شیوایش تجلی می‌کند، نشانگر صفای ضمیر و خلوص جان منیر اوست، که می‌تواند مضامین بلند و نکته‌های لطیف کلام خود را به عنوان هدیه‌ای الهی از فطرت پاک بگیرد، و یا از زبان وحی اقتباس کند و به رشته نظم کشیده، بر صحیفه دل‌ها بنگارد. پروین به پیروی از اول نور آفرینش (حدیث نبوی(ص): «أول ما خلق الله نوری») که در شأنش «و ما ینطق عن الهوی» (آیه ۳ - سوره نجم) سزااست، سخنی بر هوی نمی‌گوید و شعری ناروا نمی‌سراید، بلکه کلمات طیبه را که نوری است از مطلع دل، و خورشیدی است از مشرق جان، چون چراغی فراراه رهروان و حقیقت جویان می‌دارد:

این سخن پروین نه از روی هوی است هر کجا نوری است ز انوار خداست  
(دیوان پروین اعتصامی - تدوین فریده دانایی - انتشارات نگاه - ۱۳۷۳ - ص ۱۱۳)

بدین ترتیب پروین که سخن را نور می‌داند و هر نکته دقیق را ملهم از لطایف ربانی می‌شمارد، چراغ عقل را رهنمای راه معنی (نک: دیوان پروین اعتصامی - ص ۳۱۶) و نور حق را همواره در جلوه‌گری می‌بیند (همان - ص ۹۸). گواه این نظر و مؤید بصیرت باطنی پروین، اشعار بی‌شماری است که در این گفتار به شرح پاره‌ای از آنها خواهیم پرداخت و بازتاب تجلی نور را در دیوان او مشاهده خواهیم کرد. لیکن پیش از آن، زمینه مناسب این اندیشه را از بررسی شمه‌ای از احوال او می‌جوئیم، تا برای ایفای حق و ادای وظیفه به اختصار، قدری از تأثیر تربیت و شطری از همت وی در کسب فضیلت بگوئیم.

#### محیط مناسب، خانواده متعهد:

محققان احوال و آثار پروین علاوه بر توجه به محسنات فطری و نبوغ خدادادی وی، ضمن ذکر عوامل مهم در تهذیب و تربیت وی به شخصیت والای مادر و درایت و کمال پدر اشاره می‌کنند و به بالندگی این نهال سرفراز گلزار ادب در محیطی مناسب و سالم و خانه‌ای سراسر معنویت و سعی و صفا گواهی می‌دهند.



مرحوم ملک الشعراء بهار می‌گوید: «خانم پروین در حجر تربیت پدر دانشمند و فاضل خود، آقای یوسف اعتصامی آشتیانی (اعتصام‌الملک) پرورش یافته...» (همان - دیباچه - ص ۳۵)

مرحوم سید هادی حائری (کوروش) می‌گوید: «... همچنین مادر قرآن خوان و متدین و متقی و محترم پروین را که دختر میرزا عبدالحسین خان قوام‌العداله یکی از شعرای اواخر دوره قاجاریه و متخلص به شوری بود، از نزدیک می‌شناختم، این بانو یعنی مادر فقید پروین از خاندانی است که به فتوحی تبریزی نامیده می‌شوند.» (مرحوم سید هادی حائری، مقاله «اسرار دل» - مجله آشنا - سال اول - شماره ۶)

مقدمه‌ای که مرحوم یوسف اعتصام‌الملک بر کتاب تیره بختان و ویکتور هوگو نوشته، حاکی از اندیشه روشن و بینش وسیع پدر و استاد واقعی پروین است، در بخشی از آن درباره اهمیت «تهذیب»، «تربیت» و «تعلیم» چنین می‌گوید:

«جمعیت بشری از دو مرض مزمن و از دو آفت جانگداز متألم است. این دو مایه تیره بختی چیست؟ نادانی و فساد اخلاق. این درد را به چه تدبیر می‌توان درمان کرد؟ به استعانت تهذیب و تربیت و تعلیم. این وسیله سعادت را از کجا می‌توان آورد؟ از آموزگار مدرسه، از ادبیات حقیقی، از آثار نویسندگان، که جامعه انسانی را با بلندی و توانایی فکر به جاده فضیلت دلالت نموده‌اند. حوزه اجتماع از آغاز ظهور تمدن به مساعدت گفته‌ها و نوشته‌ها و اندرزهای ارباب فکر و قلم از تاریکی جهالت بیرون آمده و متدرجاً به جانب نور رهسپار شده است.» (تیره بختان - ویکتور هوگو - ترجمه یوسف اعتصامی - مقدمه مترجم).

توجه مرحوم یوسف اعتصام‌الملک به «نور هدایت» و آرزوی نجات جامعه بشری از تاریکی جهل، فضای معنوی و روشن زندگی شاعرانه و عارفانه پروین را نشان می‌دهد. بازتاب این بینش و روش هدایتگرانه پدر را در اندیشه پروین و اشعار شیوای دیوان او می‌توان بخوبی مشاهده کرد. بی دلیل نیست که پروین در شعری که در تعزیت پدر سروده است، او را «دیدۀ نورانی» خود و «ماه گردون ادب» می‌خواند:

مه گردون ادب بودی و در خاک شدی      خاک زندان تو گشت ای مه زندانی من

رفتی و روز مرا تیره‌تر از شب کردی بی تو در ظلمتم ای دیده نورانی من  
(دیوان پروین - ص ۲۵۸)

و از اینکه پدرش او را «گنج» خود می‌دانسته و همواره به نغمه‌ها و سروده‌های او گوش فرا می‌داده، سخن می‌گوید و اظهار می‌دارد که قدر آن گوهر پاک را می‌دانسته و از تأثیر وجود ارزشمند او آگاه بوده است:

من یکی مرغ غزلخوان تو بودم چه فتاد که دگر گوش ندادی به غزلخوانی من  
من که قدر گهر پاک تو می‌دانستم از چه مفقود شدی ای گهر کانی من  
(دیوان پروین - ص ۲۵۸)

آقای ابوالفتح اعتصامی برادر پروین، در پاسخ به مقالاتی تحت عنوان «پروین اعتصامی» در مجله روشنفکر در تهران که در آبان و آذر سال چهل و یک منتشر می‌شد، خلاصه‌ای از شیوه زندگی، ویژگی‌های اخلاقی و طرز تفکر پروین بیان کرده است، که متناسب با این گفتار به شمه‌ای از آن اشاره می‌شود:

- «پروین شمعی بود که پدر و مادر و برادرها پروانه‌وار به گردش می‌گشتند.»  
- «شاید کمتر دختری در میان افراد خانواده خود مانند پروین اینهمه مورد مهر و محبت و تکریم و ستایش قرار گرفته باشد، همه از بهر او سرگشته و فرمانبردار بودیم.»

- «اصولاً کم حرف بود. بیشتر فکر می‌کرد. صفا و صداقت محض و خلوص مطلق بود.»

- «تنها غم و اندوه پروین - اگر رحم و شفقت را بتوان غم و اندوه نامید - از دیدن وضع پریشان طبقات ستم کشیده، از ملاحظه کژی‌ها و ناراستی‌ها و نادرستی‌ها و ناهمواری‌های هیأت اجتماع، از مشاهده ظلم و ستمی که بر تیره‌بختان و زیردستان می‌رفت، از دیدن کامرانی نابخردان و ناکامی خردمندان بود.» (۴۱/۹/۱۷، ابوالفتح اعتصامی به نقل از: حایری، سید هادی (کوروش) - حدیث ناگفته - ج ۲ - ص ۸۱۹ - ۸۱۵)

علاوه بر زندگی در چنین محیط مساعدی امکان استفاده مستقیم از گنجینه آثار بزرگان و بهره‌مندی از محتوای غنی و ارزشمند آن آثار و نیز شرکت در محافل ادبی و کتابخانه مجلس، بی‌تردید در تنوع و گستردگی مضامین شعری وی مؤثر بوده است.

مرحوم ملک الشعراء بهار در سال ۱۳۲۲ مقاله‌ای درباره «پروین» در روزنامه «نوبهار» نوشته است که در بخشی از آن چنین می‌خوانیم: «به پاس احترام پروین می‌گوییم که به تصدیق سخن‌شناس و سخندان بزرگ آقای سید نصرالله تقوی، پروین از سن هشت سالگی شعر می‌گفته است.» همچنین می‌افزاید: «مرحوم اعتصام‌الملک، مربی پروین، قطعات زیبا و لطیفی از کتب خارجی (فرنگی و ترکی و تازی) گرد می‌آورد و به فارسی ترجمه کرده، پروین را در خردسالی به نظم آن قطعات تشویق می‌نمود.» (حدیث ناگفته - ج ۱ - ص ۲۸۲ - به نقل از مجموعه مقالات و قطعات اشعار - تیر ۱۳۲۳ - ضمیمه چاپ سوم دیوان پروین اعتصامی.)

با بررسی دیدگاه صاحب‌نظران و دوستداران خانم پروین اعتصامی، این حقیقت بخوبی روشن می‌شود که همه آنان در آراسته بودن این شاعر شهیر به فضایل اخلاقی و کرامات انسانی اتفاق نظر دارند و با سخنانی شایسته و احترام قلبی به بیان ارزش‌های وجودی و ویژگی‌های شخصیت وی می‌پردازند.

برخی نیز اذعان می‌دارند که هنوز آنچنان که باید او را نشناخته‌اند، یا می‌دانند و می‌شناسند، ولی خفایش وار تاب دیدن خورشید وجودش را ندارند. حتی دشمنان وی و ملامت‌گران بی‌اختیاری که فقط از یک بعد ظاهری نگریده و عفاف و تقوی و ارزش‌های والای انسانی وی را به استهزاء گرفته‌اند، هرگز نتوانسته‌اند کرامت‌های اخلاقی او را انکار کنند. (فضل الله گرکانی - تهمت شاعری - انتشارات روزنه - ۲۵۳۶ = ۱۳۵۶ ش. نگاه کنید به بخشی از کتاب با عنوان خصوصیات ادبی و اجتماعی عصر که به قصد تخریب شخصیت خانم پروین اعتصامی نکاتی را مطرح می‌کند که علیرغم تلاش بیهوده مؤلف، خود گویای ادب، تقوی، بزرگواری و نجات پروین، و نیز نشانگر بیزاریش از نیرنگ‌های زمانه است. شایان ذکر است که این کتاب و پاسخ به آن در جلد اول کتاب «حدیث ناگفته، تألیف مرحوم سید هادی حایری، مؤسسه چاپ و انتشارات حدیث» آمده است.)

دیباجه دیوان پروین به قلم توانای استاد سخن مرحوم ملک الشعراء بهار، دوست مرحوم اعتصام‌الملک، شاهد صادقی بر استقلال فکر، شیوایی بیان و لطافت روح خانم پروین اعتصامی است:

«هنر بزرگ شاعره ما در همین جاست که توانسته است حقیقت عشق را مانند میوه پاک منزه‌ی که از الیاف خشن و شاخ و برگ بیهوده و سموم جدا ساخته باشند، با

صفای اثیر و رخسندگی نور و چاشنی روح بر سر بازار سخن رواج دهد.» (دیوان پروین - دیباچه ملک الشعراء بهار - ص ۳۷).

### نگاهی به «نور» در آثار بزرگان:

بہتر است ابتدا بخشی از سخنان مفسران را در شرح آیه شریفه «اللہ نور السموات و الارض» (آیه ۳۵ - سوره مبارکه نور) مدنظر قرار دهیم تا پس از سیری در گلزار شعر پروین، هماهنگی و هم‌رنگی این لطایف را بیشتر دریابیم و برای بهره‌گیری از اندیشه تابناک او، به مشاهده جلوه نور در اشعارش پردازیم و تحقق این آیه شریفه را در قلب پاکش ببینیم، و به قول مولانا ساطع شدن انوار الهی را از شش جهت آیینہ دل وی، گواه ایمان و اخلاصش بگیریم:

عارف بزرگوار رشیدالدین میبیدی در تفسیر آیه شریفه نور گفته است: «نور بحقیقت آن باشد که غیری را روشن کند. هر چه غیری را روشن نکند آن را نور نگویند. آفتاب نور است و ماه نور است و چراغ نور است، نه به آن معنی که به نفس خود روشنند لکن به آن معنی که منور غیرند... بدان که الله است روشن کننده آسمانها و زمینها... و همه نورها از اوست، بعضی ظاهر و بعضی باطن، ظاهر را گفت: «و جعلنا سراجاً وهاجاً» (آیه ۱۳ - سوره مبارکه نأ) باطن را گفت: «افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه» (آیه ۲۱ - سوره مبارکه زمر) نور ظاهر اگرچه روشن است و نیکو، تبع و چاکر نور باطن است. نور ظاهر نور شمس و قمر است، و نور باطن نور توحید و معرفت، که از مطلع دل‌های مؤمنان سریزند.» (میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین - کشف الاسرار و عده الابرار - به کوشش علی اصغر حکمت - جلد ششم - ص ۵۴۲).

سپس مراتب آن را در شریعت، نور اسلام و نور اخلاص و نور ایمان و نور صدق و نور احسان و نور یقین بر می‌شمارد و در ادامه آن می‌گوید:

«باز اهل حقیقت را و جوانمردان طریقت را نور دیگر است و حال دیگر، نور فراست، نور مکاشفت، نور استقامت، نور مشاهدت، نور توحید و نور قربت در حضرت عنایت، از ایدر باز جذبہ الهی در پیوندند، نورها دست در دهد، نور عظمت و جلال،

نور لطف و جمال، نور هیبت، نور غیرت، نور قربت، نور الوهیت، نور هویت. این است که رب العالمین گفت: «نور علی نور» (همان - ص ۵۴۲)

صاحب رساله الانوار در تفسیر این آیه شریفه گوید: «یعنی تجلیات الهی متجدد است و سرعت تجدد در مرتبه‌ای است که اعیان معدومه هنوز خلع نور وجود از خود ناکرده، ملبس به لباس نور وجود جدیدند، پس «نور علی نور» خواهد بود و بنا بر آنکه حضرت عزت ادراک این مرتبه و دریافت این سعادت به هر کس ارزانی نفرموده - الا ما شاء الله - آنان که در ازل نور هدایت و رقم سعادت بر جبین مبین ایشان کشیده، به این «نور توحید» که جمیع ذرات به او هویدا و پیدا است، مهتدی می‌گردند و خدای تعالی بر همه اشیا داناست، یعنی می‌داند چه کسانی واصل نور توحیدند و چه خسان محروم و مغلول تقید.» (شرف‌الدین محمد نیمدهی - رساله الانوار در تفسیر آیه شریفه نور - تصحیح دکتر اسماعیل حاکمی - ص ۳۴)

همانطور که «نور» از نظر لغوی، بیان قرآنی و اصطلاح عرفانی و نیز در لباس تشبیه و استعاره، تعابیر مختلف دارد، پروین نیز جلوه‌های گوناگونی از نور را در اشعار خود نشان می‌دهد: گاه روشنایی عالم ظاهری را اراده می‌کند و ترجیح آن را بر تاریکی با توصیف و تمثیل‌های گوناگون این چنین بیان می‌دارد:

ز مهر آموز رسم تابناکی      که بخشد نور بر آبی و خاکی  
(دیوان پروین - ص ۱۵۵)

نشاط آرد هوای مرغزاران      چو نور صبحگاهی در بهاران  
(همان - ص ۸۷)

از آن بزم چنین کردند روشن      که بخشی نور بزم بی ضیا را  
(همان - ص ۲۸۲)

و گاهی با توجه به این که در روایات اسلامی از علم به نور تعبیر شده است برای ترغیب مخاطبان خود به دانش‌اندوزی و روشن شدن طریق سعادت به نور از همین تعبیر استفاده می‌نماید، «العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء»

عقل گنج است نباید که برد دزدش      علم نور است نباید که شود پنهان  
(همان - ص ۳۷۰)

ای خوشاخاطر ز نور علم مشحون داشتن      تیرگی‌ها را از این اقلیم بیرون داشتن  
(همان - ص ۱۶۲)

روشنی دادن دل تاریک را با نور علم      در دل شب پرتو خورشید رخشان داشتن  
(همان - ص ۱۶۲)

و در شعر معروف «نهال آرزو» که در تیر ماه ۱۳۰۳ به مناسبت فارغ‌التحصیلی خود سروده، به آراسته شدن زنان به «نور دانش» و «چراغ معرفت» می‌بالد:  
زین چراغ معرفت کامروز اندر دست ماست

شاهراه سعی و اقلیم سعادت، روشن است  
(حدیث ناگفته - ص ۲۶۷)

تشبیه «امید» به نور نیز در شعر پروین نشانه‌ی مشاهده آثار خیر آن در زندگی است. گویی ذاتاً از نسبت ناامیدی و کفر که در قرآن آمده است سخن می‌گوید: «و لا تياسوا من روح الله انه لا يبأس من روح الله الا القوم الكافرون» (آیه ۸۶ - سوره مبارکه یوسف) لذا طالب نور امید است:

خوش آن رمزی که عشقی را نوید است      خوش آن دل کاندرا آن نور امید است  
(همان - ص ۸۵)

آنچه پروین در قطعه عارفانه «ذره» و رسیدن او به بزم «نور» بیان می‌کند، یک دوره سیر و سلوک در راه شناخت حق است که از وادی طلب نشانی دارد و گویای عشق و معرفت سالک واقعی است که سرانجام در وادی تحیر، ندای «ما عرفناک حق معرفتک» سر می‌دهد. داستان ذره‌ای است که با شوقی فزون به میهمانی چشمه خورشید می‌رود. هنوز نیمه راهی نرفته، گرفتار باد و طوفان حوادث می‌شود. از ابر و باران و رعد و برق نیشان بسختی می‌گذرد. هزار بلندی و پستی را پشت سر می‌گذارد تا به بزمگاه نور می‌رسد و با حقایق تازه‌ای روبرو می‌شود.

سپهر دید و بلندی و پرتو و پاکی      بدوخت دیده خود بین ز فرط حیرانی  
(همان - ص ۲۷۲)

و چون اسرار این روشنی را از خورشید جويا می‌شود، مهر فروزنده به همین مختصر اکتفا می‌کند که این روشنی رمزی است فرای جهان تدبیر و ماورای اندیشه این عالم پیر. بدین ترتیب این عاشق سوخته را در وادی حیرت به این حقیقت آشنا می‌کند که کنه ذات او را هرگز نمی‌توان دریافت.

هزار سال اگر علم و حکمت آموزی      هزار قرن اگر درس معرفت خوانی  
به آسمان حقیقت به هیچ پر نپری      به خلوت احدیت رسید نتوانی  
(همان - ص ۲۷۲)

جناب شیخ محمود شبستری نیز تعبیر زیبا و مضمون بلندی در این باب دارد:  
همه عالم به نور اوست پیدا      کجا او گردد از عالم هویدا  
نگنجد نور ذات اندر مظاهر      که سبحات جلالش هست قاهر  
از آن موضع که نور حق دلیل است      چه جای گفت‌وگوی جبرئیل است  
و صاحب نسایم گلشن در شرح ابیات فوق گوید: «به نور او هم به نور او می‌توان رسید نه به عقل ضعیف که در راه وصول به منزله جبرئیل است که با وجود هفتصد هزار بال از غلبه نور جلال می‌اندیشد و از آن مشهد باز می‌ایستد.» (شاه داعی الی الله شیرازی - نسایم گلشن (شرح گلشن راز شبستری) - تصحیح محمد رانجها - ص ۳۵)

همچنین پروین با تعبیر روشنایی برای جان، به فرا خواندن انسان برای پاسداری از حرمت آن می‌پردازد، تا «نور جان» هم در صفای تن مؤثر افتد و هم به روشن شدن راه مدد نماید، تا موجب امان یافتن از فتنه «دیو» تاریکی و جهل و بی‌ایمانی گردد و شام غفلت و ناآگاهی به صبح بیداری و معرفت مبدل شود:

ز روشنایی جان، شام‌ها سحر گردد      روان پاک چو خورشید و تن شب تاری است  
(دیوان پروین - ص ۳۰۱)

چراغ روشن جان را مکن در حصن تن پنهان      مپیچ اندر میان خرقة، این یاقوت کانی را  
(همان - ص ۲۸۳)

صفای تن به نور جان پاک است      چو آن بیرون شد این یک مشت خاک است  
(همان - ص ۱۰۰)

همین تعبیر را در بیت آغازین مثنوی گلشن راز می‌بینیم که در شرح لاهیجی روشنی و تالو دیگری نیز پیدا می‌کند:

به نام آنکه جان را فکرت آموخت      چراغ دل به نور جان برافروخت  
 «چراغ دل به نور جان» اشارت به آنکه قلب مستفیض از روح است و دل را به چراغ  
 از آن جهت نسبت کرد که چنانچه در ظلمت، ادراک اشیا بواسطه نور چراغ می‌توان  
 نمود، رؤیت جمال وحدت حقیقی در تاریکی کثرت، جز به صفای دل حاصل نمی‌توان  
 نمود و نور را به جان از آن نسبت داد که به صفای تجرد مجلا، و از کدورات تعلق معرا  
 است. (شرح گلشن راز - ص ۳ و ۴)

پروین تصاویر گوناگون و بی شماری در اشعار خود برای استفاده از نور درون برای  
 پرهیز از تعلقات و دور کردن دیو از ساحت اندیشه و کردار خود ارائه نموده است. در  
 برخی از آن ابیات به صراحت از نور جان و استعداد مشاهده انوار ربوبی سخن می‌گوید  
 و همواره آرزو می‌کند نور خود و مخاطبانش بل همه انسان‌ها افزون بر ظلمت باشد:

گر که نور خویش را افزون کنی      تیرگی را از جهان بیرون کنی  
 کار دیو نفس دیگرگون شود      زین بساط روشنی بیرون شود  
 کاش کاندر زیر چرخ نیلگون      نور تو باشد ز هر ظلمت فزون

(دیوان پروین - ص ۷۶)

و در مثنوی «جامه عرفان» تهذیب نفس و صفای باطن را برای مشاهده انوار الهی  
 ضروری می‌شمارد. وی کسانی را شایسته دریافت فروغ تابناک حقیقت می‌داند که اسیر  
 اهریمن نگردند و از تاریکی ملک تن بدر آیند:

چو جان پاک در حد کمال است      کمال از تن طلب کردن و بال است  
 کسانی کاین فروغ پاک دیدند      ازین تاریک جا دامن کشیدند

(همان - ص ۷۰)

آراسته شدن به کمالات معنوی را در افزودن نور معرفت و کسب فضل و دانش  
 می‌داند و با مخاطب خود این حقیقت را بازگو می‌کند که هرگز کسی از نور تاریکی  
 ندیده، و نیز از نیکی پشیمان نگشته است.



به نور افزای، ناید هیچگاه از نور تاریکی به نیکی کوش، هرگز ناید از نیکی پشیمانی  
(همان - ص ۳۵۸)

با چنین توصیه‌هایی عظمت قدر انسان و هدف از آفرینش را که شناخت و معرفت الهی است، یادآور می‌شود و چشمی را شایسته دیدار دوست می‌داند که به نور معرفت روشن باشد چه به گفته حافظ دلی که دلدار را در نیابد و جانی که به شرف صحبت جانان نائل نگردد، ارزشی ندارد و پروین برای تحقق این مهم از خود و دیگران می‌خواهد که پیوسته بر معرفت بیفزایند و به کسب نور اهتمام ورزند:

به چشم از معرفت نوری بیفزای ارنه بی چشمی به جان از فضل و دانش جامه‌ای پوش ارنه بی جانی  
چو نورت تیرگیها را منور کرد خورشیدی چو در دل پروراندی گل معنی گلستانی  
(دیوان پروین - ص ۳۵۷-۳۵۸)

در شعر «پیوند نور»، پروین مناظرهٔ بلبل و ماه را بهانهٔ بیان این حقیقت کرده است که هر چه هست از اوست و پرتو انوار شمس حقیقت است که بر مظاهر گوناگون آفرینش جلوه‌گر می‌شود و گرنه هیچ موجودی بیش از یک بود و نمود اعتباری نیست:

هر آن نوری که بینی در من او راست من اینجا خوشه‌چینم خرمن او راست  
نه تنها چهرهٔ تاریکم افروخت هنرها و تجلیهایم آموخت  
من از نور دگر گشتم منور سحرگه بر تو بگشایند آن در  
(همان - ص ۱۳۲)

و باز همین مضمون را در پایان مثنوی «لطف حق» به نوعی لطیف و عارفانه بیان می‌کند و با برشمردن لطایف عرفانی در داستان «مادر موسی» به نشان دادن دست یاری پروردگار می‌پردازد:

ما به دریا حکم طوفان می‌دهیم ما به سیل و موج فرمان می‌دهیم  
نقش هستی نقشی از ایوان ماست خاک و باد و آب سرگردان ماست  
و در سایه این باور سخن خود را نیز ملهم از تعلیمات استاد ازل دانسته و بیان حق و حقیقت را نشانه بیداری فطرت و ظهور و بروز مکنونات بی پیرایه قلب بر شمرده است

این سخن پروین نه از روی هوی است هر کجا نوری است ز انوار خداست  
گویی پروین پس از طی مراحل و منازل سیر به سوی کمال همه آثار طبیعت و  
پدیده‌های آفرینش را مظهری از جلوه جمال معبود می‌داند و در هر چه می‌نگرد زیبایی  
آن جمال مطلق را می‌بیند که می‌فرماید:

«فضای باغ تماشاگاه جمال حق است»

(دیوان پروین - ص ۲۵۱)

ولی جز به دیدار او قانع نمی‌گردد و با گریز از هر ظلمتی باز خود او را که نور  
مطلق است می‌طلبد. گویی به زبان دعا عرضه می‌دارد: «یا نور النور، یا منور النور، یا  
منور کل نور» و «اللهم انی أسألك من بهائک بأبهاه و کل بهائک بهی». لذا در قید تعلقات  
دنیا می‌ماند و هر چه غیر از حق است فانی، و دل‌بستگی به آنها را ظلمانی می‌داند و  
برای هر لحظه‌ای که به غفلت سپری شده باشد، تأسف می‌خورد:

بگردانیدم روی از نور و بنشستیم با ظلمت رها کردیم باقی را و بگرفتیم فانی را

(دیوان پروین - ص ۱۳۳)

و نور الهی را که مایه هدایت و سوق انسان به سوی کمال است مد نظر قرار می‌دهد  
و گذر از نور مجازی و اتصال به نور حقیقی را توصیه می‌کند:

بیاید زین مجازی جلوه رستن سوی «نور حقیقت» رخت بستن

(همان - ص ۱۶۳)

و آرزو می‌کند بتواند به مدد الهی بر دیو نفس و شیاطین انس و جن و همه پلیدی‌ها  
پیروز گردد:

هر کجا دیو است آنجا نور یزدانی شدن هر کجا مار است آنجا حکم افسون داشتن

(همان - ص ۱۶۲)

و می‌خواهد مانند موسی (ع) از نور تجلی تابناک شود و مرتبه کلیم الهی بیابد:  
همچو موسی بودن از نور تجلی تابناک گفتگوها با خدا در کوه و هامون داشتن

و با دلی روشن پرتو انوار الهی را بر تمامی مظاهر کائنات و پدیده‌های عالم امکان مشاهده می‌کند و وحدت وجود را به زبان شعر بیان می‌کند:

نور حق همواره در جلوه‌گری است      آن که آگه نیست از دانش بری است  
(دیوان پروین - ص ۹۸)

نکته دقیق و لطیفه‌ای که در سخنان پربار و اشعار همه آشنایان به حقایق و اسرار مشاهده می‌شود این است که بالاخره هر کس به نوعی و به زبانی آیه شریفه نور را زمزمه می‌کند و می‌گوید که هر روشنایی و پدیده‌ای، پرتوی از یک حقیقت و مظهری از جلوه اوست. عارف بزرگ ابن فارض می‌گوید:

و ما هی الا ان بدت بمظاهر      فظنوا سواها و هی فیها تجلت  
(شمس‌الدین محمد لاهیجی - شرح گلشن راز شیخ محمود شبستری - ص ۱۴)

(نبود آن ذات مگر به مظاهر پیدا شد ولی گمان کردند که غیر از اوست و حال آنکه این ذات است که در مظاهر تجلی نموده است) و شارح گلشن راز، شمس‌الدین محمد لاهیجی متخلص به اسیری می‌گوید:

«گر نه حسنش دائماً در جلوه است      این نمود و بود عالم از کجاست  
از تجلی جمال وحدت است      در حقیقت این که کثرت را بقاست»  
(شرح گلشن راز - ص ۶۰)

و فخرالدین عراقی که اندیشه وحدت وجود در کلیات آثارش مشهود است می‌گوید:  
به هر چه می‌نگرم صورت تو می‌بینم      از آن میان همه در چشم من تو می‌آیی  
(فخرالدین عراقی - کلیات اشعار - به کوشش سعید نفیسی - ص ۲۹۹)

و همچنین شیخ محمود شبستری صاحب گلشن راز، که نقطه اوج سخنش را همین معنی بلند و روشن قرار داده است، می‌گوید تمام هستی جلوه جمال خداوند است، و از فرط نور دیده نمی‌شود:

جهان جمله فروغ نور حق دان      حق اندر وی ز پیدایی است پنهان  
(شرح گلشن راز - ص ۶۳)

و هاتف، یار را بی پرده از در و دیوار در تجلی می‌بیند و بارها این نغمه را به عنوان بیت ترجیع تکرار می‌کند:

که یکی هست و هیچ نیست جز او      وحده لا اله الا هو  
(دیوان هاتف اصفهانی - ص)

نتیجه اینکه منشأ روشنگری پروین فطرت پاک اوست که به دنیاطلبی، هوی و هوس و کج‌اندیشی آلوده نگشت. همچنین با پرورش در خانواده‌ای آگاه و عامل به تعالیم و حقایق دین و دانش، و نیز با ذوقی لطیف و بینشی ژرف به مطالعه آثار اندیشمندان بزرگ جهان پرداخت و سیر تعالی و کمال را پیمود.

این شاعر بزرگوار و خوش قریحه ایران، مخاطبان خود را به پویایی و پیشرفت در پرتو «نور امید» و آراسته شدن به «نور علم» و پاسداری از «نور جان» فرا می‌خواند، و با ایمان و اعتقاد به «نور معرفت» این نوید را می‌دهد که نور مایه هدایت است، لذا می‌گوید انسان در اثر خواستن و ارادت قلبی، و همچنین در پرتو اخلاص و روشن بینی، همواره می‌تواند انوار ربوبی را مشاهده کند و از برکات آن بهره‌مند شود:

تا دیده‌ات ز پرتو اخلاص روشن است      انوار حق ز چشم تو پنهان نمی‌شود  
(دیوان پروین اعتصامی - ص ۳۱۱)

این شاعر بینا و آگاه امیدوار است همه شیفتگان محبوب هم پیوسته خود را در محضر دوست ببینند و با مشاهده جلوه جمالش با پروین هم‌نوا شوند که:  
«نور حق همواره در جلوه‌گری است»

## منابع

- ۱- اعتصامی، پروین - ۱۳۷۳- دیوان - تدوین فریده دانایی با مقدمه مرحوم ملک الشعراء بهار - انتشارات نگاه
- ۲- اعتصامی، پروین - ۱۳۷۴ - دیوان - احمد دانشگر - انتشارات حافظ نوین - تهران.
- ۳- اعتصامی، یوسف - تیره‌بختان (ترجمه دیگری از بینوایان ویکتور هوگو) - بدون تا
- ۴- حائری، مرحوم سید هادی (کوروش) - اسرار دل - مجله آشنا - سال اول - شماره ۶.
- ۵- حایری، مرحوم سید هادی (کوروش) - ۱۳۷۵ - حدیث ناگفته - مؤسسه چاپ و انتشارات حدیث - تهران.
- ۶- شیرازی، شاه داعی الی الله - نسایم گلشن (شرح گلشن راز شبستری) - تصحیح محمد رانجها.
- ۷- عراقی، فخرالدین - ابراهیم - ۱۳۳۸ - کلیات (اشعار) عراقی - مقدمه. تصحیح و مقابله هجده نسخه به کوشش سعید نفیسی. انتشارات سنایی - تهران - چاپ چهارم.
- ۸- گرکانی، فضل الله - ۲۵۳۶ = ۱۳۵۶ ش - تهمت شاعری - انتشارات روزنه.
- ۹- میدی، ابوالفضل رشیدالدین - ۱۳۶۱ - کشف الاسرار و عده الابرار - به کوشش علی اصغر حکمت - ده جلد - انتشارات امیرکبیر - تهران.
- ۱۰- لاهیجی، شمس الدین محمد - ۱۳۷۱ - مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز شیخ محمود شبستری - مقدمه تصحیح و تعلیقات محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی - انتشارات زوار - تهران - چاپ اول.
- ۱۱- نیمدهی، شرف‌الدین محمد - ۱۳۶۱ - رساله الانوار در تفسیر آیه شریفه نور - مقدمه و تصحیح دکتر اسماعیل حاکمی. انتشارات بنیاد قرآن - تهران - چاپ اول.



# بررسی رابطه بین سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای دانش‌آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه شهر تهران

دکتر زهره خسروی\*

مریم آقاجانی\*\*

## چکیده

هدف: این پژوهش به منظور بررسی رابطه بین سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای دانش‌آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه شهر تهران انجام شده است. روش: نمونه‌ای که مورد بررسی قرار گرفت شامل ۱۹۱ دانش‌آموز بودند. جهت انتخاب نمونه پژوهش ابتدا منطقه ۷ شهر تهران به جهت انسجام نسبی بافت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی (طبق پیشنهاد اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران) انتخاب شد. سپس از بین مدارس دولتی دخترانه این منطقه، یک دبیرستان به طور تصادفی انتخاب شد. بدین ترتیب کلیه دانش‌آموزان سال اول مقطع متوسطه دبیرستان مذکور به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. پس از آن پرسشنامه سلامت عمومی گلدبرگ (GHQ) و پرسشنامه منبع کنترل بر روی نمونه پژوهش ( $N = 191$ ) اجرا و سپس نمرات حاصل از اجرای پرسشنامه‌های مذکور با استفاده از روشهای آماری استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یکطرفه ANOVA و آزمون  $t$  دو گروه مستقل) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج و یافته‌های حاصل نشان داد که بین سلامت روان و شیوه مقابله‌ای و همچنین بین منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. اما بین سلامت روان و منبع کنترل ارتباط مثبت و معناداری وجود ندارد. در ضمن یافته‌های جانبی پژوهش نیز بیانگر این امر است که بین سطح تحصیلات مادر، اشتغال مادر و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با سلامت روان و شیوه مقابله‌ای آنان ارتباط معناداری وجود دارد.

**کلید واژه:** سلامت روان، منبع کنترل، شیوه مقابله‌ای، نوجوانان.

\* دانشیار دانشگاه الزهرا (س) E-mail: Zohreh\_Khosravi@yahoo.com

\*\* کارشناس ارشد روانشناسی

در مورد بهداشت روانی<sup>۱</sup> دو تعریف مورد توجه قرار می‌گیرد: در تعریف اول، منظور از بهداشت روانی عبارت از رشته‌ای تخصصی از بهداشت عمومی است که در زمینه کاهش بیماری‌های روانی در یک جامعه فعالیت می‌نماید و بررسی انواع مختلف اختلالات روانی و عوامل مؤثری که در بروز آنها نقش دارند، در قلمروی کار این علم می‌باشد. شناخت علت ایجادکننده اختلالات روانی قدم اول برنامه‌ریزی برای اقدامات پیشگیرانه به حساب می‌آید. پس از شناخت علت‌های ایجاد کننده اختلالات روانی، وظیفه متخصصان این رشته مطالعه راه‌های از بین بردن علت‌های مزبور و یا غلبه بر آنها می‌باشد. از آنجائیکه عوامل زیستی، روانی و اجتماعی در بروز اختلالات روانی نقش دارند، روش‌های پیشگیری از این اختلال‌ها نیز چند بعدی است و باید از ابعاد گوناگون مورد توجه قرار گیرد. در تعریف دوم، بهداشت روانی به معنای سلامت فکر است و به منظور نشان دادن وضع مثبت و سلامت روانی است که خود می‌تواند نسبت به ایجاد سیستم با ارزشی در مورد ایجاد تحرک، پیشرفت و تکامل در حد فردی، ملی و بین‌المللی کمک نماید. زیرا زمانی که سلامت روانی شناخته شد، نسبت به دستیابی به آن اقدام می‌شود و راه برای تکامل فردی و اجتماعی هموار می‌گردد. (حسینی، ۱۳۷۸).

طبق نظر «وایت»<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) افراد دارای سلامت روان، چندین ویژگی دارند که عبارتند از:

۱- پذیرش خود و دوست داشتن خویش: این ویژگی در برگیرنده دو مفهوم خودپنداره (تصوری که فرد از خودش دارد) و عزت نفس (پذیرش و قبول خود) است. چنانچه این دو مفهوم همراه با هم باشند، تکمیل کننده اولین بخش از سلامت روانی (پذیرش و دوست داشتن خود) هستند. ۲- برقراری روابط با دیگران: زمانی که فرد خودپنداره و عزت نفس مثبتی داشته باشد و خود را بپذیرد و دوست داشته‌باشد، آنگاه بخوبی خواهد توانست با دیگران ارتباط مناسب برقرار کند. ۳- مقابله با نیازهای زندگی: مقابله با نیازها و احتیاجات زندگی و کنترل الزامات و چالش‌های زندگی

---

1- Mental Health

2- White



بخشی از سلامت روانی است. این الزامات از جانب والدین، خانواده، دوستان، مدرسه، فعالیت‌ها، مشاغل و غیره می‌باشد. نکته اساسی در این زمینه موضوع مدیریت استرس است. زمانی که افراد تحت استرس هستند، باید مهارت‌های مقابله‌ای لازم را داشته باشند تا بدین وسیله بتوانند، اثرات استرس بر جسم و روان را کاهش دهند. چنانچه استرس مدیریت شود (کاهش یابد و یا کنترل شود) و مهارت‌های مقابله‌ای مؤثر موجود باشد. قطعاً فرد بهتر قادر خواهد بود تا با نیازها و چالش‌های زندگی مقابله نماید. ۴- بروز مناسب هیجانات: افراد باید بتوانند هیجانات خود را شناسایی کنند و آن احساسات را به طور مناسب بروز دهند. در غیر این صورت سلامت روان خود فرد و همچنین دیگران در معرض آسیب قرار خواهد گرفت.

منظور از منبع کنترل<sup>۱</sup> این است که شخص تا چه اندازه باور دارد که می‌تواند بر زندگی خود اثر داشته باشد. مفهوم منبع کنترل برای تقویت یک ساختار روانی است که از تئوری یادگیری اجتماعی «راتر»<sup>۲</sup> (۱۹۵۴) نشأت می‌گیرد. منبع کنترل می‌تواند درونی یا بیرونی باشد. کسانی که منبع کنترل درونی دارند معتقدند که سازندگان اصلی زندگی خود هستند، اما کسانی که منبع کنترل بیرونی دارند معتقدند که آنچه بر سر آنها می‌آید اصولاً محصول شانس، تصادف و یا نتیجه اعمال افراد دیگر است. (گنجی، ۱۳۷۹)

مشاهده‌ی تفاوتی که افراد در برداشت‌هایشان از میزان کنترلی که بر زندگی‌شان دارند، سال‌هاست که توجه روانشناسان را به خود جلب کرده است. افرادی که مسئولیت وقایعی را که برایشان اتفاق می‌افتد، می‌پذیرند، درونی‌ها نامیده می‌شوند، زیرا آنها دارای منبع کنترل درونی هستند و برعکس کسانی که معتقدند بیشتر مسائلی که برایشان اتفاق می‌افتد خارج از کنترل‌شان است، بیرونی‌ها نامیده می‌شوند زیرا آنها دارای منبع کنترل بیرونی هستند. لازم به ذکر است که منبع کنترل افراد براساس یادگیری و تجارب فرد در جریان رشد، ایجاد می‌شود. مطلب مهم‌تر اینکه چون منبع کنترل مبتنی

---

1- Locus of control

2- Rotter

بر ادراکات فرد از زندگی است، لذا می‌توان آن را مجدداً ارزیابی کرد و تغییر داد. (کلینکه<sup>۱</sup>  
ترجمه: محمد خانی، ۱۳۸۰)

«راتر» (۱۹۶۶) به نقل از همان منبع مطرح کرده است که افراد درونی به باورهای زیر  
بیشتر معتقدند:

- ۱- سرانجام، افراد در دنیا احترامی را که شایسته آن هستند بدست می‌آورند.
  - ۲- موفقیت نتیجه تلاش زیاد است و شانس نقش کمتری در موفقیت افراد دارد.
  - ۳- بدبختی‌های افراد نتیجه اشتباهات خودشان است. ۴- کسانی که نمی‌توانند کاری کنند که دیگران آنها را دوست داشته باشند، نمی‌دانند که چگونه با دیگران همراه شوند.
  - ۵- رابطه مستقیمی بین سخت درس خواندن و نمره گرفتن وجود دارد.
- افراد بیرونی نیز بیشتر به باورهای زیر اعتقاد دارند:

- ۱- متأسفانه بیشتر اوقات ارزش فرد هر قدر هم که باشد، ناشناخته می‌ماند.
- ۲- بدست آوردن یک شغل خوب بیشتر بستگی به شرایط زمانی و مکانی دارد.
- ۳- بسیاری از رویدادهای ناخوشایند در زندگی مردم تا اندازه‌ای به علت بدشانسی است.
- ۴- هر قدر هم که سعی خودمان را بکنیم، باز هم بعضی‌ها از ما خوششان نمی‌آید.
- ۵- سعی زیاد از حد برای راضی کردن مردم چندان فایده‌ای ندارد، اگر قرار است آنها از آدم خوششان بیاید، می‌آید.

«لازاروس و فولکمن»<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) معتقدند مقابله با بحران عبارت از تلاش‌های فکری و رفتاری مستمری است که برای برآوردن نیازهای خاص درونی و بیرونی به کار می‌رود. این احتیاجات ممکن است مطابق و یا افزون بر منابع و امکانات فرد باشد. (به نقل از اکبرزاده، ۱۳۷۶). در تعریف دیگری از «لازاروس و فولکمن» (۱۹۸۴) به نقل از «ری و همکاران»<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) مقابله یا کنار آمدن با بحران عبارتست از تلاش‌های رفتاری و شناختی جهت کنترل فشارها هستند.

1- Klienke

2- Lazarus & Folkman

3- Reeh et.al

در چندین تحلیل، شیوه‌های مقابله‌ای<sup>۱</sup> در سه طبقه بزرگ گروه‌بندی شدند: ۱- مقابله مثبت (حل مسأله دقیق و روشن، جستجوی کمک، جستجوی اطلاعات) ۲- مقابله معمولی و عادی (ارزیابی، حل مسأله مبهم و غیردقیق و پذیرش کنترل هیجانی درونی) ۳- مقابله منفی (عدم آگاهی، فقدان یک راهبرد مناسب، فرار، تخلیه هیجانی نامناسب). نتایج نشان می‌دهند که حل مسأله دقیق پیامدهای بهتری به دنبال دارد در حالیکه پاسخ‌های مقابله‌ای هیجانی با نتایج نامطلوبی در ارتباط است. بنابراین باید بر آموزش مهارت‌های مقابله‌ای مؤثر و مثبت تأکید شود. (به نقل از کولینز و موویرای،<sup>۲</sup> ۱۹۹۹)

در دوره‌ی نوجوانی تغییرات عمده‌ای در همه ابعاد زندگی (جسمانی، روانی، شناختی و اجتماعی) نوجوان رخ می‌دهد و از مهمترین و بحرانی‌ترین دوره‌های رشد است. از آنجا که، کسب احساس هویت از مهمترین رویدادهای نوجوانی است و با سلامت روانی ارتباط مستقیم دارد. به طوری که تحقیقات نشان می‌دهد، رشد هویت موفق در دوره نوجوانی با سطح رشد خود،<sup>۳</sup> رشد تفکر صوری یا انتزاعی، رشد سطوح تکامل یافته قضاوت اخلاقی و منبع کنترل درونی ارتباط مثبت دارد. همچنین نوجوانان دارای هویت موفق به طور کلی از لحاظ روانی، سازگاری سالم و خوبی دارند و با مسائل به نحو مناسبی کنار می‌آیند. آنان کارآمدی شخصی بالایی دارند و اضطرابشان پایین است. (واترمن،<sup>۴</sup> ۱۹۹۲ به نقل از اکبرزاده ۱۳۷۶). بنابراین دستیابی به هویت موفق، نوجوانان را از بسیاری از مشکلات بهداشت روانی مصون نگه می‌دارد.

طبق یافته‌های گوناگون نوجوانی دوره مهم و اساسی است که در عزت نفس تغییرات و دگرگونی‌هایی ایجاد می‌شود. این دوره از رشد یک ماهیت انتقالی منحصر به فرد دارد (اکلس و دیگران،<sup>۵</sup> ۱۹۹۳ به نقل از کواتمن و واتسون<sup>۶</sup> ۲۰۰۱) و مستلزم سازگاری‌ها و

- 
- 1- Coping styles
  - 2- Collins & Mowbray
  - 3- Ego
  - 4- Waterman
  - 5- Eccles et.al
  - 6- Qutman & Watson

تغییراتی در شناخت خود است که به نظر می‌رسد موجب تغییر در عزت نفس می‌شود. (ویگفیلد و اکلس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴ به نقل از همان منبع). افرادی که دارای عزت نفس بالایی هستند، بهبود افزایش‌دهی در کیفیت زندگی خویش تجربه می‌کنند، از طرف دیگر افراد دارای عزت نفس پایین در معرض بسیاری از اختلالات رفتاری و عاطفی مانند اضطراب، عدم انگیزش، رفتار خودکشی‌گرا، اختلالات خوردن، بزهکاری و افسردگی قرار می‌گیرند. (هارتر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰ به نقل از همان منبع).

بدین ترتیب عزت نفس به عنوان جنبه مهمی از سلامت روان محسوب می‌شود و این موضوع در دوره نوجوانی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لازم به توضیح است که پژوهش‌های گوناگونی در مورد ارتباط بین ابعاد مختلف سلامت روان، منبع کنترل و شیوه‌های مقابله‌ای انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

«اپستین و کموریتا»<sup>۳</sup> (۱۹۷۱) به نقل از بیابانگرد (۱۳۷۸) با انجام تحقیقی دریافتند که آزمودنی‌هایی که عزت نفس پایین و متوسط دارند به طور معناداری دارای منبع کنترل درونی در مواجهه با شرایط استرس‌زا بوده و بیشتر از افراد دارای منبع کنترل بیرونی و آنانی که دارای عزت نفس بالا هستند، دارای منبع کنترل درونی می‌باشند. «پوپ و سوزان»<sup>۴</sup> (۱۹۷۷) به نقل از قاسمی (۱۳۷۵) طی مطالعاتی به این نتیجه رسیدند که افراد دارای منبع کنترل بیرونی، عمل می‌کنند و داشتن منبع کنترل درونی به عنوان یک ویژگی شخصیتی می‌تواند بخشی از تأثیرات استرس را کنترل کند و فرد را در موضع مقابله با تهدید یا استرس قدرتمندتر سازد. «جو»<sup>۵</sup> (۱۹۷۲) به نقل از بیابانگرد (۱۳۷۰) نتیجه گرفت که افراد دارای منبع کنترل بیرونی برخلاف درونی‌ها، دارای اضطراب بیشتر، عزت نفس کمتر، کم اعتمادتر، پرخاشگرتر و کم بینش‌تر هستند.

- 
- 1- Wigfied & Eccles
  - 2- Harter
  - 3- Epstein & Komorita
  - 4- Pope & Susan
  - 5- Joe

درواقع از لحاظ سلامت روانی مشخص شده است که، درونی‌ها سازگاری بهتری دارند و کمتر از بیرونی‌ها نگران هستند. اعتقاد بیرونی نشانه‌ای از اختلالات روانی مانند افسردگی و اسکیزوفرنیا می‌باشد و افراد درونی برعکس بیرونی‌ها مستقل‌تر و دارای پیشرفت هستند. (قاسمی، ۱۳۷۵)

براساس گفته‌های «لازاروس» به نقل از همان منبع افرادی که دارای منبع کنترل بیرونی هستند در مقایسه با درونی‌ها احساس درماندگی بیشتر، اضطراب بیشتر و استرس افزون‌تری دارند.

«فیتز»<sup>۱</sup> (۱۹۶۷) بیان کرد که بیرونی‌ها در مقیاس اضطراب و فشار روانی نمرات بالاتری از درونی‌ها دارند. همچنین به نظر «فانلی»<sup>۲</sup> (۱۹۷۲) زنان دارای منبع کنترل بیرونی در آزمون اضطراب پیشرفت تحصیلی، اضطراب بیشتری نسبت به زنان درونی از خود نشان می‌دهند. (به نقل از ساموئل بال.<sup>۳</sup> ترجمه: مسدد، ۱۳۷۳؛ امین یزدی، صالحی فدردی، ۱۳۷۸)

«فارز»<sup>۴</sup> (۱۹۷۸) به نقل از قاسمی (۱۳۷۵) ادعا نمود که درونی‌ها از سلامت روانشناختی بهتری نیز برخوردارند. به بیان روشن‌تر، کمتر مضطرب می‌شوند، کمتر به بیماری‌های روانی مبتلا می‌شوند و از سازش یافتگی روانشناختی بهتری در ارتباط با موقعیت‌های اجتماعی و فردی و کلیه ابعاد زندگی برخوردار هستند.

«کوپر اسمیت»<sup>۵</sup> (۱۹۶۷)، «گیفور، کالن، پوپوویچ و پاول»<sup>۶</sup> (۱۹۹۰)، «ریدلورن»<sup>۷</sup> (۱۹۹۵) و بیابانگرد (۱۳۷۰) بین عزت نفس و منبع کنترل درونی رابطه‌ی قوی و مثبت یافتند. (به نقل از میرهاشمیان، ۱۳۷۷)

---

1- Feather

2- Faneli

3- Samuel Ball

4- Farez

5- Cooper Smith

6- Giffor, Kallen, Popowich & Powell

7- Reid Lorene

در گزارش پژوهشی «راتر» (۱۹۷۵) ارتباط خطی بین منبع کنترل درونی- بیرونی و نشانه‌های روانی بیان شد و بدین ترتیب، آنهایی که گرایش به منبع کنترل درونی دارند، نسبت به افراد دارای منبع کنترل بیرونی نشانه‌های کمتری را از خود نشان می‌دهند. چنین یافته‌هایی در سالهای بعد نیز توسط پژوهشگران دیگر مورد تأیید قرار گرفت. در پژوهش دیگری توسط «هولدر ولوی»<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) که با استفاده از مقیاس -R۹۰SCL- انجام شد، نتایج نشان داد که افراد دارای منبع کنترل بیرونی سطوح بالاتری از پریشانی روانی را، نشان می‌دهند. همچنین بررسی‌های «استریکند»<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) نشان داد که افراد مورد بررسی مضطرب و افسرده، گرایش به منبع کنترل بیرونی داشته‌اند. (بیان‌زاده، زمانی منفرد، حیدری پهلویان و همکاران، ۱۳۷۸)

همچنین ارتباط بین منبع کنترل سلامتی نوجوانان و سلامت روانی آنان نیز شرح داده شده است، به طور مثال «کوپرا- فرای، سالتز، جونز و دیکسون»<sup>۳</sup> (۱۹۹۱) دریافتند که افراد دارای منبع کنترل سلامتی درونی بالا (افراد) که خود را مسؤول اولیه سلامتی خویش می‌دانند، استرس و افسردگی کمتری دارند در حالیکه افراد دارای منبع کنترل سلامتی بیرونی (افرادیکه عوامل مافوق کنترل شخصی خویش مانند تصادفات، ویروس و بیماری را مسؤول اولیه وضعیت سلامتی خود می‌دانند) اضطراب، افسردگی، بزهکاری اجتماعی و نشانه‌های سایکوتیک بیشتری دارند. درضمن درونی‌ها عزت نفس بالاتری دارند و کمتر رفتارهای ناسالم، از آنان سر می‌زند، در حالیکه بیرونی‌ها عزت نفس پایین‌تری دارند. (به نقل از ری و همکاران، ۱۹۹۸)

در کل داده‌های مربوط به افسردگی، استرس، اضطراب و عزت نفس پیشنهاد می‌کند که نوجوانان دارای منبع کنترل سلامتی درونی، سلامت روانی بالاتری نسبت به بیرونی‌ها دارند. (ری و همکاران، ۱۹۹۸)

---

1- Holder & Levi

2- Strickand

3- Kopera-Frye, Saltz, Jones & Dixon

«ری، هیبرت و همکاران»<sup>۱</sup> با تحقیق بر روی ۴۸۰ دانش‌آموز به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان دارای منبع کنترل سلامتی درونی، خودشان را از لحاظ جسمانی و روانی سالم‌تر تلقی می‌کنند.

«فورن هام و همکاران»<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) به نقل از نجفی (۱۳۷۹) به این نتیجه دست یافته‌اند که افراد دارای منبع کنترل بیرونی عزت نفس پایین‌تر و افسردگی بالاتری داشتند. «کلی»<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) نیز مطرح نمود که نتایج تحقیق نشان داده است که منبع کنترل یک پیش‌بینی کننده معنادار و قوی در مورد سلامت عمومی و رضایت خاطر از زندگی نوجوانان است.

«زوبین و اسپرینگ»<sup>۴</sup> (۱۹۷۷) اشاره کرده‌اند که بهبود مهارت‌های مقابله‌ای در زمینه تعامل اجتماعی، آسیب‌پذیری در مقابل اسکیزوفرنیا را کاهش می‌دهد. (داردن و گیتتر<sup>۵</sup> ۱۹۹۶) «امیرکهام»<sup>۶</sup> (۱۹۹۴ و ۱۹۹۰)، «پارکر و ایندler»<sup>۷</sup> (۱۹۹۰) سه نوع راهبرد مقابله‌ای حل مسأله، جستجوی حمایت اجتماعی و اجتناب را مطرح ساختند. به نظر ایشان، راهبردهای مقابله‌ای نقش مهمی را در سلامت روانی و جسمانی فرد در طول موقعیت‌های استرس‌آور زندگی‌اش ایفا می‌کنند. (به نقل از اسپانگنبرگ و ترون،<sup>۸</sup> ۱۹۹۹)

همچنین «کامپاس»<sup>۹</sup> (۱۹۸۷) اظهار می‌دارد که بین وقایع زندگی که فشار به همراه دارند و اختلالات دوران نوجوانی همبستگی متوسطی وجود دارد، که در این بین، مهارت‌های مقابله‌ای اهمیت ویژه‌ای دارند. وی به دو نوع مهارت مقابله‌ای اشاره می‌کند:

- 
- 1- Reeh, Hiebert et.al
  - 2- Furnham et.al
  - 3- Kelley
  - 4- Zubin & Spring
  - 5- Darden & Ginter
  - 6- Amirkham
  - 7- Parker & Endler
  - 8- Spangenberg & Theron
  - 9- Compas

متمرکز بر مشکل و متمرکز بر هیجان. در اغلب موارد گرایش متمرکز بر مشکل، کارآمدی بیشتر دارد و با سلامت روانی نوجوانان همبستگی دارد. (به نقل از احمدی زاده، ۱۳۷۳) نوجوانانیکه راهبردهای مقابله‌ای مؤثر را ندارند بیشتر در معرض خطر رشد مشکلات سلامت روانی و جسمانی قرار دارند. (دیکسون، هپلر و آندرسون،<sup>۱</sup> ۱۹۹۱ به نقل از ری و همکاران، ۱۹۹۸)

همچنین سبک زندگی ناسالم با تلاش‌های مقابله‌ای در زندگی که بیشتر مربوط به ارزیابی شناختی و شیوه مقابله‌ای در رفتارهای ناسالم است، ارتباط تنگاتنگ دارد. بویژه یک رابطه معنادار بالایی با درماندگی در حل مسأله وجود دارد. پس رفتار ناسالم و سبک زندگی ناسالم نتیجه خلاقیت کمتر در حل مسأله و اطمینان کمتر به توانایی در حل مسأله است. اینگونه افراد، احساس درماندگی بیشتری دارند. آنان منبع کنترل بیرونی‌تری دارند، از اخلاق حرفه‌ای پایین‌تری برخوردارند، زیاده‌طلب هستند، احساس کنترل و مهارت کمتری تجربه می‌کنند، از حمایت اجتماعی و تحمل جسمانی کمتری برخوردارند، تحریک‌پذیری بیشتری دارند و اسنادهای درونی، ثابت و کلی بیشتری دارند. در حالیکه تصویر رفتار و سبک زندگی سالم، کاملاً متفاوت است، اینگونه افراد شیوه مقابله‌ای و ارزیابی شناختی مثبت‌تری دارند، احساس درماندگی آنان کمتر است، خلاقیت بیشتری در حل مسأله دارند، کمتر زیاده‌طلب هستند، بیشتر در آرزوی مقام و منزلت بالاتری هستند و نمرات بالاتری در کنترل زندگی و مهارت در زندگی دارند. همچنین نگرش مثبت‌تری به سلامتی و ورزش دارند، کمتر از مشکلات فرار می‌کنند و بیشتر با آنها روبرو می‌شوند، حمایت بیشتری دریافت می‌کنند و از نظر هیجانی کمتر تحریک‌پذیرند. بنابراین رفتار سالم، سلامتی را پیش‌بینی می‌کند و همچنین ارزیابی شناختی و شناخت‌هایی که در رفتارهای سالم و ناسالم نقش دارند در فرایند استرس و سلامتی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در نتیجه می‌توان گفت سلامت روانی و جسمانی افراد هم تحت تأثیر ارزیابی شناختی و هم شیوه مقابله‌ای آنان قرار دارد. (کاسیدی،<sup>۲</sup> ۲۰۰۰)

1- Dixon, Hepper & Anderson

2- Cassidy



«توتیز»<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) به نقل از «یونگر و همکاران»<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) معتقد است استفاده از راهبردهای مقابله‌ای مؤثر و مثبت اثرات منفی استرس را کاهش می‌دهد.

«بیلیگز و موس»<sup>۳</sup> (۱۹۸۴) دریافتند که مقابله متمرکز بر حل مسأله و کنترل هیجانی با نابهنجاری‌های شدید، کمتر مرتبط است. به طور مشابه «آلدوین و رونسون»<sup>۴</sup> (۱۹۸۷) دریافتند که فعالیت متمرکز بر مسأله یک عامل حفاظت‌کننده در مقابل استرس است. (به نقل از کولینز و موویرای، ۱۹۹۹)

«ویتالیانو و دیگران»<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) نیز به نقل از همان منبع دریافتند که مقابله متمرکز بر مشکل با خلق افسرده، ارتباط منفی دارد. البته این ارتباط منفی زمانی است که استرس دریافت شده، قابل تغییر ادراک شود اما زمانیکه استرسور غیر قابل تغییر ادراک شده باشد، ارتباطی وجود ندارد.

بنابراین اغلب گزارش شده است که مقابله متمرکز بر مشکل مؤثرتر و سازگارانه‌تر از مقابله متمرکز بر هیجان است. به این دلیل که این نوع مقابله، موقعیت استرس‌آور را تغییر می‌دهد. استفاده از راهبردهای مقابله‌ای متمرکز بر هیجان احتمال افسردگی و ضعف جسمانی را افزایش می‌دهد در حالیکه راهبردهای متمرکز بر مشکل عامل حفاظت‌کننده در مقابل افسردگی و ضعف سلامت جسمانی است. (بارون و دیگران،<sup>۶</sup> ۱۹۹۴ به نقل از یونگر و دیگران، ۱۹۹۸)

«استپتو و واردل»<sup>۷</sup> (۲۰۰۱) معتقدند که منبع کنترل درونی بالا با افزایش احتمال رفتارهای سالم، ارتباط مثبت دارد. «لفکورت و دیویدسون کاتز»<sup>۸</sup> (۱۹۹۱) (به نقل از «کلینکه»، ترجمه: محمد خانی، ۱۳۸۰) معتقدند که افراد دارای منبع کنترل بیرونی غالباً ضعیف مقابله

- 
- 1- Thoits
  - 2- Unger et.al
  - 3- Billings & Moos
  - 4- Aldwin & Revenson
  - 5- Vitaliano et.al
  - 6- Barron et.al
  - 7- Steptoe & Wardle
  - 8- Lefkourt & Davidson-Katz

می‌کنند، زیرا هنگام ارزیابی اولیه رویدادهای زندگی، امید کمتری دارند که بتوانند کاری انجام دهند.

تحقیقات و پژوهش‌های فوق و دیگر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه بیانگر ارتباط بین سه متغیر سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای است. پژوهش حاضر نیز در این راستا و با اهداف زیر انجام شده است:

۱- بررسی رابطه بین شیوه مقابله‌ای مسأله مدار و سلامت روان.

۲- بررسی رابطه بین درونی‌تر شدن منبع کنترل و سلامت روان.

۳- بررسی رابطه بین شیوه مقابله مسأله مدار و درونی‌تر شدن منبع کنترل.

فرضیات پژوهش عبارت بودند از:

الف: بین شیوه مقابله‌ای مسأله مدار و سلامت روان ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

ب: بین درونی‌تر شدن منبع کنترل و سلامت روان ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

ج: بین شیوه مقابله‌ای مسأله مدار و درونی‌تر شدن منبع کنترل ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

### روش:

پژوهش حاضر از نوع تحقیق همبستگی است که با هدف بررسی رابطه بین سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای دانش‌آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه شهر تهران انجام شده است. در این راستا جهت انتخاب نمونه از بین مناطق آموزش و پرورش شهر تهران، منطقه ۷ به دلیل انسجام نسبی بافت فرهنگی و اقتصادی - بنا به پیشنهاد اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران - انتخاب شد. در مرحله بعدی از بین دبیرستان‌های دخترانه دولتی این منطقه، یک دبیرستان به طور تصادفی انتخاب شد. پس از آن کلیه دانش‌آموزان سال اول دبیرستان مذکور، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند

که حجم آن ۱۹۱ دانش‌آموز است. در این مرحله «پرسشنامه سلامت عمومی «گلدبرگ»<sup>۱</sup> (GHQ-28) جهت بررسی سلامت روان دانش‌آموزان و «پرسشنامه منبع کنترل (لونسون)<sup>۲</sup> جهت مشخص ساختن جهت‌گیری درونی و بیرونی منبع کنترل آنان بر روی ۱۹۱ دانش‌آموز اجرا شد.

ابزارهای اندازه‌گیری در پژوهش حاضر به شرح ذیل بودند:

### ۱- پرسشنامه سلامت عمومی گلدبرگ (GHQ-28):

«گلدبرگ» (۱۹۷۲)، پرسشنامه سلامت عمومی را برای سرند اختلالات روانی غیر سایکوتیک در مراکز درمانی و جامعه طراحی و تدوین نموده‌است. فرم اصلی این پرسشنامه مشتمل بر ۶۰ سؤال است که آزمودنی باید پاسخ‌های خود را بین چهار درجه «خیر، کمی، زیاد و خیلی زیاد» و یا «بیشتر از همیشه، مثل همیشه، کمتر از همیشه و خیلی بیشتر از همیشه» مشخص کند. فرم‌های کوتاه‌تر ۱۲، ۲۰، ۲۸، ۳۰ و ۴۴ ماده‌ای این مقیاس نیز تهیه شده است. (هندرسون، ۱۹۹۰<sup>۳</sup> به نقل از اوتادی، ۱۳۸۰). در پژوهش حاضر از فرم ۲۸ سؤالی پرسشنامه سلامت عمومی که توسط «گلدبرگ و هیلیر»<sup>۴</sup> (۱۹۷۹) معرفی شده است، استفاده گردید. هدف این پرسشنامه دستیابی به یک تشخیص خاص در سلسله مراتب بیماری روانی نیست بلکه منظور اصلی آن ایجاد تمایز بین بیماری روانی و سلامت است. در واقع فرم ۲۸ ماده‌ای این پرسشنامه دارای این مزیت است که برای تمامی افراد جامعه طراحی شده است. پرسشنامه مذکور دارای چهار مقیاس می‌باشد که هر یک ۷ سؤال دارد. چهار مقیاس مذکور عبارتند از:

- ۱- مقیاس نشانگان جسمانی (A)
- ۲- مقیاس نشانگان اضطرابی (B)
- ۳- مقیاس نارسانا کنش‌وری اجتماعی (C)

1- General Health Questionnaire Goldberg (GHQ-28)

2- Locus of control Questionnaire, Levenson

3- Handerson

4- Goldberg & Hillier

## ۴- مقیاس نشانگان افسردگی (D)

(استورا<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱، ترجمه: دادستان، ۱۳۷۷).

با توجه به روش‌های مختلف نمره‌گذاری این پرسشنامه، در پژوهش حاضر از روش یا مدل ساده «لیکرت»<sup>۲</sup> جهت نمره‌گذاری استفاده گردید. لازم به توضیح است که هر چه نمره آزمودنی بالاتر باشد، از سلامت روان پایین‌تری برخوردار است.

## ۲- پرسشنامه منبع کنترل لونسون

پرسشنامه دیگری که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت، پرسشنامه منبع کنترل لونسون بود. این پرسشنامه دارای سه مقیاس I، P و C است. مقیاس I که تحت عنوان «مقیاس درونی» از آن نام برده می‌شود، مربوط به توانایی فرد در کنترل امور زندگی‌اش است. مقیاس P، تحت عنوان «مقیاس افراد قدرتمند» است و بدین معنا که فرد تا چه میزان معتقد است که آنچه در زندگی‌اش رخ می‌دهد نتیجه دیدگاه و اعمال افراد قدرتمند است، یا در نتیجه توانمندی خود فرد است و مقیاس C تحت عنوان «عامل شانس» است که میزان اعتقاد فرد به شانس و تصادف در زندگی‌اش را می‌سنجد. در واقع لونسون (۱۹۷۳) سه مقیاس خود را با توجه به مقیاس L-E راتر ارائه داده است (فراهانی، کوپر، جین، ۱۳۷۴)<sup>۳</sup> و این پرسشنامه دارای ۲۴ سؤال می‌باشد. لازم به توضیح است که کسب نمره بالا در مقیاس‌های I، P و C نشانگر جهت‌گیری بیرونی منبع کنترل می‌باشد.

پیشینه تحقیقاتی نشان داده است که عمده‌ترین شیوه‌های مقابله‌ای شامل شیوه مقابله‌ای متمرکز بر مسأله، شیوه مقابله‌ای متمرکز بر هیجان و جسمانی‌سازی مقابله می‌باشد. مقابله مسأله مدار شامل تلاش‌هایی است که برای انجام کارهای سازنده و انتخاب بهترین راه حل ممکن به منظور تغییر شرایط استرس‌زا صورت می‌پذیرد. شیوه

1- Stora

2- Likert

3- Farahani, Cooper &amp; Jin

مقابله‌ای هیجان‌مدار تلاش‌هایی است که جهت تنظیم و کنترل عکس‌العمل‌های هیجانی در مورد رویداد استرس‌زا صورت می‌گیرد. جسمانی‌سازی مقابله نیز بدین معناست که فردی که از این نوع شیوه مقابله‌ای استفاده می‌کند، هنگام برخورد با مشکل دچار علائم جسمانی (مانند سردرد، تپش قلب، تهوع، بی‌خوابی و...) می‌شود. از این رو در این پژوهش شیوه مقابله‌ای نوجوانان به عنوان یک امر حاشیه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور سه ماده دیگر در رابطه با عمده‌ترین شیوه‌های مقابله‌ای (متمرکز بر مسأله، متمرکز بر هیجان و جسمانی‌سازی مقابله) تحت عنوان مقیاس شیوه مقابله‌ای به پرسشنامه منبع کنترل لونسون اضافه شد. همچنین با استناد به طرح تحقیقی خسروی (۱۳۷۸) با موضوع «بررسی عوامل فشارزای شغلی اعضای هیأت علمی دانشگاه الزهرا(س) و رضایت شغلی آنان» نتایج نشان داده است که سه متغیر مذکور به خوبی می‌توانند موارد عمده شیوه‌های مقابله‌ای را مورد سنجش قرار دهند و در واقع می‌توان گفت که دارای بیشترین توان سنجش شیوه‌های مقابله‌ای هستند. لازم به توضیح است که کسب نمره بالا در مقیاس شیوه مقابله‌ای، نشانگر شیوه مقابله‌ای نامناسب و هیجان‌مدار است.

پس از اجرای پژوهش و نمره‌گذاری آزمونها، نتایج بدست آمده، با استفاده از روش آماری ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یکطرفه (ANOVA) و آزمون t دو گروه مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در ضمن پایایی<sup>۱</sup> و اعتبار<sup>۲</sup> پرسشنامه‌های پژوهش با استفاده از آلفای کرونباخ<sup>۳</sup>، بدست آمده و به شرح ذیل است:

- 
- 1- Reliability
  - 2- Validity
  - 3- Cronbach

## جدول ۱- نتایج پایایی حاصل از آلفای کرونباخ از دو پرسشنامه پژوهش

پایایی: آلفای کرونباخ	مقیاسها
۰/۶۹	A
۰/۷۸	B
۰/۶۲	C
۰/۹۲	D
۰/۸۲	جمع کل مقیاس‌های فوق
۰/۲۲	I
۰/۶۲	C
۰/۵۹	P
۰/۶۳	جمع کل مقیاس‌های فوق
۰/۶۷	مقیاس شیوه مقابله‌ای

## یافته‌ها

نتایج و یافته‌های حاصل از داده‌های پژوهش در جداول ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ نشان داده شده است.

نتایج ضرایب همبستگی در جدول (۲) نشان می‌دهد که بین برخی از مقیاس‌های سلامت روان، منبع کنترل و شیوه‌های مقابله‌ای، روابط معناداری وجود دارد. از جمله به موارد ذیل اشاره می‌شود:

بین مقیاس، نشانگان جسمانی (A) با مقیاس، نشانگان اضطرابی (B)، مقیاس افسردگی (D)، جمع کل مقیاس‌های آزمون سلامت عمومی، شیوه جسمانی سازی مقابله در سطح  $P < 0/001$ ، شیوه هیجانی مقابله در سطح  $P < 0/01$  و جمع کل مقیاس شیوه مقابله‌ای در سطح  $P < 0/001$  ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بدین معنا که هر گونه افزایش و کاهش در میزان نمره مقیاس نشانگان جسمانی (A) همراه با افزایش و کاهش در میزان نمرات مقیاس‌های مذکور است و بالعکس.

بین مقیاس نشانگان اضطرابی (B) نیز با مقیاس کارکرد و کنش اجتماعی (C)، مقیاس افسردگی (D)، جمع کل مقیاسهای آزمون سلامت عمومی، شیوه هیجانی مقابله و جمع کل مقیاس شیوه مقابله‌ای در سطح  $P < 0/001$ ، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بدین معنا که هر گونه افزایش و کاهش در میزان نمره مقیاس نشانگان اضطرابی (B) همراه با افزایش و کاهش در میزان نمرات مقیاس‌های مذکور و بالعکس است.

همچنین بین مقیاس کارکرد و کنش اجتماعی (C) با مقیاس افسردگی (D)، جمع کل مقیاس‌های آزمون سلامت عمومی، مقابله مسأله مدار در سطح  $P < 0/001$  و جمع کل مقیاس شیوه مقابله‌ای در سطح  $P < 0/01$ ، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بدین معنا که هر گونه افزایش و کاهش در میزان نمره مقیاس کارکرد و کنش اجتماعی (C) همراه با افزایش و کاهش در میزان نمرات مقیاس‌های مذکور و بالعکس است.

بین مقیاس نشانگان افسردگی (D) با جمع کل مقیاس‌های آزمون سلامت عمومی در سطح  $P < 0/001$ ، شیوه جسمانی‌سازی مقابله، مقابله مسأله مدار در سطح  $P < 0/001$ ، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بدین معنا که هر گونه افزایش و کاهش در میزان نمره مقیاس افسردگی (D) همراه با افزایش و کاهش در میزان نمرات مقیاس‌های مذکور و بالعکس است.

به طور کلی بین جمع کل مقیاس‌های آزمون سلامت عمومی با شیوه جسمانی‌سازی مقابله و شیوه هیجانی مقابله در سطح  $P < 0/001$ ، مقابله مسأله مدار در سطح  $P < 0/01$ ، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی هر گونه کاهش یا افزایش در میزان نمره جمع کل مقیاس‌های آزمون سلامت عمومی با کاهش یا افزایش در میزان نمرات مقیاس‌های مذکور و بالعکس است.

بین مقیاس توانایی درونی (I) با مقیاس شانس (C) و مقیاس تأثیر دیدگاه افراد قدرتمند P در سطح  $P < 0/001$ ، ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. بدین معنا که افزایش در میزان نمره مقیاس توانایی درونی (I) همراه با کاهش در میزان نمرات دو مقیاس مذکور است و کاهش در میزان نمره‌ی مقیاس توانایی درونی (I) همراه با افزایش در میزان نمرات دو مقیاس مذکور است.

همچنین بین مقیاس توانایی درونی (I) با مقابله مسأله‌مدار در سطح  $P < 0/01$  ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بدین معنا که هر گونه کاهش یا افزایش در میزان نمره مقیاس توانایی درونی (I) با کاهش یا افزایش در نمره شیوه مقابله مسأله‌مدار و بالعکس همراه است.

بین مقیاس شانس (C) با مقیاس تأثیر دیدگاه افراد قدرتمند (P) و شیوه هیجانی مقابله در سطح  $P < 0/001$  ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی هر گونه کاهش یا افزایش در میزان نمره مقیاس شانس (C) با کاهش یا افزایش میزان نمره در دو مقیاس مذکور همراه است.

همچنین بین مقیاس تأثیر دیدگاه افراد قدرتمند (P) با شیوه جسمانی‌سازی مقابله در سطح  $P < 0/01$ ، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بدین معنا که هر گونه کاهش یا افزایش در میزان نمره مقیاس تأثیر دیدگاه افراد قدرتمند (P) همراه با کاهش و افزایش در میزان نمره شیوه جسمانی‌سازی مقابله می‌باشد و بالعکس.

در ضمن بین شیوه جسمانی‌سازی مقابله با شیوه هیجانی مقابله و جمع کل مقیاس شیوه مقابله‌ای در سطح  $P < 0/001$ ، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. و بین شیوه هیجانی مقابله و مقابله مسأله‌مدار با جمع کل مقیاس شیوه مقابله‌ای در سطح  $P < 0/001$  ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بدین معنا که هر گونه افزایش یا کاهش در میزان نمرات مذکور منجر به افزایش یا کاهش در میزان نمرات دیگر می‌شود و بالعکس.

همانگونه که ملاحظه می‌شود بین اکثر مقیاس‌ها با یکدیگر ارتباط معناداری وجود دارد. به طور کلی با توجه به یافته‌های فوق دو نکته قابل اهمیت است: نکته اول اینکه بین جمع کل مقیاس‌های آزمون سلامت عمومی با کلیه مقیاس‌های A، B، C و D این آزمون، شیوه جسمانی‌سازی مقابله، شیوه هیجانی مقابله، مقابله مسأله‌مدار و جمع کل مقیاس شیوه‌های مقابله‌ای، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. نکته قابل توجه دیگر اینکه بین مقیاس‌های آزمون سلامت عمومی و مقیاس‌های منبع کنترل هیچگونه ارتباط معناداری مشاهده نشد.



جدول (۳) نشان‌دهنده ضرایب همبستگی بین مقیاس‌های سلامت روان منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای با عملکرد تحصیلی (معدل کتبی) دانش‌آموزان است. نتایج نشان می‌دهد که عملکرد تحصیلی (معدل کتبی) دانش‌آموزان تنها با شیوه جسمانی‌سازی مقابله و جمع کل مقیاس شیوه مقابله‌ای در سطح  $P < 0/01$  ارتباط منفی و معناداری دارد. بدین معنا که دانش‌آموزانی که عملکرد تحصیلی بالاتری داشته‌اند، در شیوه جسمانی‌سازی مقابله و جمع کل مقیاس شیوه مقابله‌ای، نمرات پایین‌تری کسب نموده‌اند. در واقع دانش‌آموزان مذکور، در مقابله با مشکلات کمتر دچار علائم جسمانی مانند سردرد، احساس تهوع، تپش قلب، بی‌خوابی و... می‌شوند، کمتر دچار علائم هیجانی مانند خشم و عصبانیت و... می‌شوند و بیشتر از مقابله مسأله‌مدار استفاده می‌کنند.

جدول (۴) نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) بین میانگین‌های سطح تحصیلات مادر در سه گروه بی‌سواد و زیر دیپلم، دیپلم و فوق دیپلم و لیسانس و بالاتر را با مقیاس‌های سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای دانش‌آموزان نشان می‌دهد. همانگونه که نتایج نشان می‌دهد در نسبت F حاصل از میانگین شیوه هیجانی مقابله در سطح  $P < 0/01$  معنادار است. این بدان معناست که بین نمره‌های شیوه هیجانی مقابله و تحصیلات مادر در گروه‌های بی‌سواد و زیر دیپلم، دیپلم و فوق دیپلم و لیسانس و بالاتر در سطح تعیین شده تفاوت معناداری وجود دارد. جهت تعیین دقیق محل تفاوت مشاهده شده، مقایسه میانگین‌های گروه‌ها به روش آزمون تعقیبی شفه<sup>۱</sup> نشان داد که بین میانگین نمره شیوه هیجانی مقابله در گروه مادران دارای سطح تحصیلات بی‌سواد و زیر دیپلم با میانگین نمرات گروه‌های دیگر در سطح  $0/01$  تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی دانش‌آموزانی که مادرانشان دارای تحصیلات بی‌سواد و زیر دیپلم هستند در مقابله با مشکلات، بیشتر دچار علائم هیجانی مانند خشم و عصبانیت و... می‌شوند.

جدول (۵) نشانگر نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) بین میانگین‌های سطح تحصیلات پدر در سه گروه بی‌سواد و زیر دیپلم، دیپلم و فوق دیپلم و لیسانس و بالاتر

و مقیاس‌های سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای دانش‌آموزان است. همانگونه که نتایج نشان می‌دهد در نسبت  $F$  حاصل از کلیه مقیاس‌ها نسبت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر بین میانگین‌های سطح تحصیلات پدر در سه گروه مذکور و مقیاس‌های سلامت روان، منبع کنترل و شیوه‌های مقابله‌ای، تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول (۶) نشان‌دهنده نتایج تحلیل واریانس یکطرفه (ANOVA) بین میانگین‌های شغل پدر در سه گروه شغلی کارمند و فرهنگی، آزاد و کارگر با مقیاس‌های سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای دانش‌آموزان می‌باشد. همانگونه که نتایج نشان می‌دهد در نسبت  $F$  حاصل از کلیه مقیاس‌ها، معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر بین میانگین‌های شغل پدر در سه گروه مذکور و مقیاس‌های سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول (۷) نشان‌دهنده میانگین، انحراف استاندارد، خطای استاندارد، مقدار  $t$  بدست آمده و سطح معناداری  $t$  بین دو گروه مادران خانه‌دار و شاغل در مقیاس‌های سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای دانش‌آموزان است. همانگونه که نتایج  $t$  دو گروه مستقل نشان می‌دهد، در مقیاس‌های نشانگان اضطرابی (B)، کارکرد و کنش اجتماعی (C)، نشانگان افسردگی (D) و جمع کل مقیاس‌های آزمون سلامت عمومی بین میانگین‌های دو گروه دانش‌آموزان دارای مادران خانه‌دار و شاغل، تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر میانگین نمرات دانش‌آموزانی که دارای مادران خانه‌دار هستند، در مقیاس‌های مذکور بالاتر است. این بدان معناست که دانش‌آموزان دارای مادران خانه‌دار از سلامت روان پایین‌تری نسبت به دانش‌آموزان دارای مادران شاغل برخوردارند. همچنین بین میانگین‌های دو گروه دانش‌آموزان دارای مادران شاغل و خانه‌دار در نمره مقابله مسأله‌مدار، تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که دانش‌آموزان دارای مادران شاغل بیشتر از دانش‌آموزان دارای مادران خانه‌دار، از مقابله مسأله‌مدار استفاده می‌کنند.

همانگونه که ملاحظه شد از نتایج ضرایب همبستگی بین مقیاس‌های سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای چنین بر می‌آید که بین اکثر مقیاس‌ها همبستگی معناداری وجود دارد. به طوری که بین مقیاس‌های سلامت روان و شیوه‌های مقابله‌ای نیز همبستگی معناداری وجود دارد. این بدان معناست که بین دو متغیر مذکور ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین مقیاس‌های منبع کنترل و انواع شیوه‌های مقابله‌ای همبستگی معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر بین دو متغیر منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای ارتباط معناداری وجود دارد. در ضمن بین مقیاس‌های آزمون سلامت عمومی (نشانگان جسمانی، نشانگان اضطرابی، کارکرد و کنش اجتماعی و نشانگان افسردگی) نیز ارتباط مثبت و معناداری مشاهده شده‌است. به طوری که ضرایب همبستگی بین مقیاس‌ها اکثراً بالای  $r=0/60$  می‌باشد. همین طور بین مقیاس‌های آزمون منبع کنترل (توانایی درونی، اعتقاد به شانس و تأثیر دیدگاه افراد قدرتمند) نیز ارتباط معناداری مشاهده شد. همانگونه که ملاحظه می‌شود بین شیوه جسمانی‌سازی مقابله، شیوه‌های هیجانی مقابله و جمع کل مقیاس شیوه مقابله‌ای نیز ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین نتایج نشانگر ارتباط مستقیم و مثبت بین متغیرهای پژوهش (سلامت روان و شیوه مقابله‌ای، منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای) می‌باشد، که البته علیرغم انتظار پژوهش، بین دو متغیر سلامت روان و منبع کنترل، ارتباط معناداری مشاهده نشده‌است.

بدین ترتیب فرضیه (۲) پژوهش مورد تأیید قرار نگرفت. نکته قابل توجه دیگر این بود که در هر دو پرسشنامه، بین مقیاس‌ها ارتباط کاملاً معناداری مشاهده شد، بطوریکه ضرایب همبستگی قابل قبول و رضایت‌بخشی بخصوص در آزمون سلامت عمومی، به دست آمده‌است. در ضمن با توجه به نتایج همبستگی این آزمون می‌توان نتیجه گرفت که درجه همبستگی بین هر زیر مقیاس آزمون سلامت عمومی با نمره کل مقیاس‌های آزمون بیشتر از درجه همبستگی بین زیر مقیاس‌ها است. این موضوع به‌خصوص در مورد مقیاس‌های نشانگان افسردگی، نشانگان اضطرابی و نشانگان جسمانی صدق می‌کند. این امر نشان دهنده اهمیت افسردگی و اضطراب در تشخیص نشانگان اختلال‌های روانی است.

در ضمن مشاهده شد که نتایج یافته‌های جانبی نشان دهنده ارتباط منفی و معنادار عملکرد تحصیلی (معدل کتبی) دانش‌آموزان با شیوه جسمانی‌سازی مقابله و جمع کل مقیاس شیوه مقابله‌ای است. بدین معنا که دانش‌آموزانی که معدل کتبی بالاتری داشتند در شیوه جسمانی‌سازی مقابله و جمع کل مقیاس شیوه مقابله‌ای نمرات پایین‌تری کسب کردند، یعنی در مقابله با مشکلات کمتر دچار علائم جسمانی مانند سردرد، احساس تهوع، تپش قلب، بی‌خوابی و... می‌شوند و بیشتر از مقابله مسأله‌مدار استفاده می‌کنند. همچنین نتایج تحلیل واریانس یکطرفه (ANOVA)، حاکی از آن است که تحصیلات مادر در گروه بی‌سواد و زیر دیپلم با شیوه هیجانی مقابله ارتباط معناداری دارد. بدین معنا که دانش‌آموزان دارای مادران بی‌سواد و زیر دیپلم در مقابله با مشکلات بیشتر دچار حالات هیجانی مانند، خشم، عصبانیت و... می‌شوند. لازم به ذکر است که بین میانگین‌های تحصیلات پدر با مقیاس‌های سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای، ارتباط معناداری مشاهده نشد. در ضمن بین نوع شغل پدر و مقیاس‌های مذکور نیز ارتباط معناداری حاصل نگردید. ولیکن بین وضعیت اشتغال مادر و مقیاس‌های اضطراب، نارساکنش‌وری اجتماعی، افسردگی و جمع کل مقیاس‌های سلامت عمومی و همچنین شیوه مقابله‌ای مسأله‌مدار ارتباط معناداری بدست آمد. بدین معنا که دانش‌آموزان دارای مادران شاغل، نمرات پایین‌تری در مقیاس‌های مذکور کسب نمودند، یعنی به عبارت دیگر، اضطراب، نارساکنش‌وری اجتماعی و افسردگی کمتری در مقایسه با دانش‌آموزان دارای مادران خانه‌دار، نشان دادند و در کل از سلامت روان بالاتری برخوردار هستند. در ضمن در هنگام مقابله با مشکلات بیشتر از شیوه مقابله‌ای مسأله‌مدار استفاده می‌کردند.

جداول ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ که بیانگر توضیحات فوق می‌باشند به ترتیب در صفحات بعدی ترسیم شده‌اند.

جدول ۲: ضرایب همبستگی بین مقیاس‌های سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای دانش‌آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه شهر تهران ۱۹۱ = n

منبع کنترل	A	B	C	D	جمع کل مقیاس‌های سلامت عمومی	I	C	P	شیوه جسمانی سازی مقابله‌ای	شیوه هیجانی مقابله	شیوه مسئله‌مدار مقابله	جمع کل مقیاس شیوه مقابله‌ای
نشانیگان جسمانی A	۱	** ۰/۵۸۵۵	۰/۱۳۸۵	** ۰/۴۰۶۹	** ۰/۶۱۸۷	۰/۰۱۷۷	۰/۰۴۶۳	-۰/۱۰۴۱	** ۰/۲۲۸۲	* ۰/۱۷۴۴	۰/۱۲۵۳	** ۰/۲۴۹۶
نشانیگان اضطرابی B	-	۱	** ۰/۳۵۱۵	** ۰/۴۲۳۰	** ۰/۶۳۷۸	۰/۱۳۵۵	۰/۰۷۱۳	-۰/۰۲۹۳	۰/۱۰۶۱	** ۰/۲۲۸۸	۰/۱۵۹۰	** ۰/۳۳۲۱
کارکرد و کنش اجتماعی C	-	-	۱	*	** ۰/۲۷۲۲	۰/۰۰۲۶	۰/۰۶۱۷	۰/۰۸۷۶	۰/۰۹۹۱	۰/۱۱۴۵	۰/۱۸۳۴	* ۰/۱۷۲۰
نشانیگان افسردگی D	-	-	-	۱	** ۰/۶۶۸۸	۰/۱۲۸۶	۰/۱۴۷۹	۰/۰۲۴۵	*	۰/۱۶۶۲	۰/۱۹۴۹	** ۰/۳۳۳۷
جمع کل مقیاس‌های سلامت عمومی	-	-	-	-	۱	۰/۰۷۲۱	۰/۱۵۲۲	۰/۰۲۳۴	** ۰/۲۲۶۸	** ۰/۲۴۰۷	*	** ۰/۳۰۷۹
مقیاس توانایی درونی I	-	-	-	-	-	۱	** -۰/۳۳۳۴	** -۰/۲۶۹۸	۰/۰۷۸۵	-۰/۰۵۸۰	۰/۱۷۸۹	-۰/۰۱۳۷
مقیاس شانس C	-	-	-	-	-	-	۱	** ۰/۵۷۶۵	۰/۱۶۸۴	** ۰/۲۷۷۰	۰/۰۸۵۵	۰/۲۷۵۶
مقیاس دیدگاه افراد قدرتمند P	-	-	-	-	-	-	-	۱	*	۰/۰۹۱۴	-۰/۰۶۲۸	۰/۱۲۹۴
شیوه جسمانی سازی مقابله	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	** ۰/۵۱۳۲	۰/۰۰۵۷	** ۰/۸۱۵۸

## ادامه جدول ۲

جمع کل مقیاس شیوه مقابله‌ای	شیوه مقابله سازنده	شیوه همچانی مقابله	شیوه جسمانی سازی مقابله‌ای	P	C	I	جمع کل مقیاس‌های آزمون سلامت عمومی	D	C	B	A	منبع کنترل سلامت روان
**	۰/۰۱۰۴	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	شیوه همچانی مقابله
۰/۸۲۲۵												
**	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	شیوه مقابله سازنده
۰/۳۶۳۳												
**	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	جمع کل مقیاس شیوه مقابله‌ای
۱												

\*  $P < 0.01$ \*\*  $P < 0.001$ 

بررسی رابطه بین سلامت روان، منبع کنترل و...

جدول ۳: ضرایب همبستگی بین مقیاس‌های سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای با عملکرد تحصیلی (معدل کتبی) دانش‌آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه شهر تهران  $n = 191$

جمع کل مقیاس شیوه مقابله‌ای	شیوه مقابله سازنده	شیوه همچانی مقابله	شیوه جسمانی سازی مقابله	P	C	I	جمع کل مقیاس‌های آزمون سلامت عمومی	D	C	B	A	مقیاس‌ها
*	۰/۰۴۰۹	۰/۱۳۳۰	* ۰/۱۸۱۴	۰/۰۷۷۸	۰/۰۵۰۹	۰/۰۵۸۷	۰/۰۱۲۹۹	۰/۰۰۹۸۳	۰/۰۱۱۱۴	۰/۰۰۷۴۰	۰/۰۰۷۴۶	منبع کنترل عملکرد تحصیلی (معدل کتبی)
												متغیر

\*  $P < 0.01$

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) بین میانگین‌های سطح تحصیلات مادر در سه گروه بی‌سواد و زیر دیپلم، و دیپلم و فوق دیپلم و لیسانس و بالاتر با مقیاس‌های سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای دانش‌آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه تهران  $n = 191$

احتمال F	نسبت F	MS میانگین مجزورات	SS مجموع مجزورات	D.F درجه آزادی	منابع تغییر مقیاس‌ها
۰/۳۱۲۶	۱/۱۷۰۲	۲۳/۵۷۹۸	۴۷/۱۵۹۶	۲	A نشانگان جسمانی
۰/۲۵۵۲	۱/۳۷۵۸	۴۳/۹۸۵۲	۷۸/۹۷۰۴	۲	B نشانگان اضطرابی
۰/۷۶۱۸	۰/۲۷۲۵	۱۶/۲۸۸۶	۳۲/۵۷۷۱	۲	C کارکرد و کنش اجتماعی
۰/۲۶۶۰	۱/۳۳۳۶	۴۲/۷۴۷۸	۸۵/۴۹۵۵	۲	D نشانگان افسردگی
۰/۲۱۶۳	۱/۵۴۳۹	۳۱۰/۴۷۵۸	۶۲۰/۹۵۱۷	۲	جمع کل مقیاس‌های آزمون سلامت عمومی
۰/۷۰۹۸	۳/۴۳۴	۶/۷۳۹۸	۱۳/۴۷۹۶	۲	I مقیاس توانایی درونی
۰/۴۰۶۴	۰/۹۰۴۸	۴۹/۵۳۸۳	۹۹/۰۷۶۵	۲	C مقیاس اعتقاد به شانس
۰/۱۶۷۸	۱/۸۰۲۱	۱۰۰/۱۵۷۴	۲۰۰/۳۱۴۸	۲	P مقیاس دیدگاه افراد قدرتمند
۰/۲۱۲۷	۱/۵۶۰۶	۵/۵۵۶۱	۱۱/۱۱۲۲	۲	شیوه جسمانی‌سازی مقابله
* ۰/۰۲۴۷	۳/۷۷۳۲	۱۱/۰۲۵۴	۲۲/۰۵۰۸	۲	شیوه هیجانی مقابله
۰/۷۹۶۲	۰/۲۲۸۱	۰/۲۵۰۵	۰/۵۰۰۹	۲	مقابله مسأله‌مدار
۰/۱۱۲۳	۲/۲۱۲۶	۲۴/۸۸۲۴	۴۹/۷۶۴۸	۲	جمع کل مقیاس شیوه مقابله

\*  $P < 0/01$

جدول ۵: نتایج تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) بین میانگین‌های سطح تحصیلات پدر سه گروه بی‌سواد و زیر دیپلم، دیپلم و فوق دیپلم و لیسانس و بالاتر با مقیاس‌های سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای دانش‌آموزان دختر  
سال اول مقطع متوسطه تهران  $n = 191$

احتمال F	نسبت F	MS میانگین مجزورات	SS مجموع مجزورات	D.F درجه آزادی	منابع تغییر مقیاس‌ها
۰/۶۴۶۹	۰/۴۳۶۶	۶/۲۱۵۸	۱۲/۴۳۱۶	۲	A نشانگان جسمانی
۰/۴۵۳۴	۰/۷۹۴۵	۲۴/۰۲۱۲	۴۸/۰۴۲۵	۲	B نشانگان اضطرابی
۰/۸۲۸۱	۰/۱۸۸۸	۱۱/۵۰۶۵	۲۳/۰۱۳۱	۲	C کارکرد و کنش اجتماعی
۰/۴۸۶۸	۰/۷۲۲۹	۵۱/۸۹۵۶	۱۰۳/۷۹۱۲	۲	D نشانگان افسردگی
۰/۴۵۱۴	۰/۷۹۸۸	۱۶۴/۴۹۱۱	۳۲۸/۹۸۲۳	۲	جمع کل مقیاس‌های آزمون سلامت عمومی
۰/۵۶۷۳	۰/۵۶۸۶	۱۱/۳۷۰۴	۲۲/۷۴۰۸	۲	I مقیاس توانایی درونی
۰/۷۰۸۳	۰/۳۴۵۶	۱۹/۱۴۱۸	۳۸/۲۸۳۶	۲	C مقیاس اعتقاد به شانس
۰/۵۲۸۴	۰/۶۴۰۲	۳۳/۸۱۰۸	۶۷/۶۲۱۷	۲	P مقیاس دیدگاه افراد قدرتمند
۰/۷۶۷۱	۰/۲۶۵۵	۰/۹۷۵۲	۱/۹۵۰۳	۲	شیوه جسمانی‌سازی مقابله
۰/۶۳۸۶	۰/۴۴۹۶	۱/۳۶۳۶	۲/۷۲۷۳	۲	شیوه هیجانی مقابله
۰/۵۰۸۶	۰/۶۷۸۷	۰/۷۶۷۲	۱/۵۳۴۴	۲	مقابله مسأله‌مدار
۰/۵۵۱۷	۰/۵۹۶۷	۷/۰۳۳۹	۱۴/۰۶۷۹	۲	جمع کل مقیاس شیوه مقابله



جدول ۶: نتایج تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) بین میانگین‌های شغل پدر در سه گروه شغلی کارمند و فرهنگی، آزاد و کارگر با مقیاس‌های سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله‌ای دانش‌آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه تهران  $n = 191$

مقیاس‌ها	منابع تغییر	D.F درجه آزادی	SS مجموع مجذورات	MS میانگین مجذورات	نسبت F	F احتمال
A نشانگان جسمانی	۲	۲۳/۲۶۲۸	۱۱/۶۳۱۴	۰/۶۵۶۹	۰/۵۲۰۹	
B نشانگان اضطرابی	۲	۱۶۹/۴۵۶۰	۸/۲۲۸۰	۰/۳۹۲۳	۰/۶۷۶۶	
C کارکرد و کنش اجتماعی	۲	۴/۹۱۹۰	۲/۴۵۹۵	۰/۲۰۱۲	۰/۸۱۸۱	
D نشانگان افسردگی	۲	۲۹/۳۰۱۲	۱۴/۶۵۰۶	۰/۱۳۴۷	۰/۸۷۴۱	
جمع کل مقیاس‌های آزمون سلامت عمومی	۲	۲۱۱/۷۵۷۴	۱۰۵/۸۷۸۷	۰/۴۶۹۷	۰/۶۲۶۶	
I مقیاس توانایی درونی	۲	۵۴/۶۶۴۰	۲۷/۳۳۲۰	۱/۳۴۴۷	۰/۲۶۵۶	
C مقیاس اعتقاد به شانس	۲	۱۰۹/۶۴۰۷	۵۴/۸۲۰۴	۰/۹۷۲۸	۰/۳۸۱۸	
P مقیاس دیدگاه افراد قدرتمند	۲	۱۹۷/۴۲۱۱	۹۸/۷۱۰۶	۲/۱۵۰۱	۰/۱۲۲۲	
شیوه جسمانی‌سازی مقابله	۲	۹/۳۲۴۹	۴/۶۶۲۴	۱/۲۹۲۱	۰/۲۷۹۶	
شیوه هیجانی مقابله	۲	۰/۸۷۰۰	۰/۴۳۵۰	۰/۱۳۴۴	۰/۸۷۴۴	
مقابله مسأله‌مدار	۲	۰/۹۴۴۲	۰/۴۷۲۱	۰/۴۹۰۲	۰/۶۱۴۰	
جمع کل مقیاس شیوه مقابله	۲	۳/۱۸۷۳	۱/۵۹۳۶	۰/۱۳۷۹	۰/۸۷۱۴	

\*  $P < 0/01$

جدول ۷: میانگین، انحراف استاندارد، خطای استاندارد، سطح معناداری و مقدار  $t$  بدست آمده بین دو گروه مادران خانه‌دار ( $n = ۱۶۷$ ) و شاغل ( $n = ۲۴$ ) در مقیاس‌های سلامت روان، منبع کنترل و شیوه مقابله دانش‌آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه شهر تهران ( $n = ۱۹۱$ )

احتمال F	نسبت F	خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	گروهها	منابع تغییر
						مقیاسها
۰/۶۶۸	۰/۴۳	۰/۳۵۵	۴/۵۸۸	۵/۵۶۸۹	خانه‌دار	A نشانگان جسمانی
		۰/۱۵۹	۴/۲۰۸	۵/۱۶۶۷	شاغل	
* ۰/۰۳۶	۲/۱۶	۰/۴۵۹	۵/۹۲۹	۶/۵۷۴۹	خانه‌دار	B نشانگان اضطرابی
		۰/۶۶۴	۳/۲۵۳	۴/۸۳۳۳	شاغل	
* ۰/۰۰۱	۳/۵۴	۰/۶۲۸	۸/۱۱۲	۷/۷۷۸۴	خانه‌دار	C کارکرد و کنش اجتماعی
		۰/۴۹۱	۲/۴۰۴	۴/۹۵۸۳	شاغل	
* ۰/۰۲۱	۲/۳۷	۰/۶۸۰	۸/۷۸۳	۵/۷۱۲۶	خانه‌دار	D نشانگان افسردگی
		۰/۷۸۵	۳/۸۴۸	۳/۲۵۰۰	شاغل	
* ۰/۰۴۴	۲/۰۸	۱/۱۲۶	۱۴/۵۵۳	۲۳/۴۷۳۱	خانه‌دار	جمع کل مقیاسهای آزمون سلامت عمومی
		۲/۲۶۰	۱۱/۰۷۳	۱۸/۲۰۸۳	شاغل	
۰/۹۰۷	-۰/۱۲	۰/۳۴۲	۴/۴۲۰	۹/۰۸۹۸	خانه‌دار	I مقیاس توانایی درونی
		۰/۹۴۰	۴/۶۰۶	۹/۲۰۸۳	شاغل	
۰/۴۳۹	-۰/۷۸	۰/۵۶۵	۷/۳۰۶	۱۹/۹۵۲۱	خانه‌دار	C مقیاس اعتقاد به شانس
		۱/۶۶۸	۸/۱۷۰	۲۱/۳۳۳۳	شاغل	
۰/۹۸۹	۰/۰۱	۰/۵۵۹	۷/۲۱۸	۱۹/۵۲۶۹	خانه‌دار	P مقیاس دیدگاه افراد قدرتمند
		۱/۸۷۸	۹/۱۹۸	۱۹/۵۰۰۰	شاغل	
۰/۹۰۵	۰/۱۲	۰/۱۴۸	۱/۹۱۸	۳/۲۵۵۵	خانه‌دار	شیوه جسمانی‌سازی مقابله
		۱/۳۵۳	۱/۷۳۲	۳/۲۹۱۷	شاغل	

## ادامه جدول ۷

احتمال F	نسبت F	خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	گروهها	منابع تغییر
						مقیاسها
۰/۶۳۰	۰/۴۹	۰/۱۳۲	۱/۷۱۰	۳/۶۵۸۷	خانه‌دار	شیوه هیجانی مقابله
		۰/۳۹۰	۱/۹۱۱	۳/۴۵۸۳	شاغل	
* ۰/۰۰۳	۳	۰/۰۸۶	۱/۱۰۷	۰/۴۵۵۱	خانه‌دار	شیوه مقابله مسأله‌مدار
		۰/۰۶۹	۰/۳۳۸	۰/۱۲۵۰	شاغل	
۰/۵۷	۰/۵۶	۰/۲۶	۳/۴۱	۷/۲۹	خانه‌دار	جمع کل مقیاس شیوه مقابله
		۰/۶۵	۳/۲۰	۶/۸۷	شاغل	

$$* P < ۰/۰۱$$

## بحث و تبیین یافته‌ها:

بررسی یافته‌های پژوهش فرضیه مبنی بر ارتباط مثبت و معنادار بین شیوه مقابله مسأله‌مدار و سلامت روان را مورد تأیید قرار می‌دهد. نتایج تحقیقات گوناگون نشان می‌دهد که بین دو متغیر مذکور ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

«زوبین و اسپرینگ»<sup>۱</sup> (۱۹۷۷) به نقل از «داردن و گینتر»<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) بهبود مهارت‌های مقابله‌ای را در کاهش آسیب‌پذیری در مقابل بیماری اسکیزوفرنی مؤثر دانسته‌اند. «آمیرکهام»<sup>۳</sup> (۱۹۹۰ و ۱۹۹۴)، «پارکر و ایندler»<sup>۴</sup> (۱۹۹۰) و «دیکسون و همکاران»<sup>۵</sup> (۱۹۹۱) نقش راهبردهای مقابله‌ای را در سلامت جسمانی و روانی در موقعیت‌های

- 1- Zubin & spring
- 2- Darden & Ginter
- 3- Amirkham
- 4- Parker & Endler
- 5- Dixon et.al

استرس آور زندگی مؤثر تلقی نمودند. همچنین «کامپاس»<sup>۱</sup> (۱۹۸۷) آموزش مهارت مقابله‌ای مسأله‌مدار را در افزایش سازگاری کودکان و نوجوانان مؤثر دانست. «بیلینگز و موس»<sup>۲</sup> (۱۹۸۴) دریافتند که مقابله متمرکز بر حل مسأله و کنترل هیجانی، با نابهنجاری‌های روانی شدید، کمتر مرتبط است. «آلدوین و رونسون»<sup>۳</sup> (۱۹۸۷) معتقدند که فعالیت متمرکز بر حل مسأله یک عامل حفاظتی در مقابل استرس است. «یونگر و همکاران»<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) نیز آموزش مهارت‌های مقابله‌ای حل مسأله را در کنترل استرس و سلامت جسمانی و روانی مؤثر دانسته‌اند. «ویتالیانو و دیگران»<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) دریافتند که مقابله متمرکز بر مشکل با خلق افسرده ارتباط منفی دارد. همچنین «بارون و دیگران»<sup>۶</sup> (۱۹۹۴) نیز راهبرد متمرکز بر مسأله را عامل حفاظتی در مقابل افسردگی و ضعف سلامت جسمانی می‌داند.

همانگونه که ملاحظه می‌شود، نتایج تحقیقات فوق، تأیید کننده یافته پژوهش حاضر است. بدین معنا که همبستگی بالا و مطلوب دو متغیر مذکور در پژوهش حاضر با نتایج فوق کاملاً هماهنگی و مطابقت دارد. بنابراین با توجه به تأیید فرضیه فوق و نتایج تحقیقات متعدد می‌توان گفت که برخورداری از شیوه مقابله‌ای مسأله‌مدار پیش‌بینی کننده سلامت روان فرد می‌باشد.

در ضمن یافته پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین درونی‌تر شدن منبع کنترل و سلامت روان ارتباط مثبت و معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه (۲) پژوهش مورد تأیید قرار نگرفته است. در حالیکه تحقیقات متعددی بیانگر ارتباط بین دو متغیر مذکور می‌باشند، که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- 
- 1- Campas
  - 2- Billings & Moos
  - 3- Aldwin & Revenson
  - 4- Unger et.al
  - 5- Vitaliano et.al
  - 6- Barron et.al

«فیتز»<sup>۱</sup> (۱۹۶۷) بیان کرد که افراد دارای منبع کنترل بیرونی در مقیاس اضطراب و فشار روانی نمرات بالاتری نسبت به درونی‌ها کسب می‌کنند. «کوپر»<sup>۲</sup> (۱۹۸۳)، «لفقورت»<sup>۳</sup> (۱۹۸۲)، «کلی»<sup>۴</sup> (۱۹۸۶) و «میریس»<sup>۵</sup> (۱۹۸۸) معتقدند که افراد دارای منبع کنترل درونی، کمتر به اختلالات روانی مانند افسردگی و اختلالات اضطرابی دچار می‌شوند. «هولدر و لوی»<sup>۶</sup> (۱۹۸۸) معتقدند که افراد دارای منبع کنترل بیرونی سطوح بالاتری از پریشانی روانی را نشان می‌دهند. همچنین «استریکند»<sup>۷</sup> (۱۹۷۸) و «ری و همکاران»<sup>۸</sup> (۱۹۹۸) معتقدند که افراد دارای منبع کنترل درونی، اضطراب، افسردگی و استرس کمتری در مقایسه با افراد دارای منبع کنترل بیرونی نشان می‌دهند. «گیفور و همکاران»<sup>۹</sup> (۱۹۹۰)، «ریدلورن»<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۵)، «کوپر اسمیت»<sup>۱۱</sup> (۱۹۶۷)، بیابانگرد (۱۳۷۰)، «فورن هام و همکاران» (۱۹۹۴)، «تیلر، کندی و دیگران»<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۵) و «ری و همکاران» (۱۹۹۸) بین منبع کنترل درونی و عزت نفس بالا ارتباط معناداری مشاهده کرده‌اند. «کلی» (۲۰۰۰) نیز معتقد است که منبع کنترل یک پیش‌بینی‌کننده قوی و معنادار در مورد سلامت عمومی و رضایت خاطر از زندگی نوجوانان است. تحقیقات متعدد دیگری نیز در تأیید نتایج فوق، ارتباط بین منبع کنترل درونی و سلامت روانی را مطرح نموده‌اند در حالیکه در پژوهش حاضر ارتباط معناداری بین دو متغیر مذکور مشاهده نشده است. بدین معنا که نتایج همبستگی بین دو متغیر، بیانگر

- 
- 1- Feather
  - 2- Cooper
  - 3- Lefqourt
  - 4- Kelley
  - 5- Mirris
  - 6- Holder & Levi
  - 7- Strickand
  - 8- Reeh et.al
  - 9- Giffer et.al
  - 10- Reidlorene
  - 11- Cooper Smith
  - 12- Tyler & Kennedy et.al

عدم ارتباط معنادار است. در رابطه با علل عدم ارتباط معنادار بین متغیرهای مذکور در پژوهش حاضر می‌توان گفت با توجه به بررسی‌های عمیق و همه‌جانبه پژوهشگر، عواملی همچون ابهام سؤالات پرسشنامه منبع کنترل برای برخی از آزمودنی‌ها و نیز اعتقاد عمیق برخی از آنان به تأثیر عوامل بیرونی مانند اعتقاد به شانس در زندگی، بر نتایج پژوهش اثرگذار بوده‌اند. بنابراین در واقع علت اساسی این امر ابهام برخی سؤالات پرسشنامه منبع کنترل و در نتیجه بی‌دقتی آزمودنی‌ها در پاسخگویی به آزمون است. چرا که برخی جملات آنچنان که باید، برای آزمودنی‌ها قابل فهم نبود و منجر به سؤالات پی در پی آنان می‌شد و علیرغم تلاش پژوهشگر در جهت رفع ابهامات احتمالاً نتایج پژوهش، تحت تأثیر این امر قرار گرفته است. در نتیجه می‌توان گفت در صورتی که عوامل مذکور بر نتایج پژوهش تأثیر نگذارند، نتایج مورد انتظار حاصل خواهد شد.

بررسی و تحلیل فرضیه سوم پژوهش مبنی بر ارتباط مثبت و معنادار بین شیوه مقابله‌ای مسأله‌مدار و درونی‌تر شدن منبع کنترل، نشانگر تأیید ارتباط معنادار و مثبت بین متغیرهای مذکور می‌باشد. تحقیقات متعددی از جمله تحقیقات «لفکورت و دیویدسون-کاتز»<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) و همچنین «کلینکه» نشانگر آن است که افراد دارای منبع کنترل بیرونی از شیوه‌های مقابله‌ای مثبت‌تری در حل مسأله استفاده می‌کنند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود نتایج تحقیقات قبلی با یافته پژوهش حاضر مطابقت دارد. بنابراین با توجه به نتایج و یافته‌ها می‌توان گفت برخورداری از منبع کنترل درونی پیش‌بینی‌کننده قوی و معناداری جهت استفاده از شیوه مقابله مسأله‌مدار است.

همان‌گونه که از نتایج و یافته‌های جانبی بر می‌آید، بین سطح تحصیلات مادر و شیوه مقابله‌ای دانش‌آموزان ارتباط معناداری وجود دارد. بدین معنا که هر چه سطح تحصیلات مادر بالاتر باشد، دانش‌آموزان از شیوه مقابله‌ای مثبت‌تری (شیوه مقابله مسأله‌مدار) استفاده می‌کنند. همچنین شاغل بودن مادر با سلامت روان دانش‌آموزان ارتباط معناداری دارد. بدین معنا که دانش‌آموزان دارای مادران شاغل از سلامت روان بالاتری

برخوردارند و در ضمن در مقابله با مشکلات بیشتر از شیوه مقابله‌ای مسأله مدار استفاده می‌کنند. یکی دیگر از یافته‌های جانبی، ارتباط معنادار و مثبت بین عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با شیوه مقابله‌ای آنان می‌باشد. این امر نشانگر آن است که دانش‌آموزان دارای عملکرد تحصیلی (معدل کتبی) بالاتر، بیشتر از شیوه مقابله‌ای مسأله مدار استفاده می‌کنند و هنگام مقابله با مشکلات کمتر دچار علائم جسمانی (مانند سردرد، تپش قلب، بی‌خوابی، تهوع و...) و علائم هیجانی (مانند خشم، عصبانیت و...) می‌شوند. در تبیین مطلب فوق می‌توان گفت که یافته‌های جانبی پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط معنادار بین سطح تحصیلات مادر، شاغل بودن مادر و برخورداری از عملکرد تحصیلی بالاتر با سلامت روان و شیوه مقابله‌ای مسأله مدار، نشانگر اهمیت و تأثیر شرایط فرهنگی، خانوادگی و اجتماعی مطلوب بر افزایش سطح سلامت روان می‌باشد. بطوریکه اکثر یافته‌های پژوهشی دیگر نیز معتقدند که برخورداری از شرایط فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی مطلوب و مناسب می‌تواند پیش‌بینی کننده خوبی برای سلامت روان باشد. به طور کلی هر چند یافته‌های فوق در این پژوهش به صورت جانبی مورد بررسی قرار گرفته‌اند اما به هر حال نتایج و یافته‌های حمایت کننده از فرضیات پژوهش هستند که بیانگر بررسی عمیق‌تر و وسیع‌تر پیرامون موضوع است.

بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر و یافته‌های تحقیقات متعدد دیگر می‌توان گفت که افراد دارای سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی، کسانی هستند که احساس می‌کنند سرنوشت زندگی خویش را خودشان بر عهده دارند، زندگی خود را مسئولانه و به طور مؤثر کنترل می‌نمایند، با موفقیت با موانع و مشکلات زندگی خویش مقابله می‌کنند و با ایمان و توکل بر خداوند متعال مسیر تکامل را طی می‌نمایند و روز به روز به کمال مطلوب نزدیک‌تر می‌شوند. همه ما با نگاهی دقیق به اطراف خویش می‌توانیم دریابیم که اکثر افرادی که در ابعاد گوناگون زندگی به موفقیت‌هایی دست یافتند، از ویژگی‌های فوق برخوردار هستند.

## منابع:

- ۱- احمدی‌زاده، محمد جواد، (۱۳۷۳)، «بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسأله بر برخی از ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان تحت پوشش مراکز شبانه‌روزی بهزیستی». پایان نامه ارشد: روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲- استورا، اچ. ب (۱۹۹۱)، تنیدگی یا استرس، ترجمه: دادستان، پریخ. (۱۳۷۷). چاپ اول. تهران، انتشارات رشد.
- ۳- اکبرزاده، نسرین (۱۳۷۶)، گذر از نوجوانی به پیری. چاپ اول. تهران، ناشر: مؤلف.
- ۴- امین یزدی، امیر؛ صالحی فدردی، جواد (۱۳۷۸) «بررسی رابطه سبک اسنادی با استرس ادراک شده». مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد. سال اول. شماره ۲.
- ۵- اوتادی، مریم (۱۳۸۰) «تأثیر اشتغال زنان بر سلامت روان همسرانشان» پایان‌نامه ارشد: راهنمایی و مشاوره. دانشگاه الزهراء(س).
- ۶- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۸). روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان. چاپ پنجم، تهران. انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- ۷- بیان‌زاده، سید اکبر؛ زمانی منفرد، افشین؛ حیدری پهلویان، احمد و همکاران (۱۳۷۸) «بررسی وضعیت سلامت روانی کارکنان یک مجتمع صنعتی». فصلنامه اندیشه و رفتار. سال چهارم. شماره ۴.
- ۸- حسینی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۸). «مفاهیم و اهداف بهداشت روانی». فصلنامه علمی- پژوهشی اصول بهداشت روانی. سال اول. شماره اول.
- ۹- فراهانی، محمد نقی؛ کوپر، ام: جین. پی (۱۳۷۴). «مکان کنترل یک بعدی است یا چند بعدی؟» داده‌هایی براساس ترجمه‌های فارسی مقیاس L-E راتر و مقیاسهای P، I و C لونسون». پژوهشهای روانشناختی. دوره ۳. شماره ۳ و ۴.



- ۱۰- قاسمی، طاهره (۱۳۷۵). «بررسی ارتباط بین منبع کنترل و شیوه‌های مقابله و نیمرخ‌های روانی دختران در نظام جدید آموزش و پرورش در شهر تهران». پایان نامه ارشد: روانشناسی. دانشگاه الزهرا(س).
- ۱۱- کلینکه، ال. کریس (۱۳۸۰) مهارت‌های زندگی. ترجمه: محمد خانی، شهرام. چاپ اول، جلد ۱، تهران، انتشارات سپند هنر.
- ۱۲- گنجی، حمزه (۱۳۷۹). بهداشت روانی، چاپ سوم، تهران، انتشارات ارسباران.
- ۱۳- میرهاشمیان، حمیرا (۱۳۷۷). «تأثیر اعتقادات مذهبی در شکل‌گیری منبع کنترل و نیمرخ روانی دانشجویان دانشگاه‌های تهران». پایان‌نامه ارشد: روانشناسی، دانشگاه الزهرا(س).
- ۱۴- نجفی، فرحناز (۱۳۷۹). «بررسی و مقایسه میزان عزت بدنی و اضطراب دانشجویان دانشگاه الزهرا(س) به عنوان یک دانشگاه تک جنسیتی با دانشجویان دختر دانشگاه‌های مختلط دولتی». پایان نامه ارشد: روانشناسی. دانشگاه الزهرا(س).

- 1- Cassidy. T. (2000). "stress, healthiness and health behaviors: an exploration of the role of life events, dailg hassles cognitive appraisal and the coping process." *Journal of counseling psychology Quarterly*. 13 (3), 19-293.
- 2- Collins. M. E; Mowbray. C. T. (1999). "Measuring coping strategies inan educational intervention for individuals with psychiatric ..." *Journal Health & Social work*. 24 (4). 12-279.
- 3- Darden. C. A; Ginter. E. J. (1996). "Lifeskills development Scale –adolescence form". *Journal of mental health counseling*. 18 (2). 22-142.
- 4- Kelley. T. M. (2000). "Thought recognition, locus of control and adolescent well-Being." *Journal of adolescence*.
- 5- Quatman. T. ; watson. C. M. (2001). "Gender differences in adolescent self-esteem: An exploration of domains." *Journal of genetic psychology*. 162 (1). 25-93.

- 6- Reeh. H. E; Hiebert. B; et.al (1998). "Adolescence health: The relationship between health locus of control, beliefs and behaviors." *Journal of Guidance & counseling*. 13 (53). 7-23.
- 7- Spangenberg. J, J; Theron. J. C. (1999). "Stress and coping Strategies in Spouses of depressed patients." *Journal of psychology*. 133 (3). 10-253.
- 8- Steptoe. A; Wardle. J. (2001). "Locus of control and health behavior revised: A multi-Variate analysis of young adults from 18 countries." *British Journal of psychology*. 22. (4). 14-659.
- 9- Unger. J. B.; Kipk. M. D.; et.al (1998). "Stress, coping and social support among homeless youth." *Journal of Adolescence research*. 13 (2). 24-134.
- 10- White. J. (2001). "Mental health concepts and skill. SK online." Salem-Keizer public schools.

# بررسی ساختار اشتغال صنعتی زنان در ایران با استفاده از تکنیک داده- ستانده جهت ارائه راهکارهایی برای ایجاد شغل برای زنان

دکتر زهرا افشاری\*

دکتر ابراهیم شیبانی\*\*

## چکیده

حدود ۳/۱ زنان شاغل در ایران در بخش صنعت به کار اشتغال دارند. ولی توزیع زنان شاغل در این بخش تصادفی نیست و کاملاً چوله است. ۸۸/۱ درصد زنان در بخش منسوجات و ۵/۳ درصد در بخش پوشاک و تنها ۶/۶۱ درصد زنان در سایر بخش‌های صنعت به کار اشتغال دارند. قسمت عمده‌ی شاغلین این بخش تحصیلات کمتر از متوسطه دارند و ۹۲/۵ درصد شاغلین این بخش در بخش خصوصی صنعت به کار اشتغال دارند.

در این مقاله با استفاده از تکنیک داده- ستانده و با به کارگیری جدول ادغام شده ۱۵ بخشی اقتصاد ایران، به محاسبه‌ی ضرایب اشتغال زنان در بخش‌های مختلف صنعت با سطوح مختلف تحصیلی و مهارت‌های مختلف در سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی پرداخته شده است. هم چنین رتبه‌بندی بخش‌های مختلف صنعت براساس قدرت ایجاد شغل برای زنان (در سطح تحصیلی - مهارت‌های مختلف) در سه بخش دولتی - خصوصی - تعاونی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به مسیر رو به افزایش عرضه نیروی کار زنان (خصوصاً زنان تحصیل کرده) از یک سو و تداوم فرایند خصوصی‌سازی از دیگر سو، تغییر ساختار بخش صنعت برای جذب زنان (خصوصاً زنان با تحصیلات عالی) ضروری به نظر می‌رسد.

**کلید واژه:** ایجاد شغل، ضریب اشتغال، زنان، داده- ستانده، خصوصی، دولتی، تعاونی.

---

\* استاد دانشگاه الزهرا(س) E-mail: Zafshari@Alzahra.com

\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

**مقدمه:**

همانند بسیاری از کشورهای جهان در کشور ما نیز، توزیع زنان و مردان در ساختار اشتغال تصادفی نیست، بلکه مشاغل برحسب جنسیت به مشاغل زنانه و مردانه تقسیم شده‌اند. با وجود این مشاغل مختلفی نیز وجود دارد که حضور زنان و مردان به نسبت مساوی در آن به چشم می‌خورد. (Hechman, S, 1978, 200-7)

ویژه‌گی عمده‌ی مشاغل زنانه این چنین است،

الف) کمتر دارای سرمایه‌گران قیمت است.

ب) موقتی و نا امن است.

ج) کارایی کمتری دارند.

د) دورنمای پیشرفت کمتری دارند.

ه) دستمزد پرداختی کمتری نسبت به مشاغل مردانه دارد.

ی) شغل به گونه‌ای مکمل کار خانه است.

د) قدرت انطباق بیشتری با وضعیت ناپایدار عرضه‌ی نیروی کار زنان دارد.

(Garibaldi, 1998, 245-275)

به عبارت دیگر این موارد مشخصات بخش ثانویه اقتصاد هستند و عموماً زنان در

بخش ثانویه اقتصاد به کار اشتغال دارند. (Garibaldi, P. 1999)

در واقع این سوال مطرح است که چرا زنان عمدتاً در بخش‌های ثانویه اقتصاد به کار

اشتغال دارند؟ به عبارتی دلایل تقسیم‌پذیری بازار کار را، از دیدگاه مکاتب مختلف

اقتصادی می‌توان چنین خلاصه کرد:

اقتصاددانان جدید خانواده چنین می‌گویند: زنان مشاغلی را انتخاب می‌کنند که

الف) با الگوهای رفتاری و ویژگی‌های آنان منطبق باشد.

ب) زنان بیشتر گرایش به مشاغلی دارند که بتوانند بین کار درون خانه و برون خانه

تعادل برقرار کنند. بنابراین تقسیم‌پذیری بازار کار خارج از فضای اقتصادی بازار کار

تعیین می‌شود و باید با توجه به فرایند به حداکثر رساندن رفاه خانواده در برابر فرد تبیین شود. (Blaue, 1998, P.112, 165)

از این رو نتیجه می‌گیرند که تقسیم‌پذیری بازار کار را بایست با توجه به نقش تولید اجتماعی زن تبیین کرد. تقسیم‌پذیری مشاغل می‌تواند نتیجه‌ی تبعیض باشد و یا براساس آداب و یا فرهنگ تحمیل شده باشد. (Pegan, Jose, 2000)

اقتصاددانان نئوکلاسیک چنین می‌گویند، زن نسبت به مرد مهارت‌های متفاوتی می‌آموزد. این امر موجب تقسیم‌پذیری بازار کار می‌شود و علت گرایش زنان به مشاغل بخش ثانویه را توجیه می‌کند. (Pollak, 1985, P.137-57). کارفرما سعی در به حداقل رساندن هزینه‌ها دارد. او برای کاهش هزینه‌های ناشی از استخدام و اخراج مکرر سعی در درجه‌بندی کارگران دارد و بنابراین سعی در استخدام نیروی کار پایدار دارد و در نتیجه تمایل کمتری به استخدام زنان دارد. (Lantican, Claritak, 1996, P.235-63). برای اقتصاددانان نئوکلاسیک ساده‌تر آن است که این تفاوت‌ها را ناشی از فاکتورهای اجتماعی و بیولوژیک بدانند تا اینکه بخواهند آن را با فاکتورهای بازار کار توجیه کنند. (Moore, Gwen, 1996, 273-78)

تئوری غیرکلاسیک، تقسیم‌پذیری بازار کار را حاصل فرایند توسعه‌ی نامتعادل اقتصاد سرمایه‌داری می‌داند. لذا ریشه‌ی تقسیم کار برحسب درجه‌ی اول و دوم را حاصل ضرورت‌های سیستم اقتصادی می‌داند و نه اینکه حاصل غیر کامل بودن نهادهای اجتماعی مخرب بازار. (Dexs, 1971)

بخش‌های اولیه‌ی که با هدف به حداکثر رساندن سود در ظرفیت بالقوه عمل می‌کنند، سعی در استخدام نیروی کار ماهر و پایدار می‌دارند و کمتر تحت تأثیر نوسانات اقتصادی قرار می‌گیرند. نوسانات اقتصادی بخش ثانویه اقتصاد را متأثر می‌کند، اشتغال زنان در بخش ثانویه اقتصاد آنها را بیشتر تحت تأثیر نوسانات قرار می‌دهد (Edvard, Gordon, Rich 1975) و بالاخره دیدگاه دستمزد خانوادگی، تقسیم‌پذیری بازار کار را حاصل سیستم مردسالاری می‌داند. (Beechey 1987, P.157-97)

از اینرو هر گونه تمهیدی برای ایجاد شغل برای زنان بدون توجه به ساختار بازار کار زنان میسر نیست. بنابراین در این مقاله با توجه به نقش مهم صنعت در برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی کشور از یکسو و نقش مهم زنان در اشتغال این بخش از سوی دیگر به بررسی بخش صنعت از منظر ایجاد شغل برای زنان پرداخته می‌شود.

نخست ساختار اشتغال زنان در بخش صنعت ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین منظور ویژگی‌های اشتغال زنان در این بخش برحسب استان، مالکیت، مهارت مطرح خواهد شد. در بخش دیگر این مقاله به بررسی قدرت ایجاد شغل زیر بخش‌های صنعت برای زنان می‌پردازیم. بدین منظور به محاسبه‌ی ضریب اشتغال تعدیل شده زنان در زیر بخش‌های صنعت (براساس نهاد مالکیت (خصوصی - دولتی - تعاونی)) و برحسب نوع مهارت با استفاده از تکنیک داده - ستانده پرداخته شده است. بخش پایانی به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

### بررسی ساختار اشتغال زنان در بخش صنعت

مطابق سرشماری سال ۱۳۷۵، ۳۴/۵۲ درصد زنان در بخش صنعت فعالیت داشته‌اند. این بخش بعد از خدمات بالاترین درصد اشتغال زنان را به خود اختصاص داده است. بررسی سیر تحول اشتغال در صنعت نشانگر آنست که درصد زنان شاغل در صنعت در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ به ترتیب ۵۳/۸، ۲۲/۹ و ۲۵/۸ درصد بوده است. (مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی ۱۳۷۹)

نتایج حاصل از سرشماری کارگاه‌های بزرگ صنعتی در سال ۱۳۷۷، نشانگر آن است که ۴۰/۲۵ درصد شاغلین این کارگاه‌ها در بخش عمومی و بقیه یعنی ۵۹/۷۵ درصد در بخش خصوصی (۱/۰۴ در بخش تعاونی)، به کار اشتغال داشته‌اند. (مرکز آمار ایران، آمارگیری ۱۳۷۹)

از ۵۵۹۶۰ نفر کارگر زن، که در کارگاههای صنعتی به کار اشتغال داشته‌اند، ۷۰ درصد در کارگاههای بیش از ۵۰ نفر و مابقی در کارگاههای زیر ۵۰ نفر به کار اشتغال دارند. در بخش کارگاههای بیش از (۵۰ نفر)، (۵۴/۷) درصد کارگر ساده، (۳۳/۵) درصد کارگر ماهر، (۳/۲) درصد تکنسین و (۶) درصد مهندس هستند، از این عده ۶۳/۵ درصد در بخش تولیدی و بقیه در بخش غیرتولیدی به کار اشتغال دارند. در بخش کارگاهها با بیش از ۵۰ نفر شاغل، ۵۱/۲ درصد در بخش عمومی، ۴۸/۸ درصد در بخش خصوصی و ۰/۴۳ درصد در بخش تعاونی به کار اشتغال دارند.

#### توزیع زنان شاغل در بخش صنعت براساس استان

جدول ۱ نشان می‌دهد که (۳۳/۸۳) (بیش از یک سوم) زنان شاغل در صنعت در استان تهران به کار اشتغال دارند. بعد از تهران استانهای خراسان (۱۲/۴۵) درصد، گیلان (۹/۷۳) و اصفهان (۵/۸۳) و آذربایجان شرقی (۵/۱۳) درصد به ترتیب بیشترین درصد اشتغال زنان در صنعت را به خود اختصاص داده‌اند. لذا استانهای کهگیلویه و بویراحمد (۰/۱۱)، اردبیل (۰/۲۴)، ایلام (۰/۲۷)، هرمزگان (۰/۴۴) و چهارمحال بختیاری (۰/۴۷) به ترتیب کمترین میزان اشتغال زنان در صنعت را دارند.

#### توزیع صنعت در استانهای ایران برحسب مالکیت

جدول ۱ نشان می‌دهد که بیشترین سهم اشتغال بخش خصوصی به ترتیب مربوط به استانهای چهارمحال بختیاری (۸۷/۶)، خراسان (۸۳/۷)، یزد (۸۱/۸)، سمنان (۸۰/۵) و همدان (۷۹/۹) است. بیشترین سهم درصد شاغلین تعاونی نسبت به کل شاغلین استان مربوط به ایلام (۹/۲)، کرمان (۶/۳)، کردستان (۵/۹) و چهارمحال بختیاری (۵/۶٪) است. استانهایی که بیش از ۵۰ درصد شاغلین صنعت در بخش دولتی به کار اشتغال دارند، استانهای خوزستان (۷۷/۷) هرمزگان (۵۹/۲)، ایلام (۵۵/۲) و سیستان و بلوچستان (۵۵/۳) درصد می‌باشد و کمترین این نسبت مربوط به قم (۸/۷)، چهارمحال بختیاری (۱۲/۴)، خراسان (۱۶/۲) و یزد (۱۸/۲) درصد می‌باشد.

با شروع فرایند خصوصی سازی و تداوم آن، ساختار صنایع نیز تحت تأثیر قرار گرفته و ساختار اشتغال زنان را متأثر می کند.

### توزیع صنعت در استان های ایران براساس مهارت

جدول ۲، چگونگی توزیع شاغلین زن را براساس درجه‌ی مهارت در استان های مختلف نشان می دهد. هر چند که در تمامی استانهای کشور قسمت عمده کارکنان زن را به ترتیب کارگران (ساده و ماهر) تشکیل می دهند، با وجود این تفاوت بین استانها قابل توجه است. بیشترین درصد کارگران ساده زن در استان بوشهر و آذربایجان غربی است. همانطور که ملاحظه می شود سهم زنان متخصص (تکنسین و مهندس) نسبت به کل شاغلین زن ناچیز است. بالاترین سهم شاغلان زن مهندس نسبت به کل شاغلان به ترتیب مربوط به کرمانشاه و اصفهان است.

### رتبه بندی مشاغل در صنعت براساس درصد حضور زنان

با توجه به اینکه بیش از یک سوم زنان در بخش صنعت به کار اشتغال دارند، بنابراین رشد این بخش اثر مهمی بر اشتغال زنان می گذارد. معهدا با توجه به چوله گی اشتغال زنان در این بخش، رشد بخش های مختلف صنعت تأثیر متفاوتی بر اشتغال زنان دارد.

با توجه به جدول ۳، هر چند در بیشتر زیر بخش های صنعت حضور زنان به چشم می خورد، با وجود این فقط در دو زیر بخش ماهی و سایر آبیان (۸۷/۱٪) و قالی و قالیچه (۵۷/۲٪)، درصد حضور زنان بیش از مردان است و بخش های پوشاک، دارو و سایر فرآورده های آن بیش از ۲۰ درصد شاغلان را زنان تشکیل می دهند و بخش های رادیو و تلویزیون و ارتباطات، مواد پلاستیکی و الیاف، برق، کاغذ و مقوا، چاپ و صحافی بیش از ۱۰ درصد، بخش های محصولات لاستیکی و پلاستیکی، توتون، تنباکو و سیگار، منسوجات و ریسندگی بیش از ۵ درصد و بقیه بخش ها کمتر از ۵ درصد شاغلین آن را زنان تشکیل می دهند.



### توزیع زنان شاغل در بخش صنعت براساس درجه‌ی مهارت

به طور کلی، قسمت عمده‌ی کارکنان زن در بخش صنعت کارگران ساده هستند. با وجود این تفاوت اندکی در زیر بخش‌های صنعت وجود دارد. با توجه به جدول ۳، نتایج زیر بدست می‌آید.

#### الف- بخش صنایع کاغذ، خمیر، مقوا، چاپ و صحافی و چوب و...

در بخش تولیدی این بخش، در زیر بخش‌های چوب‌بری و محصولات ساخته شده و بخش کاغذ، خمیر، مقوا به ترتیب (۷۵ و ۴۱/۲) درصد کارکنان را کارگران ساده تشکیل می‌دهند. در بخش چاپ و صحافی (۷۴/۵) درصد شاغلین زن را کارگران نیمه ماهر تشکیل می‌دهند. در زیر بخش کاغذ، خمیر و مقوا (۴۱/۲) بیشترین درصد مهندسین زن را به خود اختصاص داده است. سهم این گروه زنان در زیر بخش‌های چاپ و صحافی، کاغذ و مقوا به ترتیب ۸/۲ و ۶/۲ درصد است.

#### ب- بخش شیشه و سیمان...

همانطور که جدول ۳ نشان می‌دهد. پراکندگی در این بخش زیاد است. در بخش سیمان (۶۰) درصد را مهندسین زن تشکیل می‌دهند در حالیکه در بخش صنعت شیشه و محصولات شیشه‌ای قسمت عمده‌ی کارکنان زنان کارگر ساده هستند.

#### ج- بخش مواد غذایی، آشامیدنی، دخانیات

در این بخش در تمامی بخش‌ها به غیر از خوراک دام و طیور و قند و شکر قسمت عمده‌ی کارکنان را کارگران اعم از (ساده - ماهر) تشکیل می‌دهند. هم چنین زنان مهندس در بخش‌های خوراک دام و طیور (۸۷/۵)، لبنیات و قند و شکر، و روغن‌ها بیش از یک چهارم شاغلین زن این بخش‌ها را تشکیل می‌دهند.

#### د- منسوجات و ریسنده‌گی، پوشاک، چرم

با توجه به جدول (۳) قسمت عمده‌ی شاغلین این بخش را کارگران (ساده و ماهر) تشکیل می‌دهند و زنان مهندس و تکنسین درصد کمی را به خود اختصاص می‌دهند.

**ه- کود شیمیایی**

اکثر شاغلین در بخش کود شیمیایی، سموم دفع و مواد پلاستیکی را زنان تکنسین و مهندس تشکیل می‌دهند، در حالیکه در زیربخش‌های دیگر این بخش، عمده‌ی کارکنان کارگر ساده و ماهر هستند.

**ی- صنایع فلزی**

قسمت عمده شاغلین زن بخش محصولات اساسی فولاد و ذوب آهن، آلومینیم، ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی را زنان مهندس و تکنسین تشکیل می‌دهند. در حالیکه در سایر زیر بخش‌های این بخش عمده‌ی زنان شاغل، کارگر (ساده و ماهر) هستند.

**توزیع کارکنان در زیربخش‌های صنعت براساس نوع مالکیت (خصوصی - دولتی - تعاونی)**

(۴۰/۲۵) درصد شاغلان بخش صنعت در بخش عمومی و بقیه در بخش خصوصی به کار اشتغال دارند. تنها ۱/۰۴ درصد در بخش تعاونی مشغول به کار هستند. با توجه به جدول ۵ نقش بخش‌های خصوصی، تعاونی و دولتی را در زیر بخش‌های صنعت می‌توان مطالعه کرد.

**الف- بخش صنایع غذایی، آشامیدنی و دخانیات**

در این بخش، (۶۵/۳) درصد در بخش خصوصی و بقیه در بخش دولتی به کار اشتغال دارند. در بخش تعاونی (۲/۶) درصد از شاغلین به کار اشتغال دارند. به جز بخش دخانیات، توتون و تنباکو که به طور کامل به صورت دولتی اداره می‌شود، در بقیه بخش‌ها شاغلین در دو بخش خصوصی و دولتی به کار اشتغال دارند. درصد بسیار کمی از شاغلین نیز در بخش تعاونی به کار اشتغال دارند. به جز بخش لبنیات، ماهی و سایر آبزیان، در سایر بخش‌ها قسمت عمده‌ی شاغلین در بخش خصوصی به کار اشتغال دارند.

**ب - چوب و محصولات چوبی، چاپ، کاغذ**

بخش تعاونی درصد کمی از شاغلین این زیربخش را به خود اختصاص داده است. حدود سه چهارم کارکنان بخش محصولات کاغذی و مقوایی در بخش خصوصی به کار اشتغال دارند. در حالیکه در سایر زیربخش‌ها قسمت عمده‌ی شاغلین در بخش دولتی به کار مشغول هستند.

**ج - صنایع تولید مواد، محصولات شیمیایی و...**

در این زیر بخش، به جز بخش‌های کود شیمیایی و سموم دفع و فرآورده‌های نفتی، قسمت عمده‌ی کارکنان این بخش در بخش خصوصی به کار اشتغال دارند و درصد کمی از کارکنان در بخش تعاونی به کار اشتغال دارند.

**د - منسوجات و...**

به جز کفش، چرم و پوست، در بقیه بخش‌ها، قسمت عمده‌ی شاغلین در بخش خصوصی به کار اشتغال دارند و همانند سایر بخش‌ها نقش بخش تعاونی بسیار محدود است. بخش پوشاک بیشترین درصد کارکنان بخش تعاونی را دارا است.

**ه - شیشه، سیمان و...**

در این بخش جز بخش سیمان، در بقیه بخش‌ها قسمت عمده شاغلین در بخش خصوصی به کار اشتغال دارند.

**روش تحقیق:**

با توجه به اینکه توزیع اشتغال زنان کاملاً ناهمگن است و زنان در مشاغل محدودی متمرکز هستند، از این رو رشد بخش‌های مختلف آثار متفاوتی بر اشتغال به طور کلی و بر اشتغال زنان به طور اخص بر جا می‌گذارد. در این مقاله اثر رشد بخش‌های مختلف بر اشتغال زنان (ضریب اشتغال بخشی زنان) بررسی می‌شود.

برای این منظور از روش داده- ستانده استفاده می‌کنیم. در این روش از تابع تولید نئونیف استفاده می‌شود. ویژگی تابع مزبور این است که هر یک از عوامل تولید با یک

نسبت ثابت در تولید به کار می‌روند، جایگزینی بین عوامل تولید وجود ندارد، برای هر صنعت یک فن‌آوری وجود دارد، بازدهی ثابت به مقیاس وجود دارد و بخش‌های مختلف دارای فن‌آوری متفاوت هستند، لذا توابع تولید در هر بخش متفاوت از بخش دیگر است. با توجه به طبیعت متفاوت تابع تولید در هر بخش، ضریب اشتغال (کارگر به کار رفته برای یک واحد تولید) هر بخش متفاوت خواهد بود. (افشاری، ۱۳۸۰)

بخش‌های دارای ضریب اشتغال بالا را کاربر می‌گویند. در این مقاله با استفاده از جدول ۱۵×۱۵ داده-ستانده اقتصاد ایران (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶) به محاسبه‌ی ضریب اشتغال بخش‌های مختلف اقتصاد و ضریب اشتغال بخش زنان پرداخته شده است. همچنین برای اینکه اثر یک درصد رشد اقتصاد بخش‌ها را بر اشتغال زنان در سطوح مختلف تحصیلی (بی‌سواد، ابتدایی، ... عالی) محاسبه کنیم. ضریب اشتغال در هر بخش براساس میزان تحصیلات نیز محاسبه شده است. ضریب اشتغال زنان براساس بخش (خصوصی، دولتی) و براساس مهارت (متخصصین، تکنسین‌ها، مدیران عالی رتبه، صنعتگران، کارگران ماهر کشاورزی، کارگران ساده و...) نیز محاسبه شده است. مدل به کار رفته به قرار زیر است:

$$y_i = \min\left(\frac{k_i}{U_i}, \frac{L_i}{V_i}\right)$$

$$k = \text{سرمایه}$$

$$L = \text{نیروی کار}$$

$$y_i = \text{تولید (۱۵ ... و ۲ و ۱)}$$

$$V_i = \text{مقدار سرمایه به کار رفته برای یک واحد تولید در صنعت } i$$

$$U_i = \text{مقدار کارگر به کار رفته برای یک واحد تولید (ضریب اشتغال) در صنعت } i$$

برای یافتن ضریب اشتغال بخش صنعت زنان، از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$V_{Fi} = V_i \times F_i$$

$$V_{Fi} = \text{ضریب اشتغال زنان در صنعت،}$$

$$F_i = \text{نسبت اشتغال زنان در صنعت،}$$

برای یافتن ضریب اشتغال برحسب مهارت از رابطه زیر استفاده می‌کنیم.

$$V_{Fi}S_i = V_{Fi} \times S_i$$

$S_i$  = نسبت مهارت زنان در بخش  $i$

$i = ۱$  و  $۲$  و ... و  $۹$

۱- قانونگذاری و مدیران

۲- زنان متخصص

۳- تکنسین‌ها

۴- کارمندان امور دفتری

۵- کارکنان خدماتی و فروشندگان

۶- کارگران ماهر کشاورزی

۷- کارگران ماهر صنعتی

۸- متصدیان امور دفتری

۹- کارگران ساده

برای یافتن ضریب اشتغال بخشی زنان برحسب بخش خصوصی، دولتی و تعاونی به ترتیب از رابطه‌های زیر استفاده شده است:

$$V(F.P_i) = V_{Fi} \times P_i \quad P_i = \text{درصد اشتغال زنان در بخش خصوصی (صنعت } i)$$

$$V(F.PU_i) = V_{Fi} \times PU_i \quad PU_i = \text{درصد اشتغال زنان در بخش دولتی (صنعت } i)$$

$$V(F.CO_i) = V_{Fi} \times CO_i \quad CO_i = \text{درصد اشتغال زنان در بخش تعاونی (صنعت } i)$$

هر چه ضریب اشتغال بخشی بالاتر باشد، بخش کاربرتر است، یعنی قدرت خلق شغل بالاتری دارد.

### ضرایب اشتغال در زیر بخش‌های بخش صنعت

با توجه به چوله‌گی توزیع زنان شاغل در بخش صنعت، جهت انجام هر گونه پیش‌بینی اثر رشد بخشی بر اشتغال زنان، باید ضریب اشتغال کل بخش تعدیل نمود. بدین منظور از تکنیک داده- ستانده استفاده می‌کنیم و ضرایب اشتغال را برای هر یک از

زیربخش‌ها محاسبه می‌نمائیم. باید توجه داشت که کاربرترین بخش صنعت رتبه ۱۵ را در میان ۷۸ بخش اقتصاد دارا است. (افشاری، زهرا، طرح پژوهشی ۱۳۸۰) ستون (۱) جدول ۶ ضرایب اشتغال زیربخش‌های صنعت را به ترتیب کاربری نشان می‌دهد. این ضرایب نشانگر آنست که یک واحد افزایش در ارزش افزوده بخش چه مقدار سهم اشتغال آن بخش را افزایش می‌دهد. هرچه ضریب اشتغال بالاتر، بخش کاربرتر است. در ستون ۲، ضرایب اشتغال زنان در زیر بخش‌های صنعت محاسبه شده است. همانطور که جدول نشان می‌دهد ضریب اشتغال زنان متفاوت از ضریب اشتغال کل اقتصاد است. بالاترین ضریب اشتغال به ترتیب مربوط به زیر بخش‌های ماهی و آبزیان، قند و شکر، پوشاک و محصولات دارویی و برق و پایین‌ترین ضریب مربوط به زیربخش‌های خوراک دام و طیور، آلومینیم و محصولات غیرآهنی، محصولات لاستیکی و پلاستیکی و فرآورده‌های نفتی و کود شیمیایی و سموم دفع آفات نباتی می‌باشد.

### ضریب اشتغال تعدیل شده براساس مهارت

جدول ۷- ضرایب اشتغال تعدیل شده براساس مهارت را در زیربخش‌های صنعت نشان می‌دهد.

ستون اول جدول ضرایب اشتغال زنان مهندس را نشان می‌دهد، بخش‌های قند و شکر و سایر محصولات شیمیایی، ماهی و سایر آبزیان، سایر محصولات کانی غیرفلزی و دارو و محصولات دارویی به ترتیب بالاترین ضرایب را دارا می‌باشند. همانطور که ستون دوم جدول نشان می‌دهد، بخش‌های قند و شکر، سایر محصولات شیمیایی، ماهی و آبزیان و برق به ترتیب بیشترین قدرت ایجاد شغل را برای زنان تکنسین داشته است. ستون سوم جدول نشانگر آنست که بخش‌های پوشاک، قند و شکر، ماهی و آبزیان، محصولات حاصل از فعالیت‌های چاپ، صحافی دارو و محصولات دارویی به ترتیب بالاترین ضرایب اشتغال را برای کارگران ماهر زن داشته‌اند. ستون چهارم جدول نشان می‌دهد که بخش‌های ماهی و سایر آبزیان،

محصولات دارویی، لبنیات، پوشاک و برق به ترتیب بالاترین ضریب اشتغال را برای کارگران ساده زن را دارند.

### ضریب اشتغال تعدیل شده زنان در زیربخش‌های صنعت بر حسب نوع مالکیت<sup>۱</sup>

جدول ۸ نشانگر ضریب اشتغال زنان در زیر بخش‌های صنعت دولتی است. به عبارت دیگر این ضریب نشان می‌دهد که ۱۰۰ واحد افزایش در تولید زیربخش مورد نظر، چه مقدار اشتغال زنان در این صنعت (دولتی) را افزایش می‌دهد.

همانطور که ملاحظه می‌شود، زیربخش‌های ماهی، پوشاک، برق، توتون، تنباکو، سیگار به ترتیب بزرگترین ضریب اشتغال زنان در بخش دولتی را دارا است.

جدول ۹ نشانگر ضریب اشتغال زنان در زیر بخش‌های صنعت خصوصی بوده و بیشترین ضریب اشتغال مربوط به برق، دارو و مواد دارویی و مواد پلاستیکی و الیاف محصولات حاصل از فعالیت‌های چاپ و صحافی است. به عبارت دیگر رشد این بخش‌ها سطح اشتغال زنان در بخش خصوصی را بیش از سایر بخش‌ها افزایش می‌دهد.

جدول ۱۰ نشانگر ضریب اشتغال زنان در زیربخش‌های صنعت در بخش تعاونی است. همانطور که ملاحظه می‌شود این ضرایب بسیار کوچک هستند یعنی رشد این بخش‌ها اثر کمی بر اشتغال زنان در بخش تعاونی دارد. با وجود این در ۶ بخش از صنعت (مس، روغن، فرآورده‌های نفتی، کود شیمیایی، کاغذ، توتون، تنباکو و سیگار) تعاونی‌ها فعالیت ندارند و لذا ضریب اشتغال صفر است. بخش‌های ماهی، پوشاک (غیر کفش) محصولات ساخته شده از چوب بالاترین ضریب اشتغال زنان در بخش تعاونی را دارا است.

با توجه به تداوم فرایند خصوصی‌سازی در ایران، لزوم تجدید ساختار این بخش در جهت جذب نیروی کار زنان، خصوصاً نیروی کار متخصص به چشم می‌خورد.

۱- محاسبات با فرض ثبات ترکیب جنسیتی در بخش‌های خصوصی - دولتی و تعاونی انجام شده

### نتیجه گیری:

همانطور که بیان شد حدود یک سوم زنان شاغل کشور در بخش صنعت به کار اشتغال دارند. با توجه به تجزیه جنسیتی بازار کار در ایران، زنان در بخش صنعت در تعدادی مشاغل محدود حضور دارند. و چوله‌گی توزیع اشتغال در این بخش محسوس‌تر از سایر بخش‌های اقتصاد می‌باشد. در این بخش زنان در مشاغل مکمل کارخانه گرایش یافته‌اند. بخش‌هایی با دستمزد کم، کاربر و با کارایی پایین برای مثال ۸۸/۱ درصد زنان شاغل در بخش منسوجات و ۵/۳ درصد در بخش پوشاک به کار اشتغال دارند. قسمت عمده‌ی این شاغلین دارای تحصیلات زیر متوسطه هستند و ۹۲/۵ درصد این شاغلین در بخش خصوصی به کار اشتغال دارند.

هر چند که در ساختار موجود افزایش سرمایه‌گذاری در دو بخش منسوجات، دوخت لباس و... بیشترین تأثیر را در ایجاد شغل برای زنان دارای تحصیلات کمتر از متوسطه را دارد و تداوم فرایند خصوصی‌سازی در این بخش باعث ایجاد شغل برای این گروه از زنان می‌شود، با وجود این همراه با اولویت برنامه‌ی توسعه صنعتی کشور از یک سو و حضور فعال و فزاینده زنان در رشته‌های فنی، از دیگر سو و تداوم فرایند خصوصی‌سازی که شتاب آن در صنعت در حال افزایش است، ضرورت تغییر ساختار در این بخش جهت جذب زنان با تحصیلات عالی به چشم می‌خورد. این انفعال بخشی در بلند مدت از طریق تغییر فرهنگ عمومی امکان‌پذیر است ولی در کوتاه مدت وضع قوانین و مقررات متناسب برای جذب زنان در این بخش‌ها می‌تواند تا حدی خلاء فرهنگی موجود را کاهش دهد.



## جداول پیوست \*

جدول (۱) توزیع اشتغال صنعتی زنان در استان‌های ایران براساس رتبه در استان

استان	تعاونی	خصوصی	دولتی	کل %
تهران	0.500000	56.400000	43.500000	33.830000
خراسان	1.820000	83.700000	16.200000	12.450000
گیلان	1.700000	61.800000	38.200000	9.730000
اصفهان	0.640000	61.600000	38.400000	5.830000
آذربایجان شرقی	0.310000	57.100000	42.900000	5.13 00000
قم	0.100000	91.300000	8.700000	4.770000
قزوین	0.000000	61.800000	38.200000	3.820000
مرکزی	0.770000	46.700000	53.300000	3.600000
مازندران	1.500000	53.400000	46.600000	3.350000
فارس	0.940000	58.900000	41.100000	2.800000
خوزستان	0.330000	22.300000	77.700000	2.700000
آذربایجان غربی	5.000000	65.500000	34.500000	2.360000
کرمان	6.300000	64.200000	35.800000	2.320000
سمنان	3.800000	80.500000	19.500000	1.840000
گلستان	1.500000	63. 000000	37.000000	1.630000
زنجان	0.810000	65.600000	34.400000	1.560000
یزد	0.350000	81.800000	18.200000	1.330000
همدان	2.000000	79.900000	20.100000	0.850000
بوشهر	3.600000	76.400000	29.600000	0.720000
لرستان	2.000000	61.200000	38.800000	0.660000
سیستان - بلوچستان	1.900000	44.700000	55.300000	0.650000
کرمانشاه	3.100000	66.500000	33.500000	0.500000
کردستان	5.900000	60.500000	39.500000	0.480000
چهارمحال بختیاری	5.600000	87.600000	12.400000	0.470000
هرمزگان	2.000000	40.800000	59.200000	0.440000
ایلام	9.200000	44.200000	55.700000	0.270000
اردبیل	0.900000	69.600000	30.400000	0.240000
کهگیلویه	5.200000	53.700000	46.200000	0.110000

\* کلیه محاسبات این جدول توسط نویسنده مقاله با استفاده از نرم‌افزار Eviews انجام شده است. منابع مورد استفاده در آخر فصل آمده است.

## جدول (۲) توزیع استانی شاغلین زن در بخش صنعت براساس مهارت

کل	ساده	ماهر	تکنسین	مهندس	استان
2892.0000	71.700000	19.700000	3.500000	5.100000	آذربایجان شرقی
1329.0000	89.000000	9.500000	0.200000	1.400000	آذربایجان غربی
135.0000	72.500000	12.600000	1.000000	9.800000	اردبیل
3283.0000	56.300000	34.200000	2.500000	12.600000	اصفهان
154.0000	14.900000	85.100000	0.000000	0.000000	ایلام
407.0000	93.300000	2.900000	0.600000	3.200000	بوشهر
19063.000	58.300000	28.400000	4.900000	8.500000	تهران
267.0000	31.700000	65.600000	0.400000	2.200000	چهارمحال بختیاری
7016.0000	60.500000	34.300000	1.300000	3.900000	خراسان
1525.0000	82.800000	9.700000	1.800000	5.700000	خوزستان
876.0000	52.400000	43.100000	0.900000	3.600000	زنجان
364.0000	56.800000	35.100000	2.400000	4.700000	سیستان - بلوچستان
1581.0000	37.100000	26.800000	4.300000	5.600000	فارس
269.0000	55.800000	39.400000	1.200000	3.600000	قم
179.0000	9.700000	83.600000	0.800000	5.900000	کردستان
1306.0000	66.300000	25.200000	1.700000	6.800000	کرمان
284.0000	48.200000	26.300000	7.300000	18.200000	کرمانشاه
63.000000	91.900000	2.400000	0.000000	5.400000	کهگیلویه و بویراحمد
916.0000	88.500000	8.100000	0.400000	3.100000	گلستان
5483.0000	54.200000	42.600000	0.700000	2.600000	گیلان
372.0000	59.700000	30.300000	2.600000	7.500000	لرستان
1888.0000	54.100000	39.200000	1.600000	5.100000	مازندران
2030.0000	64.000000	25.500000	3.100000	7.400000	مرکزی
245.0000	44.100000	48.600000	0.600000	6.700000	هرمزگان
481.0000	84.500000	11.900000	0.000000	3.600000	همدان
748.0000	24.300000	69.500000	15.400000	4.600000	یزد
1035.0000	76.200000	18.500000	1.700000	3.500000	سمنان
21510000	51.600000	37.300000	4.400000	6.700000	قزوین

## جدول (۳) رتبه‌بندی مشاغل در بخش صنعت براساس درصد حضور زنان

نسبت به کل	
87.100000	ماهی
57.200000	قالی
28.800000	پوشاک
23.400000	دارو و فراورده‌های آن
13.300000	رادیو، تلویزیون
13.000000	مواد پلاستیکی و...
12.200000	برق
12.000000	کاغذ و مقوا
10.900000	چاپ و صحافی
6.1000000	سایر محصولات کانی غیرفلزی
6.1000000	محصولات لاستیکی
5.4000000	توتون، تنباکو و...
5.1000000	منسوجات و ریسندگی
4.3000000	ماشین‌آلات صنعتی
4.2000000	کفش، چرم و...
4.0000000	لبنیات
3.9000000	وسایل نقلیه موتوری
3.5000000	خوراک دام و طیور
3.2000000	مس و محصولات آن
3.1000000	گاو و...
3.0400000	ماشین‌آلات کشاورزی
2.5000000	شیشه و محصولات آن
2.6300000	روغن
2.3000000	کاغذ، خمیر و...
2.0000000	آلومینیوم و...
2.0000000	فراورده‌های نفتی
2.0000000	محصولات ساخته شده
1.4000000	چوب‌بری
1.3000000	محصولات ذوب فلز

## ادامه جدول (۳)

نسبت به کل	
1.1000000	کود شیمیایی
1.1000000	سیمان
1.1000000	محصولات فلزی ساختمان
0.7600000	قند و شکر
11.7600000	سایر مواد غذایی
10.0000000	سایر مواد و محصولات شیمیایی
3.5000000	سایر محصولات صنعتی

## جدول (۴) توزیع کارکنان زن در زیربخش‌های صنعت براساس درجه‌ی مهارت سال ۱۳۷۷

کارگران ساده	ماهر	تکنسین	متخصص	چوب و محصولات چوبی، چاپ، کاغذ
41.200000	17.600000	0.000000	41.200000	کاغذ - خمیر مقوا
14.900000	74.500000	2.400000	8.200000	چاپ و صحافی
66.600000	25.200000	2.000000	6.100000	محصولات کاغذی و مقوایی
73.700000	26.300000	0.000000	0.000000	محصولات ساخته شده
<b>سیمان و شیشه</b>				
36.600000	47.300000	3.600000	12.500000	شیشه و محصولات شیشه‌ای
30.000000	6.700000	13.300000	60.000000	سیمان
79.700000	18.100000	0.640000	1.600000	سایر محصولات
<b>بخش صنایع غذایی، آشامیدنی و دخانیات</b>				
40.000000	18.200000	10.800000	30.500000	لبنیات
13.000000	30.400000	30.400000	26.100000	قند و شکر
40.000000	25.700000	5.800000	28.600000	روغن
12.500000	0.000000	0.000000	87.500000	خوراک دام و طیور
76.200000	22.600000	2.000000	4.600000	توتون - تنباکو و سیگار
74.600000	16.400000	2.100000	6.900000	سایر محصولات غذایی
87.100000	8.700000	1.200000	2.700000	ماهی و سایر آبزیان
66.400000	9.800000	7.300000	3.180000	گاو و ...

## ادامه جدول (۴)

کارگران ساده	ماهر	تکنسین	متخصص	چوب و محصولات چوبی، چاپ، کاغذ منسوجات و ریسندگی، پوشاک، چرم
49.000000	48.700000	0.500000	0.020000	منسوجات و ریسندگی
64.500000	35.500000	0.000000	0.000000	قالی و قالیچه
56.900000	42.900000	0.170000	0.110000	پوشاک
35.300000	60.100000	1.700000	2.900000	کفش - چرم - پوست
<b>مواد پلاستیکی و الیاف</b>				
27.000000	10.000000	40.000000	33.300000	کود شیمیایی و سموم دفع
5.400000	19.000000	18.100000	58.700000	مواد پلاستیکی و الیاف
48.400000	26.400000	4.500000	10.800000	دارو و فراورده‌های دارویی
32.100000	28.600000	8.900000	30.400000	فراورده‌های نفتی
66.200000	25.900000	1.500000	6.500000	محصولات لاستیکی و...
57.700000	28.900000	5.500000	13.900000	سایر محصولات شیمیایی
<b>صنایع فلزی</b>				
32.400000	14.700000	14.700000	38.200000	محصولات اساسی فولاد و آهن
6.900000	13.900000	8.300000	18.100000	مس و محصولات مسی
33.000000	11.000000	0.000000	55.600000	آلومینیم و سایر غیر آهنی
25.000000	33.000000	0.000000	41.700000	محصولات فلزی ساختمان
51.800000	21.200000	7.800000	19.200000	ماشین‌آلات صنعتی
40.000000	0.000000	6.700000	53.300000	ادوات کشاورزی
51.200000	40.100000	4.300000	3.700000	رادپو، تلویزیون و...
32.900000	45.100000	6.000000	4.800000	وسایل نقلیه موتوری
39.900000	34.200000	10.100000	16.800000	سایر محصولات
61.400000	31.600000	3.400000	3.600000	برق

جدول (۵) توزیع کارکنان زن در صنعت براساس نوع مالکیت (تعاونی، خصوصی، دولتی)

دولتی	خصوصی	تعاونی	
چوب و محصولات چوبی، چاپ، کاغذ			
85.000000	15.000000	0.000000	کاغذ - خمیر - مقوا
53.800000	47.200000	0.100000	چاپ و صحافی
25.800000	74.200000	0.700000	محصولات کاغذی و مقوایی
52.300000	45.500000	2.200000	چوب‌بری
52.200000	47.800000	2.300000	محصولات ساخته شده
محصولات لاستیکی و پلاستیکی			
97.500000	2.500000	0.000000	کود شیمیایی
14.800000	85.200000	0.100000	مواد پلاستیکی و الیاف
41.000000	59.000000	0.500000	دارو و فرآورده‌های آن
92.100000	7.900000	0.000000	فرآورده‌های نفتی
25.000000	75.000000	0.600000	محصولات لاستیکی و...
45.500000	54.500000	0.500000	سایر
صنایع غذایی، آشامیدنی و دخانیات			
57.200000	42.800000	1.600000	لبنیات
41.600000	58.400000	1.600000	قند و شکر
37.400000	62.600000	0.000000	روغن
43.000000	53.000000	4.900000	خوراک دام و طیور
100.000000	0.000000	0.000000	توتون، سیگار
34.700000	65.300000	2.600000	سایر محصولات غذایی
52.400000	47.600000	3.000000	ماهی و سایر...
32.900000	67.100000	10.100000	گاو
34.700000	65.300000	2.600000	کل
منسوجات و ریسندگی			
44.400000	65.600000	1.900000	منسوجات و ریسندگی

## ادامه جدول (۵)

دولتی	خصوصی	تعاونی	
17.800000	82.200000	1.8000000	قالی و قالیچه
22.800000	77.2000000	4.4000000	پوشاک
52.800000	47.200000	0.3000000	کفش، چرم و...
شیشه و سیمان			
26.800000	73.200000	1.4000000	سایر محصولات
25.500000	74.500000	0.3000000	شیشه و محصولات آن
69.400000	30.600000	0.6000000	سیمان
صنایع فلزی			
34.100000	65.900000	0.7000000	برق
80.200000	19.800000	0.5000000	محصولات اساسی فولاد
61.600000	38.900000	0.0000000	مس و محصولات آن
52.700000	47.300000	0.7000000	آلومینیم و...
26.500000	73.500000	5.6000000	محصولات فلزی ساختمان
33.300000	66.700000	0.6000000	ماشین آلات صنعتی
61.200000	38.800000	0.2000000	ماشین آلات کشاورزی
37.200000	62.800000	1.4000000	رادیو و تلویزیون
56.300000	43.700000	0.2000000	وسایل نقلیه

جدول (۶) ضریب اشتغال در بخش صنعت (براساس کل شاغلین و زنان)

رتبه کل	ضریب اشتغال	رتبه زنان	ضریب اشتغال زنان	
15.000000	0.2970000	4.0000000	0.0362340	برق
16.000000	0.2800000	1.0000000	0.0362340	ماهی و...
17.000000	0.2730000	14.000000	0.0038200	چوب‌بری و...
17.000000	0.2730000	19.000000	0.0030000	سیمان
18.000000	0.2430000	14.000000	0.0050000	سایر کانی فلزی و غیرفلزی
23.000000	0.2260000	22.000000	0.0024900	محصولات فلزی ساختمان
24.000000	0.2170000	7.0000000	0.0132400	سایر کانی فلزی و غیرفلزی
25.000000	0.2160000	8.0000000	0.0116600	کاغذ، خمیر مقوا
26.000000	0.2160000	8.0000000	0.0116600	توتون، سیگار
27.000000	0.2150000	13.000000	0.0092500	ماشین‌آلات صنعتی
28.000000	0.2120000	24.000000	0.0023300	کود شیمیایی
29.000000	0.2110000	6.0000000	0.0230000	محصولات چاپ و...
33.000000	0.1900000	23.000000	0.0024700	مواد پلاستیکی و...
34.000000	0.1890000	12.000000	0.0096400	منسوجات و...
35.000000	0.1800000	15.000000	0.0045000	شیشه و...
38.000000	0.1790000	13.000000	0.0054416	ماشین‌آلات کشاورزی
22.000000	0.2290000	3.0000000	0.0660000	پوشاک
40.000000	0.1780000	17.000000	0.0237000	رادیو، تلویزیون
40.000000	0.1780000	27.000000	0.0108600	لاستیکی و پلاستیکی
41.000000	0.1730000	25.000000	0.0022500	فولاد و ذوب‌آهن
45.000000	0.1590000	4.0000000	0.0372100	دارو و...
48.000000	0.1380000	21.000000	0.0027600	محصولات چوب و نی



## ادامه جدول (۴)

رتبه کل	ضریب اشتغال	رتبه زنان	ضریب اشتغال زنان	
50.000000	0.1370000	16.000000	0.0043840	مس و محصولات آن
53.000000	0.1240000	18.000000	0.0032612	روغن
54.000000	0.1140000	16.000000	0.0039900	سایر
55.000000	0.1140000	2.000000	0.0866400	قند و شکر
56.000000	0.1040000	26.000000	0.0021000	فراورده‌های نفتی
59.000000	0.1000000	14.000000	0.0042000	کفش
60.000000	0.0940000	10.000000	0.0040000	محصولات کاغذی
61.000000	0.0930000		0.0000000	سنگ مس
64.000000	0.0850000	28.000000	0.0017000	آلومینیم
69.000000	0.0500000	5.000000	0.0280000	قالی و قالیچه
70.000000	0.0480000		-	مرغ و جوجه و...
71.000000	0.0450000	29.000000	0.0015750	خوراک دام
72.000000	0.0320000	30.000000	0.0010000	گاو و گاومیش
73.000000	0.0250000	20.000000	0.0039900	محصولات غذایی
74.000000	0.0230000	11.000000	0.0097200	لبنیات

جدول (۷) ضریب اشتغال زنان در بخش صنعت (تعدیل شده برحسب مهارت)

ساده	ماهر	تکنسین	مهندس	
0.0322500	0.0177500	0.0000000	0.0000000	قالی و قالیچه
0.0091100	0.0713900	0.0076500	0.0065900	راديو و تلویزیون
0.2124200	0.0212200	0.0029300	0.0065900	ماهی و...
0.0112600	0.0634000	0.0263400	0.0226100	قند و شکر
0.755000	0.0283100	0.0001120	7.000E-05	پوشاک
0.1801000	0.0135400	0.0016800	0.0040200	دارو و...
0.0225000	0.0114500	0.0012300	0.0013000	برق
0.0034300	0.0171400	0.0005500	0.0018900	محصولات چاپ و صحافی
0.0110550	0.0141600	0.0003700	0.0061600	سایر محصولات کانی غیر فلزی
0.0088909	0.0041600	0.0002300	0.0005360	توتون و تنباکو و...
0.0075100	0.0026400	0.0002300	0.0006900	کاغذی و مقوایی
0.0071900	0.0028400	0.0001600	0.0007100	لاستیکی و پلاستیکی
0.0060000	0.0028900	0.0057200	0.0144600	محصولات شیمیایی و سایر
0.0038880	0.0030100	0.0010500	0.0029700	لبنیات
0.0047200	0.0017700	5.000E-05	2.000E-06	ریسندگی، منسوجات
0.0021800	0.0047000	0.0003700	0.0029000	ماشین آلات کشاورزی
0.0020600	0.0000000	0.0000000	0.0020600	کاغذ، خمیر و مقوا
0.0003000	0.0008800	0.0003600	0.0031000	مس و محصولات آن
0.0015900	0.0061000	0.0004000	0.0006700	سایر محصولات صنعتی
0.0028200	0.0013500	0.0000000	0.0000000	محصولات حاصل از چوب
0.0658800	0.0010100	0.0064800	0.0225000	محصولات شیشه‌ای
0.0013000	0.0851400	0.0001900	0.0009320	روغن
0.0006000	0.0002000	0.0004000	0.0020800	سیمان
0.0022400	0.0004900	6.000E-05	0.0002100	سایر محصولات غذایی
0.0020600	0.0007400	0.0000000	0.0000000	محصولات چوبی

## ادامه جدول (۷)

ساده	ماهر	تکنسین	مهندس	
0.0006200	0.0008200	0.0000000	0.0010400	محصولات فلزی
0.0001330	0.0004700	0.0004500	0.0014300	مواد پلاستیکی و...
0.0006300	0.0000000	0.0009300	0.0007800	کود شیمیایی و...
0.0007300	0.0003300	0.0003300	0.0008600	ذوب آهن و فولاد
0.0006700	0.0006000	0.0001900	0.0002300	فراورده‌های نفتی
0.0071900	0.0028100	0.0001600	0.0007100	لاستیکی و پلاستیکی
0.0005600	0.0001900	0.0000000	0.0009500	آلومینیم و...
0.0002000	0.0000000	0.0000000	0.0013800	خوراک دام و طیور
0.0006600	1.000E-05	7.000E-05	3.000E-05	گاو

## جدول (۸) (کل و تعدیل شده) ضریب اشتغال زنان در بخش دولتی صنعت

کل	زنان	بخش
0.2160000	0.0116000	توتون، تنباکو و سیگار
0.2067000	0.0022700	کود شیمیایی
0.1895000	0.0020900	سیمان
0.1836000	0.0042000	کاغذ
0.1467000	0.1278000	ماهی
0.1425000	0.0020000	محصولات چوب‌بری
0.1388000	0.0018000	فولاد و ذوب آهن
0.1101000	0.0120000	چاپ و صحافی
0.1096000	0.0033000	ماشین آلات کشاورزی
0.1013000	0.0123000	برق
0.9670000	0.0193000	فراورده‌های نفتی

## ادامه جدول (۸)

کل	زنان	بخش
0.0844000	0.0027000	مس و محصولات آن
0.0839000	0.0042800	منسوجات
0.0720000	0.0002500	محصولات چوبی
0.0716000	0.0030800	ماشین‌آلات صنعتی
0.0661000	0.0087900	رادیو و تلویزیون
0.0652000	0.0153000	دارو و ...
0.0651000	0.0039700	سایر کانی‌های فلزی و ...
0.599000	0.0006600	محصولات فلزی ساختمان
0.0581000	0.0035400	سایر کانی غیر فلزی
0.0528000	0.0022200	کفش و ...
0.522000	0.0150300	پوشاک (غیر کفش)
0.485000	0.0017000	سایر محصولات صنعتی
0.0474000	0.0003600	قند و شکر
0.0473000	0.0047000	سایر محصولات شیمیایی
0.0464000	0.0012200	روغن و چربی
0.0459000	0.0028000	شیشه و ...
0.0448000	0.0009000	آلومینیم و ...
0.0445000	0.0027200	لاستیکی و پلاستیکی
0.0281000	0.0036500	مواد پلاستیک و الیاف
0.0243000	0.0029200	محصولات کاغذی و مقوایی
0.0194000	0.0006800	خوراک دام و طیور
0.0132000	0.0004100	لبنیات
0.0105300	0.0003300	گاو و ...
0.0105000	0.0060000	قالی و قالیچه
0.0037000	0.0019200	سایر محصولات غذایی

## جدول (۹) ضریب اشتغال در بخش خصوصی صنعت (کل و تعدیل شده برای زنان)

بخش	زنان	کل
برق	0.0243000	0.1995000
سایر کانی‌های غیرفلزی	0.1076000	0.1746000
محصولات فلزی ساختمان	0.0018300	0.1661000
مواد پلاستیکی	0.0211000	0.1619000
سایر کانی غیرفلزی	0.0096700	0.1588000
ماشین‌آلات صنعتی	0.0061600	0.1434000
محصولات لاستیکی	0.0081000	0.1335000
محصولات شیشه‌ای	0.0081000	0.1335000
ماهی و ...	0.0116000	0.133300
صنایع چوب‌بری و ...	0.0017400	0.1242000
منسوجات	0.0063200	0.1240000
رادیو، تلویزیون	0.0145500	0.1094000
چاپ و صحافی	0.0110000	0.0101000
دارو	0.0220000	0.0938000
سیمان	0.0009200	0.0836000
روغن	0.0020400	0.0776000
کاغذی و مقوایی	0.0083800	0.0698000
ماشین‌آلات و کشاورزی	0.0021100	0.0695000
سایر محصولات صنعتی	0.0061700	0.0681000
محصولات چوب و نی	0.0013300	0.0666000
قند و شکر	0.0023000	0.0660000
سایر محصولات شیمیایی	0.0003900	0.0665800
مس و محصولات آن	0.0056700	0.0567000
کفش، چرم و ...	0.0017100	0.0534000
آلومینیم و ...	0.0019800	0.0472000
قالی و قالیچه	0.0008040	0.0402000
محصولات فولاد و ذوب آهن	0.0003900	0.0389000

## جدول (۹) ضریب اشتغال در بخش خصوصی صنعت (کل و تعدیل شده برای زنان)

بخش	زنان	کل
کاغذ خمیر مقوا	0.0004500	0.0343000
خوراک دام و طیور	0.0007500	0.0324000
گاو و ...	0.0008400	0.0239000
سایر محصولات غذایی	0.0006700	0.0215000
پوشاک (غیرکفش)	0.0019200	0.0108000
لبنیات	0.0031000	0.0100000
فراورده‌های نفتی	0.0004000	0.0083000
کود شیمیایی و سموم	0.0001660	0.0053000
تنباکو، توتون و سیگار	0.0000000	0.0000000

## جدول (۱۰) ضریب (کل و تعدیل شده) اشتغال زنان در بخش صنعت

بخش	زنان	کل
پوشاک	0.0051000	0.0177000
محصولات فلزی ساختمان	0.0001400	0.0127000
ماهی و ...	0.0073200	0.0084000
سیمان	7.000E-05	0.0063000
چاپ و صحافی	0.0005300	0.0049000
محصولات چوبی	0.0044400	0.0031700
منسوجات و ...	0.0001800	0.0036000
گاو و گاومیش	0.0001800	0.0033200
سایر محصولات کانی	1.000E-05	0.0032300
رادیو، تلویزیون	0.0001900	0.0030400
خوراک دام و طیور	0.0003200	0.0024200
برق	8.000E-05	0.0022100

## ادامه جدول (۱۰)

کل	زنان	
0.0021000	0.0002600	قند و شکر
0.0018200	1.000E-05	سیمان
0.0016400	2.000E-05	ماشین آلات صنعتی
0.0012900	6.000E-05	سایر محصولات صنعتی
0.0011900	1.000E-05	محصولات لاستیکی و...
0.0008700	0.0001900	محصولات آهن و فولاد
0.0008000	8.000E-05	دارو و...
0.0006600	8.000E-05	کاغذی و مقوایی
0.0006500	3.700E-05	غذایی و...
0.0006100	1.000E-05	شیشه
0.0006000	0.0003200	آلومینیم
0.0005500	5.000E-05	قالی و قالیچه
0.0005200	2.000E-05	سایر محصولات شیمیایی
0.0003600	2.000E-05	ماشین آلات کشاورزی
3.000E-05	1.000E-05	کفش و...
0.0001900	3.000E-05	مواد پلاستیکی
0.0003700	0.0000200	مس و محصولات مسی
0.0001070	0.0000600	روغن و لبنیات و...
0.0000000	0.0000000	فراورده نفتی
0.0000000	0.0000000	کود شیمیایی
0.0000000	0.0000000	کاغذ، خمیر
0.0000000	0.0000000	توتون

## منابع:

- ۱- افشاری، زهرا، ۱۳۸۰، برنامه‌ریزی اقتصادی، سمت.
- ۲- افشاری، زهرا، شیبانی، ابراهیم، ۱۳۸۰، پیش‌بینی تحولات بازار کار زنان در ایران، طرح پژوهشی.
- ۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، جدول داده- ستانده اقتصاد ایران، ۱۳۷۹، معاونت اقتصادی بانک مرکزی، ۱۳۸۰.
- ۴- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰، نماگرهای اقتصاد ایران، شماره‌های مختلف، معاونت اقتصادی بانک مرکزی سالهای مختلف.
- ۵- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸، بازار کار و اشتغال (جلد سوم).
- ۶- سازمان برنامه و بودجه، مجموعه آماری سری زمانی، آمارهای اقتصادی و اجتماعی تا سال ۱۳۷۷، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۹.
- ۷- فلیچی، نعمت، اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۹، برآورد الگوهای عرضه و تقاضای نیروی کار در مناطق روستایی و بررسی میزان انعطاف‌پذیری بازار کار روستایی و شهری، مجله برنامه و بودجه، سال پنجم شماره ۱ و ۲ - صفحات ۶۵-۹۹.
- ۸- مرکز آمار ایران، ۱۳۷۹، ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی زنان در ایران، مرکز آمار ایران.
- ۹- مرکز آمار ایران، ۱۳۷۹، نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۷۵، شماره ۱، مرکز آمار ایران.
- ۱۰- مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶، جداول داده- ستانده سال ۱۳۷۰، مرکز آمار ایران.
- ۱۱- مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری از کارگاههای صنعتی کشور ۱۳۷۸، نتایج آمارگیری از کارگاههای صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر مرکز آمار ایران، ۱۳۷۹.
- ۱۲- مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری از کارگاههای صنعتی کشور ۱۳۷۸، نتایج آمارگیری از کارگاههای صنعتی ۵۰ نفر کارکن و بیشتر، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۹.
- ۱۳- وندهوون، رولف سیراتسکی، جورج، درس‌هایی از خصوصی‌سازی.



- 1- Beechey, V. 1987, Women and Production, London, Routledge, 155-97.
- 2- Blaue, Francine, D. (1998), Rends in the well being of American women, Journal of Economic Literature: 112-65.
- 3- Dex, S, 1985, The Sexwal Division of work, Brighton, Wheatshe.
- 4- Edwards, R. Reich, M. and Gordon, D.M. 1975, labor market segmentation, Lexington, Mass: Heath.
- 5- Garibaldi, P, Mauro, P. 1999, Reconstructing. Job creation, IMF. WP/99/109.
- 6- Garibaldi, P. 1998, Job flows dynamics and firing Restriction, European Economic Review, Vol. 42, No. 2, 245-275.
- 7- Heckman, J, 1978, A partion survey of recent research on the labor supply of women, AER. 68, 200-7.
- 8- Lantican, claritap and others, (Jan 1996), Income and gender inequalities in Asia, Economic Development and Cultural change 44-235-63.
- 9- Moore G. Wen and Shach man, (June 1996), Gender and authority 77: 273-88.
- 10- Pegan, Jose and Ullibarri Miren, (2000), GroupHeterogeneity and Gender earning Gap in Mexico, Economia, Mexicana, 59.
- 11- Pollak, S, 1985, Occupational Segregation among women. In women in labor market, ed. C. B. Lloyd, E. S., New York, Colombia University press, 137-57.
- 12- U.N., Human Development Report (2001) U. N. Washington, D. C.

## اجتهاد و مرجعیت زنان از منظر دین

دکتر فاطمه علائی رحمانی\*

### چکیده

به سبب اهمیتی که تصدی جواز مرجعیت تقلید، در دین اسلام دارد، برای اهلیت افراد در تصدی آن، شرایطی در نظر گرفته است، که یکی از آنها شرط ذکوریت در مرجعیت است. در این زمینه، دو نظر متضاد وجود دارد: عده‌ای معتقدند اسلام، نه تنها با اجتهاد زن موافق است بلکه در مبانی فقه اجتهادی زنان را فراخوانده است و عده‌ای دیگر مخالفت خود را با تصدی مرجعیت تقلید برای زنان اظهار می‌کنند. در این مقاله ادله موافقین و مخالفین اهلیت زنان برای تصدی مرجعیت دینی ذکر شده و ادله مخالفین مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

**کلید واژگان:** فتوا و مفتی، شروط مفتی، ذکوریت مفتی

## معنی لغوی فتوا و «مفتی»

در معنای لغوی فتوا و مفتی، تعاریف گوناگونی ارائه شده است که برخی از آن به قرار زیر است

«اصل واژه فتیا از «فتی» است و «فتی» جوان با نشاط و قوی است گویی مفتی با بیان فتوا، اشکالات مردم درباره‌ی احکام را برطرف ساخته و آن را تقویت می‌کند. در نتیجه آن احکام، تجدید شده و گویا احیا می‌شوند.» (ابن منظور، ۱۴۰۸ هـ، ص ۱۴)

«فتیا با یا و ضمه و فتوا با واو و فتحه فا، چیزی است که فقیه درباره‌ی آن فتوا، صادر کرده است. گفته می‌شود من از فقیه در مسئله، طلب فتوا کرده‌ام. سپس او فتوا داد (و فتواتوا الی الفقیه اذا ارتفعوا الیه فی الفتیا).» (الطریحی، ۱۴۰۸ هـ، ص ۱۳۶۳)

«فتیا و فتویا عبارت است از پاسخ به مسائل شرعی» (اصفہانی، ص ۳۷۲)

«فتوا پاسخ به اشکالات مسائل شرعی و حقوقی است»

«فتوا دادن در یک مسأله به معنای روشن ساختن آن مسأله است و اسم این فعل «فتوی» است.»

مؤلف «معجم الفاظ القرآن الکریم» بعد از این تعریف از فتوا، به ذکر آیاتی که در معنای فتیا از باب افعال و استفعال وارد شده، می‌پردازد. ظاهراً چنین بر می‌آید که وی برای فتوا معنای اعمی را قائل شده است. زیرا فتوا از دیدگاه او شامل مسایل شرعی و حقوقی و سایر موارد می‌شود و این موارد از جمله‌ی (افتاه فی الامر ابانه له) برداشت می‌شود.»

«فتوی عبارت است از اخبار از حکم خدا از طریق استنباط، بر طبق حدس و اعتقاد مفتی به اینکه این فتوی، مدلول نص است یا منتهی به نص می‌شود.» (محمدی گیلانی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۱)

در هر صورت تصدی منصب فتوا، منصبی بزرگ است و بایستی بر عهده‌ی کسانی باشد که از منابع استنباطی کاملاً آگاهی داشته و بتوانند با رجوع به آنها مشکلات و مسائل جامعه را پاسخگو باشند.

### بررسی شرطیت ذکورت مفتی از دیدگاه فقهای اهل سنت

گرایش غالب فقهای اهل سنت بر اهلیت زن در اجتهاد و مرجعیت بوده و ذکورت و مرد بودن را در این زمینه ذکر نکرده‌اند. بلکه از دیدگاه آنان، هر کس که دارای اجتهاد بوده، به علم و عدالت شناخته شده و توانمند در شناخت احکام الهی باشد، استفتاء از او جایز است و جنسیت در این زمینه مطرح نیست.

«فراء» و «ماوردی» با آوردن عباراتی شبیه به هم در کتابهای خویش معتقدند: «آنگاه که قاضی، به چهار اصل معرفت پیدا کرده و جزء اهل اجتهاد نیز باشد، فتوا و قضاوت برای او جایز است و در غیر این صورت، جایز نیست که فتوا دهد و قضاوت کند». (فراء، ص ۶۱، ماوردی، ص ۶۶)

ابن حزم در کتاب «الاحکام فی اصول الاحکام» می‌نویسد: «فقه عبارت است از معرفت به احکام شریعت که در قرآن و احکام پیامبر آمده است، هر کسی آنها را بداند می‌تواند در مسأله فتوی دهد.» (ص ۱۹۱)

«از بررسی سخنان فقهای اهل سنت چنین بر می‌آید که آنان، دانایی و آگاهی را میزانی برای تصدی مقام افتاء و مرجعیت دانسته و جنسیت خاصی را در آن لحاظ نکرده‌اند. آنان تصریح کرده‌اند که گروهی از زنان صحابی و تابعین، فتوا، صادر می‌کردند که از آن جمله ام سلمه، عایشه و حضرت فاطمه زهرا (س) که صحابه فتاوی آنها را اخذ می‌کردند و مقصود از فتوا، چیزی جز پاسخ مسأله نیست، خواه اینکه آن پاسخ با نص و عبارت روایت باشد، خواه با عبارت مجتهد (از راه به کارگیری اجتهاد در اصول احکام و قوانین کلی آنها که در کتاب و سنت وارد شده است). در نتیجه آن فروع تازه به اصول پایه بازگشت داده و قوانین کلی بر مصادیق خارجی منطبق گشته و حکم شرعی مسأله به دست می‌آید.» (جناتی، ۱۳۸۰، ص ۳۷۰)

ابن حزم در «معجم فقه» به همان میزان که به آرای فقهای مرد پرداخته و نظریات آنان را مورد بررسی و مناقشه قرار داده به آرای فقهای زن نیز پرداخته و آرای فقهی آنان را مورد مناقشه قرار داده است. وی آرای فقهی حدود ۲۰ زن از صحابه و ۴ زن از تابعین را نیز نقل کرده است.» (ص ۴۹)

«این قیم جوزی نیز زنان و مردان صاحب فتوی را به ۳ دسته (کثیرالفتوی - قلیل الفتوی - متوسط الفتوی) تقسیم کرده و ویژگیهای هر دسته را نام برده است.» (ص ۱۱)

از جمله فقهای زن صحابی عبارتند از: عایشه - ام سلمه - فاطمه دختر رسول خدا - حفصه - ام حبیبه - صفیه - میمونه - جویریة - اسماء دختر ابی بکر - زینب دختر ام سلمه - فاطمه دختر قیس - ام شریک حواء دختر تویت - سهله دختر سهیل - ام ایمن - عائله دختر زید - ام یوسف - ام عطیه - لیلی دختر قائف.

«از جمله فقهای زن در دوره‌ی تابعین نیز می‌توان از: ام کلثوم دختر ابوبکر - عایشه دختر طلحه - عمره دختر عبدالرحمان - ام درداء شامن نام برد.» (ابن حزم، ص ۴۹)

### بررسی شرطیت ذکورت مفتی از دیدگاه فقهای شیعه

فقهای متقدم و متأخر شیعه، اعتبار ذکورت را در مفتی و مرجعیت بیان نداشته‌اند. محقق در شرائع (۱۴۰۳ ق، ص ۳۴۴) مرحوم علامه در کتاب «قواعد» (چاپ سنگی - ص ۱۱۹) محقق کرکی در جامع المقاصد (۱۴۱۱ ق، ص ۴۹۰) شهید اول در شرح لمعه متعرض شرط ذکورت در مفتی نشده‌اند. شهید ثانی، اولین فقیهی است که از شرط ذکورت مفتی نام می‌برد. وی در شرح عبارت شهید اول می‌نویسد: «شرایط افتا عبارت است از: بلوغ، عقل و مرد بودن.» (ص ۴۱۸)

بنابراین فقها، تا شهید ثانی، متعرض شرط ذکورت در مفتی نشده‌اند.

مرحوم آیه‌الله سید محمد کاظم یزدی در رساله‌ی عروه الوثقی، ذکور بودن را در مفتی اعتبار کرده (مسأله ۲۲ از احکام ثقلیه) و راه را برای فقهای بعد از خود هموار نمود تا فتاوی خود را به صورت تعلیقه و حاشیه و شرح بر عروه منتشر کنند. اما در این میان مرحوم آیه‌الله حکیم معتقد است: بر این شرط (ذکورت مفتی) دلیل روشنی بر بجز انصراف اطلاعات ادله به مردان نداریم. وی این چنین می‌نویسد:

«این شرط (ذکورت مفتی) نیز از نظر عقلاء مانند دو شرط سابق (یعنی شرط ایمان و عدالت) است و بر این شرط دلیل روشنی به جز ادعای انصراف اطلاعات ادله بر مرد، و ادعای اختصاص به نص از ادله به مرد، وجود ندارد. اگر این ادعا را هم بپذیریم، باز به

طوری نیست که بتواند جلوی بنای عقلاء را بگیرد و گویا به همین دلیل است که یکی از محققین به جواز تقلید از زن و خنثی، فتوی داده است. (۱۴۰۴ ق - ص ۴۳)

در همه‌ی ادوار تاریخ فقه و اجتهاد می‌بینیم که زنان فقیه و مجتهده یکسان با مردان مورد پذیرش جامعه‌ی اسلامی بوده‌اند. با بررسی عصر تشریح و زمان صحابه و تابعین، به زنان فقیه‌ی برمی‌خوریم که احکام شرعی را برای مردان هم بیان می‌کردند، همان گونه که مردان در زمان پیامبر اعم از صحابه و تابعین، احکام را برای زنان بیان می‌کردند. (جناتی، ۱۳۸۰، ص ۳۷۱)

### اهلیت ثبوتی زن برای جواز تصدّی مرجعیت تقلید

می‌توان ادله جواز تصدّی مرجعیت تقلید برای زنان را چنین برشمرد:

#### الف) اطلاق آیات قرآن کریم:

در قرآن کریم آیاتی در جهت اثبات جواز تقلید در احکام دین، به کار رفته است که واژه‌های آن به طور یکسان شامل زن و مرد، هر دو می‌شود.

**الف - ۱) آیه نَفَر:** «فلولانفر من کل فرقه منهم طائفة لیتفقها فی الدین و لینذروا قومهم

إذا رجعوا الیهم.» (توبه، ۱۲۲)

«نتوانند مؤمنان که همگی به سفر روند. چرا از هر گروهی دسته‌ای به سفر نروند تا دانش خویش را بیاموزند و چون بازگشتند مردم خود را هشدار دهند.»

در این آیه، خداوند متعال همه‌ی مردم را (فارغ از جنسیت) موظف نموده که به تفقه در دین بپردازند و حرف متفقه و مجتهد را پذیرفته و به هنگام مراجعت اقوام خود را انذار کنند.

**الف - ۲) آیه ذکر:** «فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون» (نحل، ۴۳)

«پس از اهل ذکر بپرسید اگر نمی‌دانید.»

این آیه مردم را به پرسش از اهل ذکر فرا می‌خواند. «اهل ذکر» در این آیه شامل مردان و زنان است زیرا فرهنگ مسلمانان فرهنگ «ذکر» است که جاهل به عالم رجوع می‌کند.

**الف - ۳) آیه کتمان:** «ان الذین یکتُمون ما انزلنا من البینات...» (بقره، ۱۵۹)

آیه با صراحت بیان می‌دارد که آنانی که از ما انزل الله آگاهی دارند، نباید آنها را از مردم کتمان کنند. در این آیه تفاوتی بین کتمان‌کننده‌ی زن و مرد وجود ندارد.

**(ب) احادیث:**

**ب - ۱)** «اما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً لهواه، مطيعاً لامر مولاه

فللعوام ان يقلدوه» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق - ص ۸۸ / حرعاملی، ۱۳۹۳ ق، ص ۹۷۷)

در این حدیث میزان مراجعه در امر تقلید به فقیهان، فقاقت و اجتهاد می‌باشد نه جنسیت آنان. به عبارت دیگر هنگامی که فقیه به درجه‌ی اجتهاد و استنباط رسید و اجتهادش مشارکتی در معرفت حکم شرعی بود و مورد اطمینان مردم قرار گرفت، بر مردم است که از او تقلید کنند و او را مرجع خود قرار دهند. بنابراین، بین زن و مردم در این زمینه، فرقی وجود ندارد.

**ب - ۲)** «فاما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیکم و انا

حجة الله» (حرعاملی، ۱۳۹۳ ق، ص ۹۷۷)

در این روایت، امام (ع) راویان احادیث را مرجع مردم در حوادث واقعه قرار داده است. بدیهی است واژه‌ی (رواه احادیثنا) عام بوده و شامل زن و مرد هر دو می‌شود. به عبارت دیگر شیوه گفت و گو در آنها همان شیوه رایج و معمول عرفی است که در آن تعمیم وجود دارد و جنسیت در آن مطرح نشده است.

**(ج) سیره‌ی عملی پیامبر، امامان و مشرکان در این رابطه**

«ائمه (ع) همان گونه که مردم را برای اخذ احکام شرعی و وظایف الهی به مردان

ارجاع می‌دادند، به زنان واجد شرایط نیز ارجاع می‌دادند مانند حضرت زینب (س) که

سالها مرجع احکام الهی بوده‌اند و برای مردم احکام حلال و حرام را بیان می‌کردند و این مسؤولیت از جانب امام حسین (ع) به زینب (س) داده شده بود. (موسوی مقدم، ص ۲۱۸)

«امام صادق (ع) نیز مردم را به حمیده مصفاه که مرجعی عظیم بود و به همین دلیل، ملقب به زن طلائی شد ارجاع می‌دادند زیرا در فقاہت از اهلیت خاصی برخوردار بود.» (حر عاملی، ص ۱۷۷) چنانچه در رابطه با چگونگی اعمال حج برای کودکان امام (ع) به عبدالرحمان بن حجاج امر می‌کند که در این رابطه، مادر کودک از حمیده، سؤال نماید.

«امامہ تلقی حمیده فتسألها کیف تصنع بصبیانها» (کلینی، ص ۳۰۱)

«به مادرش دستور بده پیش حمیده رود و از او در این باره سؤال کند که کودکانمان چگونه اعمال حج را انجام دهند.»

آنگاه امام صادق (ع) می‌فرماید: «رب امراه افقه من رجل» (حر عاملی، ص ۱۷۷) چه بسا زنی از مرد فقیه‌تر باشد. یا در روایت دیگر می‌فرماید: «رب امراه خیر من رجل» (حر عاملی، ص ۱۷۷): چه بسا زنی از مرد برتر باشد.

«حکیمه، دختر امام نهم (ع)، خواهر امام دهم (ع) و عمه امام دوازدهم است که پس از غیبت امام دوازدهم (ع) رابط بین آن حضرت و شیعیان بود.» (مجلسی، ص ۱۴)

ام ابی محمد مادر امام حسن عسگری (ع) و همسر امام دهم (ع) نیز از جمله‌ی کسانی است که در زمان غیبت امام زمان (عج) مسؤولیت پاسخ‌گویی به مسایل و مشکلات دینی شیعیان را بر عهده داشته است.

بنابراین، حضرت زینب، حکیمه و ام محمد، هر کدام با تعیین و تائید امام معصوم (ع) عصر خود، پاسخ‌گوی مشکلات و مسائل دینی مردم بوده‌اند. احکام دین را از امام زمان خود دریافت و به مردم ابلاغ می‌کرده‌اند. کاری که امروزه، مرجع تقلید پس از تلاش و زحمت فراوان هم در بسیاری از موارد بر پایه ظن و گمان آنرا به امام معصوم (ع) منتسب می‌کند و برای مردم بیان می‌کند. (نجفی، ۱۳۷۲. ش، ص ۷۳)



**د) لزوم رجوع جاهل به عالم و نادان به دانا**

در دلیل عقلی، دانایی ملاک مراجعه قرار داده شده و این دلیل از مهمترین ادله تقلید بر شمرده شده و تفاوتی بین زن و مرد در آن دیده نمی‌شود. بنای عقلا در باب رجوع جاهل به عالم عرصه‌ای وسیع‌تر از آنست که جنسیتی خاص را در بر گیرد. از طرف شارع هم دلیلی بر محدود بودن این امر بیان نشده است. استاد شهید مطهری در این زمینه معتقد است:

«... دلیل عمده در باب تقلید بناء عقلاء است... و از نظر بناء عقلا که اصل اساسی تقلید است فرقی میان زن و مرد در این جهت نیست. [یعنی] همین طور که اگر مردی اعلم بود باید به او رجوع شود زنی [هم] اگر اعلم بود به او رجوع می‌کنند... بناء عقلاء این است که اگر یک نفر اعلم باشد و دیگری غیر اعلم، آن اعلم را، چه زن باشد و چه مرد، ترجیح می‌دهند ولو زن باشد.» (مطهری، ۱۳۷۱ ش، ص ۱۱)

**ادله عدم اهلیت زن برای جواز تصدّی مرجعیت تقلیدی از لحاظ ثبوتی و نقد و بررسی این دلایل**

قائلین به شرط ذکوریت در مرجعیت به ادله‌ای استناد می‌کنند که در ذیل نخست آن ادله را نقل و سپس بدان پاسخ می‌دهیم:

**الف) آیات قرآن**

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که قائلین به عدم جواز تصدّی مرجعیت برای زن بدان استناد می‌کنند از جمله:

- ۱- الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم (نساء، ۳۴) «مردان از آن جهت که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده است و از آن جهت که از مال خود نفقه می‌دهند، بر زنان تسلط دارند.»

## تقریب استدلال

خداوند مردان را قیم و سرپرست زنان قرار داده است. جواز تصدی مرجعیت تقلید برای زن، به معنای پیروی مرد از زن و قیام او به امور مردان است و این با آیه‌ی شریفه منافات دارد.

**پاسخ:** نخست آنکه آیه در مقام برتری دادن مردان بر زنان نیست. بلکه ناظر به امری واقعی و خارجی است و به موقعیت زن و مرد در زندگی مشترک می‌پردازد. در خانواده نیز به عنوان یک واحد اجتماعی، جایگاه زوج و زوجه را مشخص و گوشزد می‌کند. دیگر آنکه: دلیل اخص از مدعی است زیرا آیه شامل زنان و مردان مجرد نیست. «علاوه بر آن تعدادی از دانشمندان تفسیر مراد از (قوامون) در آیه را به معنای نگهداری و کفالت دانسته‌اند نه ولایت و حاکمیت. لذا چون قوامیت به مفهومی غیر از حق حاکمیت و ولایت آمده به معنای عهده‌داری تأمین اموری از قبیل نفقه، لباس و امثال آن را نمی‌توان دلیل بر عدم صلاحیت زن برای جواز تصدی مرجعیت تقلید قرار داد.» (جناتی، ص ۳۵۳)

کار مرجع و مفتی، بیان حکم خداست، هیچ گونه سلطه‌ای بر مقلدان خویش پیدا نمی‌کند آنچه او می‌گوید صرفاً بیان حلال و حرام است و اگر تعهدی و الزامی برای مقلدان می‌آورد به اعتبار حکم الهی می‌باشد نه به اعتبار فرمان مفتی. بنابراین، افتاء، موجب سلطه‌ی زن بر مرد نمی‌شود که به دنبال آن قیمومیت جنس مرد بر زن منافات داشته باشد. (نجفی، ص ۳۷)

۲- «... و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف و للرجال علیهن درجه» (بقره، ۲۲۸)

«برای زنان حقوقی شایسته است، همانند وظیفه‌ای که به عهده‌ی آنان است و مردان را بر زنان مرتبتی است.»

## تقریب استدلال

در این آیه از برتری مردان بر زنان سخن گفته شده است. در صورت تصدی مرجعیت تقلید برای زنان، آنان بر مردان برتری می‌یابند و این با آیه‌ی شریفه منافات دارد.

**پاسخ:** این آیه ارتباطی به موضوع مورد بحث ندارد. زیرا درباره‌ی زن مطلقه است. علاوه بر آن که درجه به معنای برتری ذاتی مرد بر زن نیست.

۳- «و قرن فی بیوتکن و لا تبرجن تبرج الجاهلیه الاولی» (احزاب، ۳۳)  
 «و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم، زینتهای خود را آشکار مکنید.»

## تقریب استدلال

چون تصدی مرجعیت توسط زنان نیاز به قرار گرفتن آنان در صحنه‌های اجتماعی و ارتباط با مردان اجنبی را در پی دارد، لذا آنان نمی‌توانند این مقام را احراز کنند.

**پاسخ:** آیه اختصاص به زنان پیامبر داشته و به فرض عمومیت، امرار شادی است نه الزامی.

- زن می‌تواند با رعایت حجاب اسلامی، در صحنه‌های اجتماعی حضور یابد. بنابراین هیچ فقهی به معنای ظاهر این آیه شریفه، به خانه‌نشینی زنان، فتوا نداده است. استاد مطهری در این زمینه معتقد است:

«باب افتاء، فقط به علم کار دارد، مفتی در خانه‌ی خود نشسته است، دارد کار می‌کند، فکر می‌کند و فتوا می‌دهد، فتوا را هم در رساله‌اش می‌نویسد و مردم هم باید عمل کنند. نه احتیاج دارد بیاید در اجتماع بزرگ و با مردم سر و کله بزند و نه احتیاج دارد قساوت قلب داشته باشد.» (مطهری، ص ۱۲)

### اثبات نهی شرعی جواز تصدی مرجعیت تقلید زنان از نظر سنت

برای اثبات نهی شرعی از جواز تصدی مرجعیت تقلید زنان، به تعدادی از احادیث استدلال شده که مهمترین آن احادیث عبارتند از:

۱- حسنه ابی خدیجه

«ایاکم ان یحاکم بعضکم بعضاً الی اهل الجور لکن انظروا الی رجل منکم یعلم شیئاً من قضايانا، فاجعلوه، بینکم، فانی قد جعلته قاضیاً فتحاكموا الیه» (حر عاملی، ص ۱۳)

«پرهیزید از این که برای داوری نزد حکام جور بروید، بلکه بنگرید به مردی از میان خودتان که از قضایا آگاهی دارد...».

#### تقریب استدلال

این حدیث اگر چه در ارتباط با باب قضا است و به موضوع مورد بحث ارتباط ندارد ولی با این وصف اگر نگوییم منصب افتاء بالاتر از قضا بوده حداقل مساوی با آن است. زیرا قضا نیز حکمی شخصی بین دو یا چند نفر برای رفع تخاصم می باشد ولی فتوا حکمی کلی و برای همه مردم است.

**پاسخ:** اخذ عنوان «رجل» در موضوع عدم مراجعه به حکام جور به جهت تقابل با حکام جور بوده است. لذا اخذ عنوان رجولیت به دلیل غلبه بوده و به خاطر تعبّد و انحصار قضاوت در رجال نیست.

«هیچ دلیلی به وجود تلازم بین باب قضا و فتوا نیست اینکه آنچه در باب قضا معتبر است، در باب فتوی هم معتبر باشد.» (غروی تبریزی، ۲۲۶-۲۲۴)

۲- مقبوله عمر بن حنظله

«ینظر ان من کان منکم ممن قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا، فلیرضوا به حکماً» (حر عاملی، ص ۱۲۶، باب ۱۱ از ابواب صفات قاضی، ح ۱)

«هر کس از میان شما که راوی حدیث ماست و به حلال و حرام ما نظر دارد و احکام ما را می شناسد، حکمیت و داوری او را بپذیرید.»

## تقریب استدلال

تکیه بر ضمیر مذکر منکم در (ینظر ان من کان منکم) نشان دهنده‌ی عنایتی است که اسلام به جنس مذکر دارد. وقتی برای داوری بین مردم که بیان حکم جزئی و خاص است، مرد بودن شرط باشد، فتوا که بیان حکم کلی است و مورد اطلاق به عموم مردم می‌باشد، چگونه می‌تواند مشروط به چنین شرطی نباشد.

**پاسخ:** روایت از نظر سند ضعیف است.

«کلمه‌ی «من کان» مطلق است و اختصاص به رجال ندارد.» (غروی تبریزی، ۲۲۶)  
بنابراین دلیلی که رجولیت در مرجع تقلید معتبر است، وجود ندارد.

## اثبات نهی شرعی جواز تصدی مرجعیت تقلید زنان از نظر نصب و جعل

## تقریب استدلال

مرجعیت به دلیل منصب است و نیاز به نصب و جعل دارد و زنی به این عنوان نصب نشده است.

**پاسخ:** مرجعیت از باب خبره بودن است نه از باب منصب تا آنکه نیاز به نصب

داشته باشد. (جناتی، ص ۳۷۷)

## اثبات نهی شرعی جواز تصدی مرجعیت تقلید زنان از نظر اجماع

بعضی از فقها برای اثبات نهی شرعی تصدی مرجعیت زنان به اجماع تمسک کرده‌اند. (شهید ثانی، کتاب قضای شرح لمعه) اما اجماعی بودن مسأله سخت مورد تردید است. نخست آنکه: چنانچه قبلاً گفته شد - قبل از شهید ثانی، این فتوا در میان فقهای شیعه مطرح نبوده است. دیگر آنکه: اجماع مذکور، اجمال محصل نیست بلکه اجماع مقطوع المدرکیه است. بنابراین لازم است مدرک آن اجماع مورد تأمل قرار گیرد زیرا حجیت آن مدرک و دلالت آن مهم است و به نظر می‌رسد که مدرک معتبری برای نهی شرعی وجود ندارد.

### اثبات نهی شرعی با استناد به انصراف اطلاعات

مرحوم آیت الله سید محسن حکیم طباطبایی می فرماید:  
 «اما اعتبار «مردی» مانند برخی از شروط دیگر اجتهاد نزد عقلا است که دلیلی ندارد  
 جز ادعای انصراف اطلاعات ادله بر مرد و اختصاص بعضی از ادله به او.» (حکیم، ۱۴۰۴  
 ه.ق، ص ۴۳)

استاد مطهری نیز در این زمینه چنین می نویسد:  
 «ما هیچ دلیلی بر عدم تصدی مرجعیت تقلید برای زنان نداریم غیر از اینکه کسی  
 ادعا کند که ادله ما منصرف به مرد است.» «منصرف به مردم است» یعنی چه؟ یعنی  
 وقتی مثلاً گفتند فقیه، مقصود مرد است.» (مطهری، ص ۱۱)  
 آیت الله حکیم خود به این اشکال پاسخ داده و استاد مطهری نیز نظر ایشان را تأیید  
 کرده است.

ایشان در ادامه‌ی استدلال خود چنین می گویند:  
 «اگر چنین چیزی وجود داشته باشد، آن گونه نیست که برای طرد بنای عقلا،  
 صلاحیت داشته باشد و برای همین خاطر بعضی از محققان به جواز تقلید زن و خنثی  
 فتوا داده‌اند.»

یکی از محققین معاصر پس از اینکه این دلیل را مورد نقد و اشکال شدید قرار  
 می دهد چنین می نویسد:  
 نخست آنکه: انصراف در بین نیست.

دیگر آنکه: «بر فرضی که باشد بدوی است و هیچ فقهی قائل به اعتبار انصراف  
 بدوی نیست. زیرا انصراف معتبر آن انصرافی است که به منزله‌ی قید در کلام باشد به  
 گونه‌ای که به خروج منصرف عنه از تحت اطلاق اگر تصریح شود، توضیح واضح  
 است. ما انصراف اینگونه‌ای را که انصراف معتبر است در فرض مسأله نداریم.» (جناتی،  
 ص ۳۷۷)

## اثبات نهی شرعی با استناد به مذاق شریعت

## تقریب استدلال

با استفاده از مشرب شارع مقدس چنین بیان می‌کنیم: وظیفه‌ای که از زنان انتظار می‌رود و مورد پسند است عبارت است از تحجّب و پوشش و تصدّی امور منزل و عدم دخالت در اموری که با این امور، منافات داشته باشد. و در ظاهر تصدی امر فتوی (عادتاً) مساوی است با قرار دادن خویش در معرض سؤال و جواب مردم زیرا ریاست مسلمین چنین اقتضایی دارد در حالی که شارع هرگز راضی نیست زنان، خود را در معرض چنین کاری قرار دهند. چرا که در مسأله‌ای همچون امامت جماعت شارع اجازه‌ی امامت جماعت را برای زنان صادر نکرده است، بنابراین چگونه ممکن است که راضی باشد زنان امور مردان و مدیریت امور جامعه و تصدّی زعامت کبرای مسلمین را بر عهده بگیرند؟

امر قطعی ارتکازی در اذهان متشرعه، اطلاق سیره‌ی عقلا مبنی بر رجوع جاهل به عالم اعم از مرد یا زن، تقیید می‌خورد. (غروی تبریزی، ص ۲۲۶-۲۲۴)

**پاسخ:** آیت‌الله غروی تبریزی در «التنقیح فی شرح العروه الوثقی» که تقریر بحث‌های آیت‌الله خوئی است پس از بیان مطالب بالا، اشکالاتی را که بر متن بالا وارد است چنین بر می‌شمرند:

۱- این که وظیفه مطلوب زنان عبارت از تحجّب و تصدی امور منزل و عدم دخالت در اموری که با این وظایف در تضاد باشد مستند به چیست؟... چگونه این فقیه برجسته، تصدی امور خانگی و خانه‌داری را از وظایف شرعی زنان به شمار می‌آورند، بدون این که سندی وجود داشته باشد که بدان استناد کند.

۲- فرض مسأله در مورد شرائط مفتی است و هیچ لزومی بین افتاء و ریاست مسلمین وجود ندارد.

۳- چه منافاتی بین مرجعیت زن در احکام شرعی و حفظ شوون زنانگی و اموری از قبیل تحجّب و پوشش وجود دارد؟

۴- «ممنوعیت زن از امامت جمعه و جماعت رجال چه ارتباطی با این مسأله دارد که زن نتواند احکام شرعیه را از روی اجتهاد و نظر بیان کند.» (همان، ص ۲۲۶-۲۲۴)

به طور کلی می‌توان گفت مرجعیت هیچگاه با تستر و پوشش اسلامی منافات ندارد، زیرا زن از راه پرسش و پاسخ و با حجاب اسلامی می‌تواند به پرسشهای مردم پاسخ دهد و هیچگاه از شرایط مرجعیت و استنباط این نیست، شخصی که مسایل را استنباط می‌کند بایستی فاقد حجاب اسلامی باشد.

### نتیجه‌گیری

اسلام برای زنان همچون مردان همه مزایای اجتماعی، و حقوقی و سیاسی را در نظر گرفته است و هیچ گونه تفاوتی بین آنها نگذاشته است. متابعت و پیروی کردن زن مجتهد از مجتهدان مرد را رد کرده و زن مجتهد را در اجتهاد خود مستقل پذیرفته است، حتی اگر با مجتهد مرد در رأی و نظر مخالف باشد.

سخن را با این جمله از استاد مطهری به پایان می‌رسانیم که:

«در باب افتاء به طور قطع هیچ دلیلی بر این نداریم که «افتاء» منحصر به مرد است و زن اگر شرایط را دارا باشد، مساوی مرد است [و] مانند مرد می‌تواند مرجع تقلید باشد. اگر فرض کنیم در شرایطی هستیم که یک زن وارد [و عالم] شده است و این زن از مردها [ی دیگر] اعلم است، عادل هم هست و دیگر شرایط را هم دارد، روی ادله فقهی باید بگوییم تقلید از آن زن جایز است، بلکه تقلید از آن زن واجب است.»



## منابع:

## الف) کتابها

- ۱- ابن حزم، ابومحمد، الاحکام فی اصول الاحکام، دارالکتب العلمیه، دمشق، بی تا.
- ۲- ابن حزم، ابومحمد، مقدمه معجم فقه، ۲ جلد در ۱ مجلد، دارالفکر للطباعه و النشر، دمشق، بی تا.
- ۳- ابن قیم جوزیه. ابو عبدالله محمد بن ابن بکر، ۱۳۷۴ هـ. ش. اعلام الموقعین عن رب العالمین، ج ۱، المکتبه التجاریه الکبری، مصر.
- ۴- ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۴۰۸ هـ. ۱۹۸۸ م، ج ۱۵، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی.
- ۵- ابوعلی، محمد بن حسین بن فراء، ۱۴۰۶ هـ. ق ۱۳۶۴ هـ ش، الاحکام السلطانیه، مکتب الاعلام الاسلامی، قاهره.
- ۶- اصفهانی، راغب، ۱۳۷۶ هـ. ش، المفردات فی غریب القران، نشر مرتضوی، تهران.
- ۷- جناتی، محمد ابراهیم، ۱۳۸۰ هـ. ش، روشهای کلی استنباط در فقه از منظر فقهای اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران.
- ۸- حکیم، محسن، ۱۴۰۴ هـ. ق. ۱۳۶۲ هـ. ش، مستمسک العروه الوثقی، ج ۱، مکتبه آیه الله مرعشی، قم.
- ۹- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۹۳ هـ. ق، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۱، باب ۸ از ابواب نیابت در حج چاپ سوم، مکتبه الاسلامیه، تهران.
- ۱۰- شهید اول، محمد بن مکی، ۱۳۷۳ هـ. ش، الروضه البهیة فی شرح اللمعه البهیة فی شرح اللمعه البهیة، ج ۲، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
- ۱۱- الطریحی، فخرالدین، ۱۴۰۸ هـ. ش، مجمع البحرین، ج ۳، چاپ دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

- ۱۲- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، قواعد الاحکام، چاپ سنگی، بی‌نا، بی‌تا.
- ۱۳- غروی تبریزی، علی، التنقیح فی شرح عروه الوثقی (تقریرات درس آیة الله خوئی)، ج ۱، دارالهادی، قم، بی‌تا.
- ۱۴- کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، ج ۴، دارالاضواء، بیروت، بی‌تا.
- ۱۵- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب، الاحکام السلطانیة، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی‌تا.
- ۱۶- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ هـ. ق. - ۱۹۸۳ م، بحار الانوار الجامعه لدر اخبار الائمة الاطهار، ج ۲ و ج ۲۷ و ج ۵۱، دار احیاء التراث العربی بیروت.
- ۱۷- محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن، ۱۴۰۳ هـ. ق، شرایع الاسلام، ج ۱، چاپ دوم، دار لاضواء، بیروت.
- ۱۸- محقق کرکی، علی بن عبدالعالی، ۱۴۱۱ هـ. ق، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۳، مؤسسه آل‌البیت، قم.
- ۱۹- موسوی مقدم، عبدالرزاق، مقتل الحسین، ج ۱ بی‌تا، بی‌نا.
- ۲۰- یزدی، محسن، ۱۴۰۴ هـ. ق. - ۱۳۶۲ هـ. ش، مستمک العروه الوثقی، ج ۱، مکتبه آیة الله مرعشی، قم.

### ب) مقالات

- ۱- محمدی گیلانی، مقاله «بررسی شرط مرد بودن مفتی» مجله فقه اهل بیت - ش ۱۳، بهار ۱۳۷۷ (ه. ش).
- ۲- مطهری، مرتضوی، مقاله «زن و مرجعیت» مجله پیام زن، ش ۱۱، بهمن ۱۳۷۱ (ه. ش).
- ۳- نجفی، محمد حسین، مقاله «زن و مرجعیت»، مجله کاوشی در فقه، ش ۱، بهمن ۱۳۷۲ (ه. ش).

# نظریات اجتماعی فمینیستی کلاسیک

دکتر هما زنجانی زاده\*

## چکیده

ویژگی نظریه فمینیستی آنست که نقطه شروع همه بررسی‌هایش، موقعیت و تجربه‌های زنان در جامعه است. نظریات اجتماعی فمینیستی کلاسیک، نظریات زنان هوشمندی است که در جستجوی امکاناتی برای بهبود علوم اجتماعی بوده‌اند، ولی جامعه‌شناسی متعارف همواره در مورد حضور زنان و تولید جامعه شناختی آنان مقاومت کرده است، و تا بحال این چهره‌ها کمتر شناخته شده‌اند. در این مقاله به معرفی نخستین جامعه‌شناسان زن و مقولات کلیدی و روش شناختی آنان می‌پردازیم.

**کلمات کلیدی:** نظریه فمینیستی، نقد فمینیست‌ها، جامعه‌شناسی فمینیستی کلاسیک.

یکی از عجیب‌ترین خصلت‌های نظریه اجتماعی معاصر اینست که در حالی که می‌خواهد گفتارهای جامعی را درباره‌ی جامعه انسانی بیان کند، بدیهی‌ترین و عمومی‌ترین واقعیت، یعنی تفاوت‌های جنسیتی و نابرابری‌های جنسیتی را نادیده می‌انگارد. این مطلب می‌تواند خود شاهدهی بر سلطه‌ی پدرسالاری در جامعه‌شناسی باشد. در حالی که در مورد همه‌ی وجوه زندگی نظریه‌پردازی شده است و همه‌ی آنها حاصل ساخت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، جنسیت به عنوان پدیده‌ای طبیعی قلمداد شده که لزومی برای تبیین آن وجود ندارد.

نگاهی اجمالی به کتاب‌های نظریه‌های جامعه‌شناسی نشانگر آن است که ارائه‌ی نظریات فمینیستی در این کتاب‌ها، مقوله‌ای جدید است. (نگاه کنید به Lemert, 1999, Ritzer, 2001, 1996, Turner, J. 1998). اندیشمندان دیگر همچنان حضور نظریات فمینیستی را در جامعه‌شناسی نادیده می‌انگارند. این مسئله نشان می‌دهد که جامعه‌شناسی «دانشی است زیر سلطه مردان، و این واقعیت برای نظریه‌ها، روش‌ها، تحقیقات و آموزش این دانش متضمن آثار و تبعات اساسی است.» (ابوت و والاس، ۱۳۷۶: ۱۷). عدم وجود نظریات فمینیستی در کتاب‌های نظریه‌های جامعه‌شناسی نشانگر آن است که جامعه‌شناسی رشته‌ای مردانه است و در مورد حضور زنان و تولید دانش جامعه‌شناختی، ایستارهای دوگانه‌ی متضاد دارد و بخصوص در برابر این حضور مقاوم است. زیرا ایستار تبعیض جنسی (*Sexism*)، پذیرفتن آثار فکری زنان را به عنوان اثری فکری دشوار می‌سازد و از سوی دیگر بین تمایلات یک علم عینی جامعه‌شناختی مردانه و نگرش جامعه‌شناختی انتقادی و فعال، حضور فعال زنان پنهان نگه داشته شده است. می‌توان گفت که «از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ زنان زبان به بیان این واقعیت گشودند که جامعه‌شناسی متعارف ربطی به تجارب آنان ندارد، زیرا جهان را صرفاً از دید مردان بررسی می‌کند. فمینیست‌ها به این نتیجه رسیدند که جامعه‌شناسی به رغم ادعایش در مورد بی‌طرفی، جانب مردان را دارد. بنا بر استدلال دوروتی اسمیت (1979)، علت این امر آن بود که تجربیات و علائق زنان را

شخصی و بی‌اعتبار می‌دانستند، ولی تجربیات و علائق مردان را مبنای پیدایش دانش واقعی می‌پنداشتند.» (ابوت و والاس، ۱۳۷۶: ۲۴).

از آغاز دهه ۱۹۷۰، یکی از چالش‌های موجود در برابر جامعه‌شناسی متعارف از سوی نظریه‌پردازان فمینیست آن بوده که جایگاه زنان و تجارب زنان در جامعه‌شناسی، چه به عنوان موضوع تحقیق و چه به عنوان تولیدکننده نظریه، بسیار اندک بوده و به طور کلی جامعه‌شناسی از وجود «جهان زنانه» غافل بوده‌است. در نتیجه دانش جامعه‌شناختی، زنان را طوری تصویر می‌کرد که مردان می‌دیدند، نه آن طور که خودشان می‌دیدند (همان: ۲۴). نظریه‌پردازان فمینیست انتقادی، ره‌یافت روش‌شناختی دیگری را پیشنهاد نمودند که با سپهر اجتماعی زنان آغاز می‌شود و دیدگاه زنان در جامعه را نشان می‌دهد.

هرگاه فمینیسم را به عنوان «آئینی که طرفدار گسترش حقوق و نقش زن در جامعه است» (میشل، ۱۳۷۷) تعریف کنیم و این اصل را قبول کنیم که تفکر از عمل جدائی‌ناپذیر است، نظریه فمینیستی بخشی از یک رشته پژوهش درباره زنان است که سعی می‌کند ویژگی زندگی اجتماعی را از چشم‌انداز زنان بررسی کند. این نظریه از سه جهت متکی به زنان است: نخست آنکه موضوع عمده و نقطه شروع همه بررسی‌هایش موقعیت و تجربه‌های زنان در جامعه است، دوم آنکه، این نظریه زنان را به عنوان موضوع کانونی در تحقیق در نظر می‌گیرد، یعنی جهان را از دیدگاه متمایز زنان در جهان اجتماعی نگاه می‌کند و سوم آنکه این نظریه، دیدگاه انتقادی و فعالانه‌ای به سود زنان دارد و در پی آنست که جهان بهتری را برای زنان بسازد (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۶).

نظریه فمینیستی صرفاً جامعه‌شناختی نیست، بلکه حاصل کار متفکران رشته‌های مختلف است. بطور کلی می‌توان گفت همیشه یک نوع چشم‌انداز فمینیستی وجود داشته‌است به عبارتی هر کجا که زنان سرکوب شده‌اند، زنانی هم بوده‌اند که آن را مورد اعتراض قرار داده‌اند.

### نظریه‌ی جامعه‌شناختی فمینیستی

درباره‌ی نابرابری‌ها، در جامعه‌شناسی نظریات متفاوتی وجود دارد، اما آنچه که نظریه فمینیستی را از دیگر نظریات نابرابری‌ها متمایز می‌کند، خصوصیات است که خانم جانت چافتز بر می‌شمارد. چافتز معتقد است یک نظریه را وقتی می‌توان فمینیستی دانست که بتواند وضع موجود را به چالش بکشد و وضعیتی که منجر به بی‌ارزشی و بی‌اعتباری زنان می‌شود را تغییر دهد. او معتقد است سه عنصر نظریه جامعه‌شناختی فمینیستی عبارتند از: نخست آنکه در این نظریه جنسیت موضوع اصلی و اساسی به شمار می‌رود. یعنی نظریه فمینیستی در جستجوی آنست که ماهیت جنسیتی همه‌ی روابط اجتماعی، نهادها و فرایندها را دریابد. دوم آنکه روابط جنسیتی به عنوان یک مسئله در نظر گرفته شود. به عبارتی نظریه فمینیستی در جستجوی آن است که بفهمد چگونه جنسیت به نابرابری اجتماعی، تنش‌ها و تضادها مربوط می‌شود و بالاخره، روابط جنسیتی طبیعی و غیر قابل تغییر در نظر گرفته نمی‌شوند. بلکه به عنوان وضعیت مبتنی بر جنسیت، حاصل نبردهای تاریخی و اجتماعی فرهنگی در نظر گرفته می‌شوند که توسط انسان‌ها در گذشته ایجاد شده‌اند و دائماً نیز در حال شکل‌گیری است و بنابراین بالقوه می‌توانند توسط عوامل انسانی تغییر کنند (Chafetz, 1988:5).

اما آنچه را باید در مورد نظریات جامعه‌شناختی فمینیستی بخاطر داشت این است که این نظریات یک پارادایم منسجمی را تشکیل نمی‌دهند. به عبارتی فمینیست‌ها در مورد این که فهم جامعه‌شناختی چگونه باید بار دیگر بازسازی شود تا از انتقادات مصون بماند، اختلاف نظر دارند. با وجود این می‌توان گفت همه بر این اعتقادند که جنسیت صورت اساسی تقسیم اجتماعی در درون جامعه است و همچنین منشاء ستم و نابرابری را در ساختار پدرسالار جامعه و نهادهای آن می‌دانند.

فمینیست‌ها معتقدند که جامعه‌شناسی تا به حال چهار نکته اساسی را مورد توجه قرار داده‌است که منجر به نابرابری جنسیتی در جامعه‌شناسی شده‌است:

۱- عناوین و موضوعات تحقیق مربوط به زنان حذف شده و یا تقلیل یافته‌است.

- ۲- بر بخش‌هایی از زندگی اجتماعی که مردان بر آن تسلط بیشتری دارند، متمرکز شده است.
- ۳- از پارادایم‌ها، مفاهیم، روش‌ها و نظریاتی که بیشتر تجارب مردان را به تصویر می‌کشد استفاده شده است.
- ۴- از مردان و سبک زندگی مردانه به عنوان هنجار استفاده می‌شود و از این طریق پدیده‌های اجتماعی تفسیر می‌شوند (Turner, Janathan, 1988: 575).
- به عبارتی جامعه‌شناسی در بهترین حالت، کورجنس و در بدترین حالت جنس‌گرا است، یعنی جامعه‌شناسی در بهترین حالت تشخیص نمی‌دهد که مردان و زنان از جایگاه ساختاری همانندی برخوردار نیستند و در نتیجه تجارب یکسانی هم ندارند و از آن جایی که جنس، متغیر تبیینی مهمی است، پس در بدترین حالت، جامعه‌شناسی تجارب زنان را عملاً نادیده می‌گیرد و یا غیر واقعی نشان می‌دهد. (ابوت، پ و والاس، کالر، ۱۳۷۶: ۲۶).
- «آن اوکلی» برای این جنس‌گرایی [تبعیض جنسی] در جامعه‌شناسی «تبیین‌های زیر را پیشنهاد کرده است:
- ۱- جامعه‌شناسی از ابتدا جانبدار بوده است.
  - ۲- جامعه‌شناسی عمدتاً حرفه‌ای مردانه تلقی شده است.
  - ۳- ایدئولوژی جنسیت (gender) به جهانی می‌انجامد که با شیوه‌های خاص ساخته می‌شوند... و آشکار است که این سه عامل به هم مربوط‌اند. فرض‌های مبتنی بر [تبعیض جنسی] جنس‌گرا از ابتدا در جامعه‌شناسی پا گرفته‌اند» (همان: ۲۶).
- با توجه به رشد جامعه‌شناسی به عنوان یک رشته آکادمیک در قرن نوزدهم می‌توان از نظریات فمینیستی کلاسیک و مدرن سخن گفت. ما در اینجا صرفاً به نظریات کلاسیک می‌پردازیم. یعنی مقارن با زمانی که جامعه‌شناسی به عنوان یک رشته علمی مطرح می‌شود و همان زمان که تغییرات اجتماعی به تقسیمات جدید طبقاتی و رشد خودآگاهی سیاسی منجر می‌شود. نظریه‌ی فمینیستی حاصل کار در چندین رشته علمی است و جامعه‌شناسان فمینیست خواهان رشد فهم انتقادی از جامعه هستند تا جهان را

دگرگون کنند و از این رو در آن تندروی‌های بسیاری به چشم می‌خورد. شاید یکی از دلائلی که جامعه‌شناسان در گنجاندن این نظریات در آثار جامعه‌شناسی خود اکراه داشته‌اند، همین رادیکالیسم بوده‌است.

در اواسط دهه ۱۹۸۰ ثورن و اس تی سی (Stacey and thorn, 1985) معتقد بودند که نظریه‌ی فمینیستی تأثیر اندکی در چشم‌اندازهای نظری اساسی در جامعه‌شناسی داشته‌است. آنان معتقد بودند که پارادایم جنسیتی منجر به بهبود فهم و درک، بخشی شدن جنسیتی در بازار کار، سلطه‌ی مرد در خانواده، خشونت جنسیتی و همچنین ساخت طبقاتی می‌شود. یک پارادایم فمینیستی در روابط اجتماعی به زنان و جنسیت، جایگاه اساسی و مرکزی خواهد داد ولی طبعاً مسائل جدید و رادیکال در مورد زنان و جنسیت را ایجاد می‌کند و در مورد جوامع سرمایه‌داری صنعتی شناخت بهتری را ارائه می‌کند.

سالها بعد آکر (Acker, 1989:74) همین موضوع را در مورد بحث قرار می‌دهد و درصدد آنست که تبیین کند چرا جامعه‌شناسی، انقلاب فمینیستی را تجربه نکرده‌است و تغییرات پارادایم را به خود ندیده‌است. او پاسخ این مسئله را هم در سازمان رشته علمی جامعه‌شناسی و هم عدم توسعه نظریه فمینیستی می‌داند. اما با همه اینها باید متذکر شد که جامعه‌شناسی بیش از دیگر رشته‌ها چون اقتصاد، پذیرای نظریات فمینیستی بوده و به‌خصوص حوزه قشربندی‌های اجتماعی، جنسیت را منشاء نابرابری می‌داند و در تحلیل بازار کار، همواره جنسیت بعدی مهم به شمار می‌آید. مقوله‌ای که ضروری است و به گفته اسملسر (Smelser, 1994:318) باید چارچوب ترکیبی (سنتتیک) ایجاد شود که بسیاری از مقولات جامعه‌شناختی چون قشربندی، تحلیل جنسیتی، نظریه مارکسیستی، پلی بین ماکرو و میکرو، خصوصی و عمومی و عینی و ذهنی ایجاد کند.

### نظریات فمینیستی کلاسیک

منظور از نظریات فمینیستی کلاسیک، آثاری است که بین سالهای ۱۸۳۰ و ۱۹۳۰ بوسیله زنانی که درصدد یافتن امکاناتی برای بهبود علوم اجتماعی هستند، به وجود



آمده است. نظریاتی که درباره جامعه و روابط اجتماعی بوده و مرکز ثقل آن آگاهی زنان و نقد سلطه است. به طور کلی نظریات اجتماعی فمینیستی کلاسیک، ریشه در رشد نظریه سیاسی غربی در قرن ۱۸ دارد و به وجود آمدن این اعتقاد که بهبود وضعیت اجتماعی صرفاً از طریق علم جامعه یا جامعه‌شناسی امکان‌پذیر خواهد بود و همچنین اعتراض زنان به فرودستی و کهنتری آنان و مبارزه برای به دست آوردن حقوق سیاسی است، که موج اول بسیج فمینیستی نامیده می‌شود. این اعتراض زنان هم در اروپا و هم در امریکا منجر به جنبش زنان برای بدست آوردن حقوق سیاسی شد که خود به پیدایی نظریات فمینیستی انجامید (Ritzer & Smart, 2001: 125).

خانم آندره میشل در کتاب فمینیسم می‌نویسد: «قرن نوزدهم قرن سرمایه‌داری (وحشی) است که در ابعاد جهانی گسترش می‌یابد و با ظهور امپریالیسم و استعمار، مبادله جهانی می‌شود، بنابراین رقابت شدت می‌گیرد و به شکل بحران‌های ادواری تجلی می‌یابد، قوانین اجتماعی حمایت‌کننده در میان اشک و آه کارگران زن ملغی می‌شود... بحث درباره‌ی کار زنان که در قرن ۱۶ آغاز می‌شود، در قرن ۱۹ اتحادی علیه آن صورت می‌گیرد. متفکرین اجتماعی چون لویله و پرودون سوسیالیست در جرگه مخالفان قرار دارند» (میشل، ۱۳۷۷: ۷۸).

هر چند متفکرین فمینیست کلاسیک بیشتر به دوره ۱۹۳۰-۱۸۳۰ تعلق دارند، زنانی نیز بوده‌اند که قبل از پیدایی علم جامعه‌شناسی (قرن ۱۹) آثاری را منتشر کرده‌اند که لزوماً جامعه‌شناختی نیستند، آثاری که پیدایی آن به قرون ۱۷ و ۱۸ بر می‌گردند. قرن ۱۸ قرن عصر انتقال از اقتصاد فئودالی به اقتصاد صنعتی است [و یا بهتر بگوئیم اقتصاد طبیعی به اقتصاد بازار]. عصری که جهانی نوین جانشین جامعه فئودالی کهن می‌شود و این انتقال به قیمت استثمار مستعمرات و جنگ میسر می‌شود (میشل، ۱۹۷۷: ۶۳). هر چند قرن ۱۸ برای زنان قرن ظلمت نامیده شده، اما ابتکار فمینیستی در تمام طبقات اجتماعی وجود داشته و فعالیت‌های اجتماعی متنوعی برای زنان صورت گرفته است. ماری ول استون کرافت (۱۷۹۷-۱۹۵۹) در سال ۱۷۹۲ با الهام از انقلاب فرانسه، یک مقاله فمینیستی تحت عنوان «دخواستی برای حقوق زنان» منتشر کرد که در آن علیه آئین

روسو و ایستار انقلابیون فرانسه و بورژوازی تمامی کشورها که دختران را از برابری آموزش با پسران محروم می‌کنند، شورید. او بشدت هر چه تمامتر از نقش آموزش و پرورش که دختر خردسال را به وابستگی و طنازی سوق می‌داد پرده برداشت. کاری که سیمون دوبووار یک قرن و نیم بعد انجام داد: برخلاف ادعاهای ژان ژاک روسو نمی‌توان از طبیعت «زنانه» مدد گرفت تا نقش زنان را محدود به کلفتی در خانه و خدمتگزاری همسر نمود. او با اطمینان از این گفتار خود پیامی را نشر می‌دهد که هنوز هم پیام فمینیست‌های امروزی است. «وقت آن رسیده است که انقلابی در رسوم زنانه پدید آید و به زنان عزت و شرافت از دسته رفته‌شان را باز گرداند تا زنان به عنوان عضوی از جامعه انسانی سهمی در اصلاح جهانی داشته باشند» (میشل، ۱۳۷۷:۶۸).

فهرست زنان متفکری که پیش از آنکه تفکر علوم اجتماعی شکل بگیرد، به مسائل زنان پرداخته‌اند بسیار گسترده است به نمونه‌های زیر بنگرید: مری آستل (۱۸۶۷-۱۷۳۱) - ماری مونتگ (۱۷۶۲-۱۶۸۹)، کاترین مک اولی (۱۷۹۱-۱۷۳۱)، آبی گیل آدامز (۱۸۱۸-۱۷۴۴)، جودیت سرجنت موری (۱۸۲۰-۱۷۵۱)، ماری ول استون کرافت (۱۷۹۷-۱۷۵۹)، ژرمن دواستال (۱۸۱۷-۱۷۶۶) و بالاخره کسانی که بیشتر آرای فمینیستی آنها فلسفی، سیاسی و یا ادبی است به جای آنکه جامعه‌شناختی باشد مثل مارگرت فولر، هاریت تایلور میل... (Ritzer and Smart, 2001).

پایه‌گذار نظریات فمینیستی کلاسیک، زنان هوشمندی هستند که سعی نموده‌اند نظریه‌ی نظام‌مند را درباره‌ی جامعه گسترش دهند. فهرست اسامی این زنان فرهیخته هم از نظر حوزه‌ی کار و هم تعلقات جغرافیائی متنوع است. باید این نکته را بخاطر داشت که این نظریات و تولید آنها بین سال‌های ۱۹۳۰-۱۸۳۰ اتفاق افتاده است یعنی زمانی که جامعه‌شناسی مردانه رشد زیادی می‌کند. این زنان نظریه‌پرداز، چهره‌های برجسته‌ای بودند که حتی جامعه‌شناسان [مرد] که جامعه‌شناسی متعارف را ایجاد کرده‌اند بر توانائی‌های آنان معترف بودند، زمانی که گروه مردان جامعه‌شناس در بهترین حالت نسبت به حضور زنان و تولید جامعه‌شناختی نگرش دوگانه و متضاد داشتند در نتیجه به

علت ایستارهای مبتنی بر تبعیض جنسیتی، پذیرفتن آثار فکری زنان به عنوان محقق و مؤلف دشوار بود و بنابراین در برابر پذیرفتن آنان [زنان] مقاومت می‌شد و همه‌ی اینها همراه با تضاد رو به رشد بین تمایل برای علمی عینی و تعمیم‌دهنده، در جامعه‌شناسی مردانه و تفکر اجتماعی فمینیستی کلاسیک با نگرش انتقادی، در گذر زمان منجر به حذف، پاک کردن حضور سنتی زنان در تاریخ جامعه‌شناسی شد و اینک، بار دیگر این حضور فمینیستی رخ می‌نماید.

در بین این زنان دانشمند که به عنوان متفکران کلاسیک در تاریخ تفکرات فمینیستی معرفی می‌شوند، دو تن در موقعیت اجتماعی و نژادی پایین‌تری قرار داشته‌اند. یعنی فلورا تریستان (*Flora Tristan*) فرانسوی و آنا ژولیا کوپر (*Anna Julia Cooper*) امریکائی افریقایی‌الاصل از نظر نژادی. متفکرین دیگر عبارتند از: هاریت مارتینو (*Harriet Martineau*) انگلیسی، بثاتریس وب (*Beatrice Webb*) انگلیسی، جین آدامز (*Jane Adams*) امریکائی اروپائی‌الاصل، شارلوت پرکینز گیلمن (*Charlotte Perkins Gilman*) امریکائی اروپائی‌الاصل و ماریان وبر (*Marianne Weber*) آلمانی. آنچه در مورد این زنان فرهیخته باید متذکر شد آن است که با وجود ره‌آوردهای جامعه‌شناختی خود کمتر معروف بوده‌اند و این نقص در مورد کسانی است که درباره آرای جامعه‌شناسان کلاسیک سخن گفته‌اند و از این امر نمی‌توان به‌سادگی گذشت.

#### هاریت مارتینو (۱۸۷۶-۱۸۰۲)

که در پایان دهه‌ی ۱۸۲۰ یکی از زنان برجسته‌ی متفکر به شمار می‌رود، تحلیل‌های بسیار جالبی را ارائه می‌دهد اما در جامعه‌شناسی متعارف به عنوان مترجم اثر کُنت تحت عنوان «فلسفه اثباتی» از فرانسه به انگلیسی (۱۸۵۳) مشهور شده‌است و این در حالی است که اولین جامعه‌شناس زن بشمار می‌رود و آثار برجسته‌ای در حوزه جامعه‌شناسی دارد. مثل کتاب «جامعه در امریکا» (۱۸۳۷-۱۸۳۶)، کتاب «چگونه می‌توان اخلاقیات و شیوه‌های رفتار را مورد مشاهده قرار داد» (۱۹۳۸) و کتاب «خدمات خانگی» (۱۹۳۸). کتاب‌شناسی مارتینو عبارت است از:

- Martineau, Harriet ([1836/1837]) *Society in America* (2 vols), New York: Saunders and Otley.
- Martineau, Harriet (1838a) 'Domestic Service', *London and Westminster Review*, 29: 405-32.
- Martineau, Harriet (1838b) *How to Observe Morals and Manners*, London: Charles Fox.
- Martineau, Harriet (1853) *The Positive Philosophy of Auguste Comte*, freely translated and condensed by Harriet Martineau. London: John Chapman.

#### جین آدامز (۱۸۶۰-۱۹۳۵)

که خود را یک جامعه‌شناس می‌دانست، عضو انجمن جامعه‌شناسی امریکا بود و در مجله انجمن جامعه‌شناسی مقاله می‌نوشت. وی کتاب‌های متعددی در زمینه‌ی نظریه‌ی اجتماعی نوشته‌است و با جرج هربرت مید، پارک و توماس، اسمال و برجس که در شمار جامعه‌شناسان امریکائی هستند آشنائی و ارتباط علمی داشته‌است.

- Addams, Jane (1881) 'Cassandra', in *Essays of Class of 1881*, Rockford Seminary. DeKalb, IL: 'News' Steam Press. Pp. 36-9.
- Addams, Jane (1895) 'The Settlement as a Factor in the Labor Movement', *Hull-House Maps and Papers by the Residents of Hull-House, A Social Settlement*, New York: Crowell. Pp. 183-204.
- Addams, Jane (1896) 'A Belated Industry', *American Journal of Sociology*, 1:536-50.
- Addams, Jane ([1902] 1907) *Democracy and Social Ethics*, New York: Macmillan.
- Addams, Jane (1907) *Newer Ideals of Peace*, New York: Macmillan.
- Addams, Jane (1909) *the Spirit of Youth and the City Streets*, New York: Macmillan.
- Addams, Jane (1910) *Twenty Years at Hull-House*, New York: Macmillan.

#### شارلوت پرکینز گیلمن (۱۸۶۰-۱۹۳۵)

که همواره به عنوان یک روشنفکر فمینیست عصر خود شناخته شده‌است، اما خود او ترجیح می‌داد که به عنوان جامعه‌شناس شناخته شود. او مولف آثار متعدد درباره نظریه‌ی اجتماعی است و از آغاز عضو انجمن جامعه‌شناسی امریکا بود (۱۸۹۵) و با لسترورد و راس جامعه‌شناسان امریکائی روابط فکری داشت.

- Gilman, Charlotte Perkins (1898) *Women and Economics*, Boston, MA: Small and Maynard.

- Gilman, Charlotte Perkins (1900) *Concerning Children*. Boston, MA: Small and Maynard.
- Gilman, Charlotte Perkins (1903) *The Home: Its Work and Influence*. New York: Macmillan.
- Gilman, Charlotte Perkins (1904) *Human Work*. New York: McClure and Phillips.
- Gilman, Charlotte Perkins (1911) *The Man-Made World, or Our Androcentric Culture*. London: Fisher Unwin.

#### بتائریس وب

بیوگرافی او تحت عنوان *My Apprenticeship* (۱۹۲۶) مشهور است که در آن تحول خود به عنوان محقق اجتماعی را شرح می‌دهد، او شاگرد اسپنسر بود اما بعدها نظریات او را رد کرد، او مدرس جامعه‌شناسی بود و در تحقیق چارلز بوت درباره‌ی زندگی و کار مردم لندن به عنوان همکار شرکت داشت و سپس تحقیقات شخصی خود را دنبال کرد و کتابی تحت عنوان جنبش تعاونی در بریتانیای کبیر نوشت.

- Webb, Beatrice Potter (1887) 'The Dock Life of East London' *Nineteenth Century*, 22:483-99.
- Webb, Beatrice Potter (1891) *The Co-operative Movement in Great Britain*. London: Swan, Sonnenschein, and Company.
- Webb, Beatrice Potter (1926) *My Apprenticeship*. London: Longmans, Green.

#### ماریان وبر (۱۸۷۰-۱۹۵۴)

او در مرکز دایره‌ی جامعه‌شناسی آلمان با همسرش ماکس وبر و جرج زیمل همکاری داشت. ماریان وبر رهبر جنبش فمینیستی آلمان بود، او اولین زنی است که به عضویت پارلمان آلمان درآمد و مؤلف کتاب تحلیل جامعه‌شناختی بود که دربرگیرنده‌ی اثری عظیم درباره موقعیت حقوقی زنان است. ازدواج، مادری و حقوق که توسط دورکیم در سالنامه جامعه‌شناسی مورد بازنگری قرار گرفت و مجموعه مقالات زنان و مسائل آنان است او پس از مرگ ماکس وبر، ۱۰ جلد از آثار شوهرش را منتشر کرد و زندگی‌نامه او را نوشت، اما او همواره در کتاب‌های جامعه‌شناسی و در ارتباط با شوهرش معرفی می‌شود.

- Weber, Marianne (1905) *Jobs and Marriage, in Frauenfragen und Frauengedanken*. Tübingen: J.C.B. Mohr. Pp. 20-37.

Weber, Marianne (1907) *Ehefrau und Mutter in der Rechtsentwicklung*. Tübingen: J.C.B. Mohr.

Weber, Marianne ([1912a/1919] 1998) "Authority and Autonomy in Marriage", in Elizabeth Kirchen (trans.), 'Selections from Marianne Weber's Reflections on Women and Women's Issues', unpublished manuscript, pp. 27-41. (Originally published in *Frauenfragen und Frauengedanken*. Tübingen: J.C.B. Mohr. pp. 67-79.)

Weber, Marianne ([1912b/1919] 1998) 'On the Valuation of Housework', in Elizabeth Kirchen (trans.), 'Selections from Marianne Weber's Reflections on Women and Women's Issues', unpublished manuscript, pp. 42-58. (Originally published in *Frauenfragen und Frauengedanken*. Tübingen: J.C.B. Mohr. pp. 80-94.)

Weber, Marianne ([1913] 1919) 'Women and Objective Culture', in *Frauenfragen und Frauengedanken*. Tübingen: J.C.B. Mohr. pp. 95-134.

Weber, Marianne ([1918/1919] 1998) 'Women's Special Cultural Tasks', in Elizabeth Kirchen (trans.), 'Selections from Marianne Weber's Reflections on Women and Women's Issues', unpublished manuscript, pp. 1-26. (Originally published in *Frauenfragen und Frauengedanken*. Tübingen: J.C.B. Mohr. pp. 238-61.)

Weber, Marianne (1919) *Frauenfragen und Frauengedanken* [Reflections on Women and Women's Issues]. Tübingen: J.C.B. Mohr.

Weber, Marianne ([1926] 1975) *Max Weber: A Biography* (trans. Harry Zohn). New York: Wiley.

#### فلورا تریستان (۱۸۰۳-۱۸۴۴)

سه کتاب در زمینه‌ی جامعه‌شناسی نوشت. او تحت تأثیر آرای سن سیمون، فوریه، کنسیدران و رابرت اوئن است و شخصاً آنان را می‌شناخت. مارکس و انگلس در کتاب «خانواده مقدس» از تحقیق او دفاع کرده‌اند و زمانی که مارکس به پاریس پناه برد با او و ژرژ ساند ملاقات کرد. تریستان با تجربه خود تحت عنوان انسانی حاشیه‌ای، کتابی درباره طبقه تحت ستم کارگران زن نوشت. او در جوانی در صنعت چاپ کار می‌کرد و جزو سوسیالیست‌ها بشمار می‌رفت، او همواره با فقر زندگی می‌کرد.

Tristan, Flora ([1838] 1993) 'From Peregrinations of a Pariah', in D. Beik and P. Beik (trans, and eds), *Flora Tristan: Utopian Feminist*. Bloomington, IN: Indiana University Press. pp. 9-33.

Tristan, Flora ([1840] 1980) *London Journal* [or *Promenade London*] (trans. Dennis Palmer and Giselle Picentl). Charleston, MA: Charles River Books.

Tristan, Flora ([1844] 1983) *The Workers Union* (trans. Beverly Livingston). Urbana, IL: University of Illinois Press.

## آنا ژولیا کوپر (۱۹۶۴-۱۹۵۸)

اثر مهم او، «صدائی از جنوب توسط زن سیاهپوستی از جنوب» است که اصول جامعه‌شناسی را برای تبیین نژاد، جنسیت و روابط طبقاتی در ایالات متحده تدوین کرد. او همکار جامعه‌شناس امریکائی-افریقائی نوین دوبا *Dubios* بود که آثار او در زمینه‌ی جامعه‌شناسی مورد غفلت قرار گرفته‌است. رساله او در باب بردگی و انقلابیون فرانسوی ۱۷۸۹-۱۸۰۵ نوشته‌شده که در آن از عقاید خویش در برابر سلسلین بوگله چهره‌ی ممتاز جامعه‌شناس فرانسه در آن زمان دفاع کرد و آرای او درباره نژاد و دموکراسی را مورد حمله قرار داد.

Cooper, Anna Julia (1892) *A Voice from the South by a Black Woman from the South*. Xenia, OH: Aldine.

Cooper, Anna Julia ([1925] 1988) *Slavery and the French Revolutionists (1788-1805)* (trans. Frances Richard-son Keller). Queenston, Ontario: Edwin-Mellen Press.

Cooper, Anna Julia ([1925] 1988) 'Equality of Races and the Democratic Movement', in Charles Lemert and Esme Bahn (eds), *The Voice of Anna Julia Cooper*. Lanham, MD: Rowman and Littlefield. pp. 291-8.

## تفکرات اجتماعی فمینیستی کلاسیک:

آثار این متفکرین با وجود آنکه به عنوان نظریه‌پرداز اجتماعی بشمار می‌رفتند، در نظر و گفتار کسانی که در کار شالوده‌بندی جامعه‌شناسی در دوره ۱۹۳۰-۱۸۳۰ بودند، حاشیه‌ای قلمداد می‌شود. بنظر می‌رسد که مانع اصلی، فرهنگ پدرسالار است که هم در ساختارهای اجتماعی و هم در کنش‌های متقابل، نفی‌کننده‌ی بازشناسی زنان به عنوان مشارکت‌کننده در این بحث‌هاست. به عنوان مثال کوپر، تنها به عنوان یک زن سیاه‌پوست مطرح می‌شود و یا ماریان وبر، همکار ماکس وبر، نه تنها از کمک علمی شوهرش بهره‌مند نمی‌شود، بلکه شوهرش به او توصیه می‌کند که بهتر است به این مقولات نپردازد!

این زنان در آثار خود شواهدی را نشان می‌دهند که جنسیت آنها برای تمایلات فکری و اجتماعی آنان همواره مانعی به شمار می‌رفته است. (Ritzer, Smart, 2001:127)

فرهنگ پدرسالار نفی‌کننده آنان بوده است. عامل دیگر، ورود جامعه‌شناسی به دانشگاه‌هاست که با توجه به اقتدار شغلی و پایگاه اجتماعی، زنان بیشتر حاشیه‌ای شدند چون حداقل به عنوان دانشمند مقبول بودند ولی به لحاظ دانشگاهی بودن جایگاهی نداشتند. این جایگاه سبب می‌شد که صدای مطالعات نظری آنها شنیده نشود. به‌خصوص که نظریات آنان یک آلترناتیو و بدیل دیگری بود برای جامعه‌شناسان قدرتمند. به طوری که تا اواخر دهه ۱۹۸۰ مطالعات جامعه‌شناختی سنت فمینیست در جامعه‌شناسی کلاسیک هرگز شناخته شده نبود (Ritzer, Smart, 2001:128) و اگر هم بازشناسی صورت گرفت، هاریت مارتینو را مترجم آثار کنت به انگلیسی و ماریان وبر را شرح احوال نویس ماکس وبر، و Webb را به عنوان همکار سیدنی (Sidney) در ساختن سنت تجربی انگلیسی (همان‌جا) می‌شناختند.

اگر سنت کلاسیک اکنون معرفی می‌شود نتیجه فعالیت زنان فمینیست موج دوم است که در رشته‌های مختلف: همچون فلسفه، علوم سیاسی و ادبیات و در جامعه‌شناسی فعالیت داشته‌اند، عمده این فعالیت‌ها مربوط به زنان محقق در دهه ۱۹۹۰ است. بایست متذکر شد معرفی زنان سنت کلاسیک همه در یک زمان و به یک شدت نیست، شاید به این شیوه ماریان وبر بیش از دیگران و زودتر از دیگران معرفی می‌شود. اگر چه به عنوان یک محقق مستقل مد نظر گرفته نمی‌شد بلکه در رابطه با همسرش ماکس وبر سنجیده می‌شد و آثار تحقیقی او کمتر به زبان انگلیسی ترجمه می‌شود. تریستان به عنوان یک سوسیالیست تخیلی و یک فمینیست به جامعه‌شناسی انگلیسی‌زبان معرفی می‌شود. بطور کلی می‌توان گفت که در پایان قرن بیستم آثار فمینیست‌های کلاسیک در بعضی از کتاب‌های نظریه‌های جامعه‌شناسی چون کتاب لمبرت (Lemert) و ریتزر (Ritzer) معرفی می‌شدند.



### بینش جامعه‌شناختی زنان سنت کلاسیک

با وجود تنوع خصوصیات زنان، جامعه‌شناسی کلاسیک از نظر موقعیت و زمان دارای خصوصیات مشترکی است که این خصوصیات را می‌توان این گونه برشمرد: از نظر روش‌شناسی، مبانی نظری و تأکید بر تغییرات اجتماعی.

از نظر مسائل جامعه‌شناختی، این دسته از جامعه‌شناسان بر توصیف، تحلیل و نقد رنج‌های اجتماعی و بررسی و کشف شرایط اجتماعی که ایجاد رنج یا خوشبختی می‌نمایند، تأکید دارند. مثلاً مارتینو می‌گوید که پروژه جامعه‌شناسی در صدد یافتن آنست که چگونه افراد گوناگون نظام‌های متنوع فرهنگی را ایجاد می‌کنند، تا انسان بتواند خوشبخت شود. وب و آدامز در جستجوی ترکیب مشاهده تجربی با بسیج اخلاقی هستند، تا پی به عوامل ایجاد فقر در نظام سرمایه‌داری ببرند (Ritzer, ibid.: 129).

تریستان در اثر خود درباره لندن بر آنست که با شناخت، به راهکاری برای پایان دادن به فقر و بدبختی برسد. به طور خلاصه در این سنت کلاسیک، رنج‌های اجتماعی ابعاد متعدد دارند: تجارب مادی خواسته‌های فیزیکی، توزیع غیرعادلانه‌ی منابع مادی، ترتیب غیرعادلانه‌ی کار تولید اجتماعی، نابرابری فرصت‌ها، تجارب عاطفی ناکامی و از خودبیگانگی و تنهایی که ریشه در نابرابری‌های اجتماعی دارند.

### روش‌شناسی

در چارچوب آگاهی فمینیستی درباره مسائل اساسی ایجادکننده‌ی رنج‌ها، استراتژی روش‌شناختی عبارت از آن است که دیدگاه زنان به عنوان یک پایگاه معرفت‌شناختی و دانش‌نظری، مورد توجه قرار گیرد. این جامعه‌شناسان بر این نکته تأکید دارند که وظیفه‌ی تحلیل جامعه را با توجه به تجارب خاص خود انجام می‌دهند و این جایگاه (زن بودن) برای آنان به عنوان نظریه‌پرداز مزایای خاصی به همراه دارد. مثلاً مارتینو در تحقیق جامعه در امریکا (Martineau, 1936) به طور ضمنی به امتیاز خود به عنوان زن در

تحلیل و دسترسی به زندگی خانوادگی تأکید می‌کند.\* همین‌طور کوپر در تحلیل خود به نام *A voice from the south* بر این امتیاز که زنی سیاه‌پوست است و از این رو به‌خوبی می‌تواند تناقض تمایلات دموکراتیک و بی‌عدالتی نژادی در امریکا را نشان دهد، تأکید می‌ورزد. به عبارتی می‌توان گفت این زنان جامعه‌شناس بر دیدگاه زنان به عنوان عامل شناخت سازمان اجتماعی تأکید می‌ورزند. چنان که گیلمن تولید غذا توسط زنان را - یعنی یکی از تجارب کلیدی زنان - به عنوان ویژگی متمایزکننده زندگی اجتماعی انسان برمی‌شمرد، که برای نشان دادن آنچه که در جامعه درست عمل نمی‌کند، اعم از اقتصاد، قشربندی و قدرت در بازار خرید شاخص خوبی بشمار می‌رود. (Gilman, 1898)

زنان فمینیست کلاسیک، نظریه‌ی خود را با این اصل موضوع آغاز می‌کنند که درک جنسیت بر آنچه که فرد در مورد جهان اجتماعی تجربه می‌کند و می‌داند، تأثیر می‌گذارد. از آنجا که آنان تفکری انتقادی نسبت به رنج‌های دارای ریشه اجتماعی داشتند، بیشتر به تفکر پیرامون رنج‌هایی می‌پرداختند که به علت نابرابری‌های طبقاتی، قومی و نژادی بوجود می‌آید. آنان درصدد فهم نظری جامع از زندگی اجتماعی بودند که دربرگیرنده‌ی پیچیدگی تجربه و نگرش‌شان بود. از سوی دیگر این زنان محقق با این عقیده که نظریه‌پرداز باید خود را خارج از چارچوب آنچه که تحلیل می‌کند، قرار دهد و مشاهده کننده، باید بی‌طرف، بی‌علاقه و خنثا باشد، مخالف بودند. آنان می‌خواستند که خواننده، زمینه‌ی اجتماعی - اقتصادی خاص آنها را بشناسد و پاسخ عاطفی و ارزشی را نیز به موقعیت‌های مورد تحلیل، دریابد. بخصوص این زنان علاقه‌مند به نوشتن شرح احوال خود (اتوبیوگرافی) بودند. مثلاً ماریان وبر از امتیازات زنانی چون خود که از نظر مالی تامین و ازدواجی موفق داشتند سخن می‌گوید و معتقد است این امتیازات برای او ایجاد مسئولیت می‌کند تا تجربه زنان را در همه ابعاد متنوع آن نشان دهد.

نظریه‌پردازان فمینیست کلاسیک مدلی از جامعه را ارائه می‌دهند که دارای سه بعد یعنی کنش متقابل، نهادی و قشربندی است. مدل کنش متقابل مدلی اساسی است

\* کتابنامه‌ی زنان فمینیست کلاسیک در متن شرح احوال در صفحات قبل آمده‌است.

به نحوی که در جامعه‌شناسی گیلمن موضوع جامعه‌شناسی، رابطه‌ی اجتماعی انسانی تعریف می‌شود. (Gilman, 1900: 278). در نهایت کنش متقابل مدلی می‌یابد که قشربندی است و عبارت است از نابرابری طبقاتی، نژادی، قومی، سنی و از همه مهمتر نابرابری جنسیتی. آنچه که در بین این زنان متفکر تفاوت ایجاد می‌کند، تأکیدی است که بر انواع نابرابری‌ها دارند. مثلاً تریستان تأکید بر نابرابری طبقاتی و جنسیتی دارد، در حالی که هاریت مارتینو به نابرابری طبقاتی، جنسیتی و نژادی تأکید دارد. کوپر بر نژاد و جنسیت، جین آدامز بر طبقه، قومیت، سن و جنسیت و ماریان وبر و گیلمن بر جنسیت و بالاخره وب بر نابرابری طبقاتی (Ritzer, Smart, 2001: 132) و آنچه که در مورد قشربندی مورد توجه قرار می‌گیرد و سلطه نامیده می‌شود، توجه دارد.

این زنان محقق، همانند هر گروه نظریه‌پرداز انتقادی، دو نگرش در مورد جامعه را ارائه می‌دهند:

۱- دیدگاهی در مورد آن که جامعه چگونه باید سازمان یابد.

۲- دیدگاهی در مورد جامعه آنچنان که سازمان یافته‌است.

جامعه‌ی خوب، تحقق خوشبختی انسانی را از طریق ترتیباتی فراهم می‌کند که رشد عامل فردی، خودمختاری اخلاقی و اجتماعی بودن را سبب شود. سلطه یک نوع رابطه‌ی قدرت است که ویژگی آن نفی ذهنیت فرودستان است (یعنی توانائی فرودستان برای داشتن حقوق عامل انسانی و خودمختاری اخلاقی).

سلطه در آثار آنان به عنوان ساخت و پویش ارائه می‌شود. همه‌ی این جامعه‌شناسان تعاریفی از سلطه را ارائه می‌کنند و به عبارتی، سلطه مفهومی انتقادی است و به منظور حذف آن، شرایط اجتماعی می‌باید بهبود یابد.

خصوصیت مشترک دیگر در آثار زنان جامعه‌شناس کلاسیک فرد انسانی و اهمیت اوست. تحقق توانائی انسانی شرط افزایش کارائی اجتماعی است. به عبارتی کنش‌گر اجتماعی و فرایند اجتماعی به یکدیگر مربوط می‌شوند. فرد آرزومند یک مسئله نیست که باید به وسیله‌ی ساخت اجتماعی حل شود بلکه یک واقعیت زنده است که باید توانمند شود.

جامعه‌شناسان زن بر اهمیت آرا و افکار تأکید می‌ورزند و دو عامل اساسی را منبع افکار نادرست می‌دانند: نخست عوامل ساختاری سلطه و دیگری تغییر اجتماعی نامتعادل. مثلاً ماریان وبر نشان می‌دهد که چگونه دکترین آزادی آگاهی، پایه‌ی اخلاقی است که هم در انقلاب‌های سیاسی قرن ۱۸ و هم در بینش فلسفی ایده‌آلیسم آلمان وجود دارد ولی این اصول در رابطه‌ی زناشویی فراموش می‌شود و فیلسوفان در مورد تمایل مردان به اعمال سلطه، از این اصول موضوعه سخنی به میان نمی‌آورند و معتقدند که زنان به عنوان جزئی از قرارداد ازدواج، داوطلبانه حقوق خود را به مردان تفویض می‌کنند.

نظریات فمینیست‌ها تا حدودی هدفشان ایجاد تغییر اجتماعی مثبت به منظور کاهش رنج‌های انسانی بوده و هم تحقق و سرعت بخشیدن به آنچه در راه است. از سوی دیگر اعمال فشار به دولت‌ها به منظور ایجاد تغییرات مثبت است. بعضی از این محققین تمایل به تغییرات سریع انقلابی دارند و بعضی به تغییرات اصلاحی تدریجی باور دارند.

### نتیجه

بررسی ویژگی‌های نظریه‌ی فمینیستی کلاسیک، متضمن نتایج متعددی است: نخست نشان می‌دهد که جامعه‌شناسی فمینیستی معاصر می‌تواند ادعا کند که در تاریخ جامعه‌شناسی از میراثی بهره‌مند است. این نظریات به فهم ما در ماهیت تئوری‌پردازی کمک می‌کند. دوم آنکه این نظریات از سوی دیگر باعث می‌شود که بخش‌های فراموش شده‌ای از آثار جامعه‌شناختی کشف شود و به گسترش جامعه‌شناسی انتقادی کمک کند و بالاخره نشان می‌دهد که تدوین تاریخ جامعه‌شناسی، امری پیچیده است که متضمن سیاست‌های متعدد از جمله سیاست جنسیتی است. (Langermann et al, 1998)

## منابع:

- 1- آبوت، پاملا، والاس، کالر، ۱۳۷۶، درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ترجمه مریم خراسانی / حمید احمدی، تهران، دنیای مادر.
- 2- میشل، آندره، ۱۳۷۷، فمینیسم - جنبش اجتماعی زنان، ترجمه دکتر هما زنجانی‌زاده، مشهد، نشر نیکا.
- 3- ریتزر، جرج، ۱۳۷۴، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- 1- Acker, J. 1989: "Making gender Visible," R. Wallace (ed.) *Feminism and sociological Theory*, vol. 4: Key Issues in Sociological Theory, Newbury Park, Calif: Sage Publications 65-81.
- 2- Calhoun, Craig, 1995, *Critical Social Theory*, Oxford UK, BLACKWELL.
- 3- Chafetz, janets. And A. Gasy Dworkin. 1986. *Female Revolt*. Totowa, NJ: Rowman and allanheld.
- 4- Chafetz, Janet, 1988, *Feminist Sociology: An Overview of contemporary Theories*, Itasca. Il:F.E.Peacok.
- 5- Collins, Randall and Makowsky, Micheal 1998 *The Discovery of society*, 6th edn. New York Mcgraw-Hill.
- 6- Deegan, Mary Jo 1991, *Woman in Sociology : A Bio Bibliographical sourcebook*. Westport, CT: greenwood press.
- 7- Lemert, Charles, 1999, *Social Theory*, Oxford, Westview Press.
- 8- Lengermann, P. and Niebrugge-Brantely, J. 1998, *The Women Founders: Sociology and Social Theory, 1830-1930*, New York: McGraw-Hill.
- 9- Michel, Andree, *Femme, sexism et societes*, Paris, PUF.
- 10- Ritzer, George and Smart, Barry, 2001, *Handbook of social theory*, London, Sage Publications.

- 11- Ritzer, George, 2001, Exploration in Social Theory, London, SAGE Publications.
- 12- Stacey, J. and thone, B. 1985: "The Missing Feminist revolution in Sociology" Social Problems, 32: 301-16.
- 13- Smelser, Neil J. 1994, Sociology, Cambridge, Blackwell Publisher.
- 14- Smith, Dorothy E. 1999, Writing the Social, Toronto, university of Toronto press.
- 15- Smith, D.E. 1979, "A Peculiar eclips: Women's exclusion from men's culture", Women's studies International Quarterly 1:281-95.
- 16- Swingewood, Alan, 2000, A Short History of Sociological thought, New York, PALGRAVE.
- 17- Turner, Jonathan, H. 1998, the Structure of Sociological theory, London, WADSWORTH Publishing Company.
- 18- Turner, Stephan, 1996, Social Theory and Sociology, BLACKWELL Publisher.
- 19- Wallace, Ruth, 1989, Feminsim and Sociological Theory, London, SAGE Publications.
- 20- Watters, Malcom, 1994, Modern Sociological Theory, London, SAGE Publications.

# بررسی عوامل درون‌سازمانی بر ارزیابی از وضعیت شغلی زنان (بخش غیر دولتی)

دکتر خدیجه سفیری\*

دکتر احمد جعفرنژاد\*\*

## چکیده:

یکی از شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی، کار زنان است. بررسی جنبه‌های گوناگون آن بویژه در بخش غیردولتی با ویژه‌گی‌هایش می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های آینده‌ی ایران که تأکید بر رشد بخش غیر دولتی است، کارساز باشد. در تحقیق انجام شده تأثیر عوامل درون‌سازمانی کارگاه‌ها و مؤسسات ثبت شده به صورت غیر دولتی بعنوان متغیر مستقل بر ارزیابی زنان از وضعیت شغلی خود (متغیر وابسته) مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی پژوهشی قرار گرفت. نتایج نشان داد که رابطه‌ی بین این دو متغیر قوی و معنادار است. ویژه‌گی‌هایی چون نابرابری، استقلال شغلی، مدیریت مشارکتی و ارتباطات، بیشترین رابطه را با متغیر وابسته نشان دادند. یعنی زنان به این عوامل از میان سایر عوامل اهمیت بیشتری قائل می‌شدند و از طریق آن‌ها ارزیابی بهتری از شغل خود داشتند. افرادی چون پزشکان، مهندسان و مدیران و دبیران ارزیابی بهتری از شغل خود داشتند. چون استقلال شغلی بیشتر و مدیریت مشارکتی را تجربه کرده بودند. کارگران رده‌های پائین به واسطه‌ی کمتر بودن استقلال شغلی و مدیریت مشارکتی و نیز وجود نابرابری، ارزیابی پائین‌تری را از شغل خود ارائه نمودند.

**کلید واژه:** سازمان غیر دولتی، وضعیت شغلی، عوامل درون‌سازمانی، استقلال شغلی، مدیریت مشارکتی.

---

\* استادیار دانشگاه الزهرا(س) E-mail: M\_Safiri@yahoo.com

\*\* استادیار دانشگاه تهران E-mail: Jafarnejad@yahoo.com

**مقدمه:**

توسعه‌ی پایدار و فراگیر جامعه در تمامی ابعاد، از جمله توسعه‌ی اقتصادی مرهون و وابسته به شرکت تمام آحاد جامعه اعم از زن و مرد است. حضور فعال و پویای زنان، گاه به صورت مشارکت سازنده، مفید و گاه غیر مستقیم در عرصه‌ی توسعه‌ی اقتصادی است. بدین صورت که آن‌ها در فعالیتهای روزمره‌ی زنده‌گی شامل فعالیت‌های مختلف خانه مانند پرورش فرزند، اداره و تدبیر امور منزل و افزایش بازدهی نیروی انسانی (شاغل) سهم به‌سزائی دارند. به گونه‌ای که اگر مقرر شود، هزینه‌ی این فعالیت‌ها از نظر اقتصادی محاسبه شود، هزینه‌ی سرسام‌آوری را برای خانوار ایجاد می‌کند. زنان همچنین با مشارکت گسترده در بخشهای مختلف اقتصادی به عنوان نیمی از جمعیت کشور فعال محسوب می‌شوند. چرخ‌های صنعت و اقتصاد کشور را به حرکت در می‌آورند و به طور مستقیم در توسعه اقتصادی جامعه سهیم هستند. هر چند انجام توأمان نقش‌های خانواده‌گی و اجتماعی فشار مضاعفی را بر دوش آنان وارد می‌سازد که اولاً مستلزم هم‌یاری سایر اعضای خانواده در امور منزل است و ثانیاً ضروری است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران با توجه به لزوم بهره‌گیری مناسب از نیروی کار زنان، شرایط و امکانات اشتغال زنان را در مشاغلی متناسب با روحیات و مسئولیت‌های خانواده‌گی آنان (علی‌الخصوص تربیت فرزند) فراهم نموده و این نیروی عظیم را برای رشد و اعتلای شخصیت انسانی و شکوفایی استعدادهای خویش جهت دهند و با انجام پژوهش‌های علمی در خصوص انگیزه‌ها، موانع و اثرات اشتغال زنان، این نتایج و یافته‌ها را در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی لحاظ نمایند. هر چند تا کنون مطالعات و پژوهش‌هایی در این خصوص انجام شده‌است، اما این تحقیقات عمدتاً مربوط به اشتغال در بخش‌های دولتی بوده‌است. بدین سبب، در تحقیق سعی شده تا ضمن طرح شرایط اشتغال زنان در بخش غیر دولتی، تأثیر عوامل سازمانی را بر ارزیابی زنان از وضعیت



شغلی خود مورد بررسی قرار داده و در نهایت راه کارهای علمی جهت بهبود وضعیت موجود ارائه شود.<sup>۱</sup>

### پرسش آغازین و مسئله‌ی پژوهش

یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش توسعه‌ی هر کشور، وضعیت زنان و نوع مشارکت آنان است. توسعه‌یافته‌گی، صرفاً در ارتباط با تولید ناخالص ملی و سطح درآمد سرانه سنجیده نمی‌شود؛ که شامل بلوغ اجتماعی و سیاسی جامعه نیز می‌شود. یکی از مؤلفه‌های بلوغ اجتماعی و سیاسی، نحوه‌ی برخورد و رفتار افراد با زنان است. اصولاً در هر تحقیقی ضروری است که ابتدا مسئله‌ی پژوهش به طور دقیق بررسی شود. در اینجا نیز شناخت وضعیت اشتغال زنان بخش غیر دولتی حائز اهمیت است. به طور کلی در این پژوهش به سوالات عمده‌ی زیر پاسخ داده می‌شود:

- ۱- وضعیت اشتغال زنان در بخش غیر دولتی چگونه است؟
- ۲- ارزیابی زنان از وضعیت اشتغال خود در این بخش چیست؟
- ۳- عوامل سازمانی چه تأثیری بر ارزیابی زنان از شغل‌شان در بخش‌های غیر دولتی دارند؟

### وضعیت اشتغال زنان در کل کشور

طی سرشماری سال ۱۳۷۵ تعداد شاغلین کل کشور ۱۴۵۷۱۵۷۲ نفر بوده‌است، که از این تعداد ۱۲۸۰۶۱۷۰ نفر مرد و ۱۷۶۵۴۰۲ نفر زن بوده‌اند. به عبارتی ۸۷/۸۸ درصد کل شاغلین را مردان و ۱۲/۱۲ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دادند. یعنی تعداد شاغلین مرد تقریباً ۷ برابر شاغلین زن می‌باشد. (نتایج تفصیلی، سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵).

۱- این مقاله از یک تحقیق پیمایشی که در سال ۱۳۸۱ اتمام یافته استخراج شده‌است.

### وضعیت اشتغال به تفکیک نوع شغل (دولتی و غیردولتی)

همان طور که سرشماری سال ۱۳۷۵ کل کشور نشان می‌دهد، ۲۹/۲۲ درصد از کل شاغلین زن در سطح کشور در بخش دولتی و ۶۷/۲۱ درصد در بخش خصوصی و ۰/۳۹ درصد در بخش تعاونی به کار اشتغال دارند. به عبارتی ۶۷/۶۰ درصد در بخش غیر دولتی و ۲۹/۲۲ درصد در بخش دولتی هستند. یعنی از ۱۴۵۷۱۵۷۲ نفر کل جمعیت شاغل در کشور، تعداد ۴۲۵۷۹۶۷ نفر در بخش دولتی و ۹۸۵۰۸۸۳ نفر در بخش غیر دولتی شاغل هستند. بنابراین کارکنان بخش غیر دولتی بیش از دو برابر کارکنان بخش دولتی می‌باشند و بیشترین تمرکز نیروی انسانی در بخش غیر دولتی است. از ۱۲۸۰۶۱۷۰ نفر جمعیت کل شاغلین مرد کشور تعداد ۳۵۵۹۶۹۱ نفر در بخش دولتی و ۸۸۶۲۵۳۳ نفر در بخش غیر دولتی مشغول به کار هستند. یعنی ۲۷/۸۰ درصد در بخش دولتی و ۶۹/۲۱ درصد در بخش غیر دولتی مشغول می‌باشند و این در حالی است که از ۱۷۶۵۴۰۲ نفر جمعیت کل شاغلین زن کشور تعداد ۶۹۸۲۷۶ نفر در بخش دولتی و ۹۸۸۳۵۰ نفر در بخش غیر دولتی مشغول فعالیت هستند، به عبارتی ۳۹/۵۵ درصد در بخش دولتی و ۵۵/۹۹ درصد در بخش غیر دولتی شاغل هستند.

مقایسه‌ی آمارهای بین زنان و مردان نشان می‌دهد که زنان و مردان بیشتر جذب بخش غیر دولتی می‌شوند، یعنی زنان حدود ۱/۵ برابر نسبت به بخش دولتی و مردان بیش از دو برابر در بخش غیر دولتی به کار مشغول اند.

بنابراین همان گونه که مشاهده می‌شود در کل کشور حضور شاغلین زن و مرد در بخش خصوصی بیشتر است. جدول شماره ۱ بیان‌گر این مسئله است.

نیروی انسانی

سال‌نامه‌ی آماری کشور - ۱۳۸۰

جدول شماره ۱- شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر برحسب وضع شغلی و جنس در نقاط

شهری و روستایی (هزار نفر)

اظهار نشده	مزد و حقوق بگیران بخش تعاونی	مزد و حقوق بگیران بخش عمومی	بخش خصوصی				جمع کل	شرح	
			کارکنان فامیلی بدون مزد	مزد و حقوق بگیران	کارکنان مستقل	کار فرمایان			جمع
۱۱۳	(۱)-	۴۵۱	۵۹۴	۲۲۴۶	۲۴۳۵	۶۹	۵۳۴۴	۵۹۰۸	آبان ۱۳۳۵ ...
۴۷	(۱)-	۶۶۳	۷۰۱	۲۶۳۶	۲۶۵۹	۱۵۳	۶۱۴۸	۷۱۱۶	آبان ۱۳۴۵ ...
۴۱	(۱)-	۱۶۷۳	۱۰۲۱	۳۰۷۲	۲۸۱۰	۱۸۲	۷۰۸۶	۸۷۹۹	آبان ۱۳۵۵ ...
۴۵۸	(۱)-	۳۴۵۳	۴۸۴	۱۸۷۵	۴۳۹۰	۳۴۱	۷۰۹۰	۱۱۰۰۲	مهر ۱۳۶۵ ...
۲۱۷	(۱)-	۴۳۴۶	۳۳۷	۲۳۴۸	۵۴۵۳	۳۹۶	۸۵۳۴	۱۳۰۹۷	مهر ۱۳۷۰ ...
۴۶۳	۵۷	۴۲۵۸	۷۹۷	۳۲۷۰	۵۱۹۹	۵۲۸	۹۷۹۴	۱۴۵۷۲	آبان ۱۳۷۵ ...
۳۸۴	۴۸	۳۵۶۰	۴۳۱	۳۰۲۱	۴۸۵۲	۵۱۱	۸۸۱۴	۱۲۸۰۶	مرد .....
۷۹	۹	۶۹۸	۳۶۷	۲۵۰	۳۴۷	۱۶	۹۸۰	۱۷۶۵	زن .....
									نقاط شهری
۲۴۸	۳۳	۲۷۲۵	۶۹	۱۹۴۹	۲۴۰۹	۳۷۶	۴۸۰۲	۷۸۰۸	مرد .....
۵۲	۴	۶۲۷	۴۴	۱۳۰	۱۲۶	۹	۳۰۹	۹۹۱	زن .....
									نقاط روستایی
۱۳۵	۱۵	۸۳۴	۳۵۰	۱۰۶۸	۲۴۰۸	۱۳۵	۳۹۶۱	۴۹۴۵	مرد .....
۲۷	۵	۷۱	۳۱۷	۱۱۹	۲۱۹	۷	۶۶۲	۷۶۶	زن .....

مأخذ - وزارت کشور. اداره کل آمار عمومی. (ر. پ).

مرکز آمار ایران. (ر. پ)

### مبانی نظری تحقیق:

در تحقیق انجام شده از تئوریهای نابرابری، تئوریهای مدیریتی، تئوریهای انگیزش شغلی و جو سازمانی و نیز عوامل مؤثر بر آن استفاده شده است که به طور خلاصه به برخی از آنها اشاره می شود:

#### چشم انداز تاریخی نابرابری در کار

برای اکثریت عظیمی از جمعیت در جوامع ماقبل صنعتی (و بسیاری از مردم در جوامع جهان سوم امروز)، فعالیت های تولیدی و خانه گی از یکدیگر جدا نبودند. تولید در خانه و یا در نزدیکی آن انجام می شد. در اروپای سده های میانه، همه ی اعضای خانواده یا در کار بر روی زمین و یا در صنایع دستی مشارکت داشتند. در شهرها، کارگاه ها معمولاً در خانه بودند و اعضای خانواده به جنبه های مختلف فرآیند تولید کمک می کردند. زنان در نتیجه ی نقش مهمی که در فرآیندهای اقتصادی داشتند، اغلب دارای نفوذ قابل ملاحظه ای در درون خانواده بودند، اگر چه از قلمروهای مردانه ی سیاست و جنگ بیرون نگاه داشته می شدند. زنان پیشه وران غالباً حساب های کسب و کار را نگاه می داشتند، هم چنان که زنان کشاورزان نیز همین کار را انجام می دادند و بیه زنها به طور معمول صاحب و اداره کننده ی کسب و کار بودند.

با جدایی کارگاه از خانه که در اثر توسعه ی صنایع امروزی است، این وضع تا اندازه ی زیادی تغییر کرد. انتقال تولید به کارخانه های ماشینی، احتمالاً مهم ترین عاملی بود که به این امر کمک کرد. افرادی که مخصوصاً برای وظایف مورد نظر استخدام شده بودند با سرعت ماشین به کار مشغول بودند. بنابراین از آن به بعد کارفرمایان با کارگران قراردادهای فردی می بستند نه خانواده گی. میزان اشتغال زنان در بیرون از خانه، برای تمام طبقات، تا قرن بیستم بسیار پایین بود. حتی تا سال ۱۹۱۰، در انگلستان، بیش

از یک سوم زنانی را که اشتغال درآمدزا داشتند، مستخدمه‌ها یا خدمت‌کاران خانه‌گی تشکیل می‌دادند.

نیروی کار زنان، شامل زنان جوان مجرد نیز بود که دستمزدشان، هنگامی که در کارخانه‌ها یا ادارت کار می‌کردند، اغلب توسط کارفرمایان مستقیماً برای پدر و مادرشان فرستاده می‌شد. این زنان هنگامی که ازدواج می‌کردند از کار کناره می‌گرفتند. از آن زمان تا کنون، مشارکت زنان در نیروی کار مزدبگیر، کم و بیش و به طور پیوسته افزایش یافته‌است. یکی از دلایل عمده‌ی این امر کمبود نیروی کار بود که طی جنگ جهانی اول پدید آمد.

طی سال‌های جنگ، زنان، بسیاری از کارهایی را انجام دادند که پیش از آن به عنوان قلمروی انحصاری مردان در نظر گرفته می‌شد. مردان پس از بازگشت از جنگ، دوباره بیشتر آن مشاغل را تحویل گرفتند، اما دیگر الگوی از پیش تعیین شده شکسته شده بود. امروزه حدود ۵۰ درصد زنان شانزده تا شصت ساله، در اکثر کشورهای اروپایی، از جمله انگلستان، مشاغل دارای حقوق و دستمزد در بیرون از خانه دارند. بیشترین میزان مربوط به زنان متأهل بوده‌است. با این همه نسبت زنان در نیروی کار مزدبگیر، هنوز خیلی پایین‌تر از مردان است. بیش از ۸۰ درصد جمعیت مردان شاغل بین بیست و پنج تا شصت سال مزدبگیر هستند و نسبت مردان شاغل مزدبگیر در طول قرن گذشته چندان تغییری نکرده‌است. گسترش سطوح اشتغال برای زنان نتیجه‌ی بیرون راندن مردان از مشاغلشان توسط زنان نبوده‌است، بلکه در اثر افزایش کلی تعداد مشاغل در دسترس پدید آمده‌است. (گیدنز، ص ۱۸۸).

### نا برابری جنسی در کار

«یونی بینشاپ»، در مطالعه‌ای تحت عنوان زمینه‌ی جنسی سازمانی به بررسی نابرابری جنسی و بازتولید واگرایی می‌پردازد. بحث این مطالعه بر این است که هم دوام نابرابری جنسی و هم ادراک برابری از یک زمینه‌ی جنسی بر می‌خیزد؛ یعنی از

مجموعه‌ای از فرآیند تقسیم‌بندی جنسی با زیربنای پنهان اعمال قدرت و یا از ترتیبات فردی و سازمانی ناشی می‌شود که به صورتی نظام‌دار تمایزات جنسی را باز تولید می‌کند. مطالعات اخیر نشان داده‌اند که نابرابری جنسی خود ناشی از یک بافت جنسی است که فرایندهایی پنهان به صورت نهانی و ماهرانه تمایزات جنسی را بازتولید می‌کند. (Smith, 1998)

مطالعه‌ی کانتر (*Kanter*) اولین مطالعه برای تجزیه و تحلیل شرایطی بود که به نابرابری جنسی در سازمان‌ها منجر می‌شوند. وی تأثیر آشکار شرایط ساختاری (فرصتها، قدرت ساختاری و توزیع متناسب) را بر روی فرصت‌های برابر برای مردان و زنان در سازمان‌ها توصیف می‌کند. مطالعات دیگر بر فرآیندهای زیر بنایی و نامرئی نابرابری جنسی تأکید می‌کند. اسمیت (*Smith*) برای فهم این فرآیندهای زیربنایی مفهوم زیرساخت سازمانی را معرفی می‌کند. وی روابط انتزاعی و عینی حکومت را به عنوان مجموعه‌ای دارای هم‌آهنگی درونی از سازمان‌های اداری، مدیریتی، حرفه‌ای و گفتمانی که جوامع ما را تنظیم، سازمان‌دهی و فرمان‌دهی و یا کنترل می‌کند، مورد بررسی قرار می‌دهد. اسمیت نشان می‌دهد که این روابط به عنوان روابطی انتزاعی و بی‌طرفانه ظهور می‌یابند، اما « شکل‌های عینی‌شده‌ی رویه‌های عقلانی و سازمان مفهومی انتزاعی (*Abstracted conceptual organization*)، نمودی از بی‌طرفی و غیرشخصی بودن را ارائه می‌دهند که پنهان‌کننده‌ی زیرساخت‌های جنسی، نژادی و طبقاتی است. (Ibid)

بسیاری از محققان به این نکته اشاره کرده‌اند که برای مطالعات مربوط به نابرابری در بازار کار بایستی تأثیر عواملی را در نظر داشته‌باشند که اثر مستقیمی بر رویه‌ها و خط‌مشی‌های سازمانی و یا به عبارت دیگر بر مدیران و سرپرستان دارند. بر طبق نظر چندین اندیشمند، سازمان‌های کاری را می‌توان به عنوان صحنه‌هایی در نظر گرفت که در آن‌ها تضادهای اجتماعی بین مدیریت و نیروی کار و نیز بین گروه‌های کارکن رخ می‌دهد. داشتن چنان رویکردی به سازمان‌ها، مستلزم آن است که فکر کنیم توزیع پاداش‌ها را می‌توان به عنوان فرآیندی در نظر گرفت که در آن فرآیند، منافع، متضاد و مشهود هستند. از این رو، ساختار پاداش‌دهی تا حدودی منعکس‌کننده‌ی قدرت نسبی

گروهی متفاوت در بطن سازمان کار است. این رویکرد توسط ففر (Pfeffer) به روشنی بیان شده است. او چنین استدلال نمود که دستمزدها یک منبع است و نظیر دیگر منابع، حداقل در سطحی بر اساس قدرت منافع متنوع توزیع می شود. این منافع ممکن است در خطوط متمایزی مانند ویژه گی های جمعیت شناختی یا طبقه ی اجتماعی تعریف شود. اندیشمندان بسیاری کوشیده اند که نحوه ی تأثیر تفاوت های جنسی را در سطح اشتغال، سطح سازمانی و سطح شغل تبیین کنند. در کل نتایج نشان داده اند که دستمزدها در ساختار بازار کاری که در آن زنان بسیاری کار می کنند، پایین است. (Hultin, 1999)

### نظریات مدیریتی

#### الف - تئوری سرمایه انسانی<sup>۱</sup>

این تئوری بیان گر آن است که زنان پول کمتری نسبت به مردان دریافت می کنند. به این دلیل که آنها امتیازات کمتری برای عرضه در بازار کار دارند. به طور متوسط زنان سواد، تجربه و بازدهی کاری کمتری نسبت به مردان دارند و در نتیجه آنان ارزش کمتری برای استخدام دارند. برهان نظریه ی سرمایه ی انسانی بدین معنا ست که کارگران با سرمایه ی انسانی بیشتر، آموزش و تجربه ی بازار کار، نسبت به مستخدمین با سرمایه ی انسانی کم، بهره وری بیشتری دارند و بنابراین با دستمزد بیشتر برای بهره وری بیشتر پاداش داده خواهد شد.

بازار کار تحت فشار تقابل عرضه و تقاضا، بازاری کارآ، رقابتی و بدون سوگیری جنسیتی فرض می شود. به عبارت دیگر چنین پنداشته می شود که حقوق مطابق نظام شایسته گی معین می شود. نگرش نابرابر ساختار حقوقی بین زنان و مردان موضوعی

ناعادلانه در تئوری سرمایه انسانی نیست. نظریه تبعیض بازار کار به نابرابری‌های جنسیتها به طور نهادی اشاره دارد.

کارفرمایان بر اساس قالب‌های فکری خود برای زنان و مردان وظایف شغلی و امکان ارتقا فراهم می‌کنند و چون این قالب‌ها بر اساس متفاوت بودن زن و مرد در انجام کار به دلیل مسئولیت‌های خانگی است، ناچاراً کار فرمایان دچار تبعیض میان زنان و مردان می‌شوند. (Reskin 1993 : 254)

### ب) تئوری تراکم بیش از حد<sup>۱</sup>

در این تئوری چنین بیان می‌شود که نابرابری جنسی از طریق انباشته شدن زنان در درون مشاغل نسبتاً اندک به وجود آمده است. طبق قانون عرضه و تقاضا، هر چه تعداد کارگران برای یک شغل بیشتر باشد، کارفرمایان مبلغ کمتری به آنان می‌پردازند.

### ج). تئوری بازار کار دوگانه<sup>۲</sup>

از این نظریه برای توضیح تقسیم کار جنسی در بازار کار بهره گرفته‌اند. تئوری بازار کار دوگانه بین دو نوع از مشاغل تمایز قائل می‌شود: مشاغل بخش اول که از لحاظ پرداخت مزد، تأمین بیشتر و فرصت‌های پیشرفت، وضع نسبتاً خوبی دارد. مشاغل بخش دوم با مزد کم، تأمین کمتر و محدودیت امکان پیشرفت، روبه‌رو ست. مشاغل بخش اول مشاغلی هستند که در آنها مهارت کارگران خاص بوده و متناسب با احتیاج مؤسسه‌ی مورد نظر است. در نتیجه‌ی نیاز کارفرما به ثبات، مزدهای بهتری به نیروی کار در این بخش پرداخت می‌شود و دورنمای بهتری از پیشرفت ارائه می‌شود. در مشاغل بخش اولیه ثبات کارگر در کار برای کارفرما اهمیت دارد و جابه‌جایی بیشتر زنها به این معناست که احتمال جذب آنها در مشاغل ثانویه زیادت‌تر است. از اینرو حتا اگر کیفیت زنان و مردان قبل از ورود به شغل برابر باشد، احتمال به‌کارگماردن مردها (با

1- Over Crowding  
2- Dual labour market



فرض داشتن ثبات شغلی) در مشاغل اولیه بیشتر بوده و امکان پیشرفت بعدی (در آن از لحاظ مزد، آموزش حرفه‌ای و ترفیع زیادتر است) بیش از زنهاست. از جمله نکات مهم تئوری تجزیه‌شدن بازار کار عبارت‌اند از: تأکید بر اهمیت وضعیت ورود به سازمان برای تعیین امکانات آینده در کسب ترفیع، سرمایه‌ی انسانی (به شکل آموزش ضمن کار و تجربه‌ی شغلی) و رفتار با کارگران با توجه به خصوصیات شغلی آن‌ها.

از آنجا که غیبت و جابه‌جایی در مشاغل فاقد پیشرفت و سطح پایین (که زن‌ها معمولاً در آنها متراکم می‌شوند) زیادتر است از این رو می‌توانیم به جای اینکه تفاوت‌های جنسیتی را ناشی از ویژه‌گی‌های ذاتی زنان بدانیم، حداقل قسمتی از آن را با نوع مشاغل مرتبط نمائیم.

با اینکه تئوری‌های تجزیه‌شدن بازار کار در مورد نابرابری‌های جنسیتی، موجب شناخت می‌شود، روشن نیست که چرا جنسیت در چنین ابعاد مهم و پایداری عامل تقسیم‌بندی بازار کار شده‌است؟

برای افراد عقلانی است که بیشتر انرژی خود را به کار در بازار اختصاص دهند نه کار خانه‌گی. حال آنکه برای زنان عکس این موضوع مصداق دارد. هر چند تغییر شرایط بازار می‌تواند این وضعیت را تغییر دهد. به این ترتیب امکان کسب درآمد بیشتر توسط فرد یکی از علت‌های بالا رفتن میزان طلاق تلقی می‌شود، زیرا در شرایطی که امکان ایفای نقش‌های دیگر وجود دارد، انتخاب نقش سنتی کاری کمتر عقلانی می‌شود. (کرایب، ۱۳۷۸، ۹۳).

### انگیزه‌ی اشتغال زنان

انگیزه‌های گوناگونی را می‌توان برای رشد اشتغال زنان برشمرد که با توجه به ارزش‌های حاکم بر آن، شبکه‌ای متمایز را تشکیل می‌دهند. در تحقیقات انجام شده، به

طور کلی این انگیزه‌ها به دو دسته انگیزه‌های اقتصادی و انگیزه‌های روانی تقسیم می‌شود:

(۱) انگیزه‌های اقتصادی: این انگیزه‌ها شامل بهبود وضعیت اقتصادی خانواده و خود است.

(۲) انگیزه‌های روانی: این انگیزه‌ها شامل حفظ استقلال فردی، احساس امنیت و گسترش روابط اجتماعی، گریز از خانه و کسالت آور بودن خانه، شکوفایی استعدادها و توانایی‌ها، علاقه، امکان ادامه‌ی تحصیل برای فرزندان است. (جزنی، ۱۳۷۸، ص ۹۵ و ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۱۷۰-۱۶۹).

مهم‌ترین انگیزه‌ی اشتغال در طبقات مرفه اجتماعی انگیزه‌های روانی است. در حالی که در طبقات متوسط و کم‌درآمد مهم‌ترین انگیزه‌ی اشتغال در زنان نیازهای مادی (انگیزه‌های اقتصادی) بوده‌است. (جزنی، ۱۳۷۸، ص ۹۵).

به طور کلی، در انگیزه‌ی اشتغال زنان امکان دخالت چندین نیاز بصورت ترکیبی وجود دارد. در کنار داشتن انگیزه‌های اقتصادی و ایمنی، نیاز به احترام و تعلق نیز مورد توجه است. همچنین در این مسیر، بر اساس نیاز خودشکوفایی، استعدادهای بالقوه خود را بالفعل در آورده و نیازهای بعدی را هم ارضا نمایند. بطور کلی زنان به دلایلی چند، اشتیاق بیشتری به کار کردن نشان می‌دهند. عوامل اقتصادی معمولاً مهم‌ترین است. زنان برای جبران کمبود درآمد خانواده و بالا بردن قدرت خرید خانواده، برای کسب نوعی آزادی فردی و استقلال و یا به عنوان ایمنی برای آینده خود یا خانواده‌شان کار می‌کنند. اگر چه عوامل دیگری نیز مؤثر است که می‌توان آن عوامل را چنین برشمرد: کار کردن به جای در خانه بودن، کسب استقلال، علاقه به کار و یا برآورد خواست‌های شخصی. به نظر می‌رسد انگیزه‌ی زنان از اشتغال بین دو بخش، انگیزه‌های مادی و غیر مادی بر حسب اهداف جامعه و موقعیت اجتماعی و اقتصادی زنان تعیین می‌شود. هر قدر اهداف جامعه متعالی باشد، انگیزه‌های غیر مادی قوی‌تر بوده و بر انگیزه‌های مادی غلبه می‌یابد. (سفیری، ۱۳۷۱، صص ۴۵-۴۳).

## بررسی عوامل درون سازمانی

در این تحقیق عوامل درون سازمانی به عنوان متغیر مستقل مورد مطالعه در نظر گرفته شده، بنابراین به بررسی جنبه‌هایی از آن می‌پردازیم. یکی از عوامل مهم درون سازمان جوّ سازمانی است. جوّ سازمانی، شرایط حاکم بر سازمان است که اعضای یک سازمان در آن شرایط اشتغال دارند. جوّ در سازمان به دو صورت باز و بسته مطرح می‌شود. در جوّ باز، روابط بین اعضا و مدیریت و بین خود اعضا با یکدیگر آزادمنشانه است. در چنین جوّی، آزادی بیان، ارائه‌ی پیشنهادهای و انتقادهای رواج دارد. بر عکس در جوّ بسته، آزادی‌های اعضا محدود است و ارتباطات بین مدیریت و اعضا آمرانه است. نظر به اینکه جو سازمان در همه ابعاد سازمان جریان دارد، بنابراین، تأثیرگذاری در سلوک و حالات اعضا، رفتار سازمانی آنها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تأثیرات می‌تواند موجب انگیزش و یا ضعف آن شود که در هر دو صورت در عملکردهای نیروی انسانی نقش می‌بندد. در کیفیت جوّ سازمانی عوامل گوناگونی تأثیر می‌گذارند که می‌توان آنها را چنین برشمرد:

### ۱ - محیط مادی

نظر به اینکه محیط مادی، اولین موردی است که کارمند جدیدالاستخدام با آن روبه‌رو می‌شود و آنرا می‌سنجد، در ایجاد جوّ مطلوب یا نا مطلوب دخالتی تام دارد. امکان دارد اکثر کارکنان به رنگ و روشنایی محیط کاری اتاق محل کار، کمتر توجه کنند. ولی عینی شدن اهمیت کار بوسیله‌ی شخصیت فرد و موقعیت کاری روشن می‌شود و کارمند را به تصور هویت فردی وامی‌دارد. ملاحظه می‌شود که محیط مادی کار، صرفاً به در و دیوار و تأسیسات و... خلاصه نمی‌شود، بلکه عامل یا عوامل برانگیزاننده روحیه‌ی کاری نیز به طریقی که ذکر شد، جزو محیط مادی کار محسوب می‌شود.

## ۲- ارتباطات بین اشخاص در یک سازمان

ایجاد ارتباط بین کارکنان در مطلوب ساختن جوّ سازمانی مفید است. از طریق ارتباط، بعضی از کارکنان نسبت به محیط کار، نگرشی مثبت پیدا می‌کنند. بعضی دیگر احساس بستگی به سازمان می‌کنند. میتوان مقوله‌های ارتباط بین کارکنان را که در مطلوب ساختن جوّ سازمانی مؤثر است به ترتیب زیر برشمرد:

- برانگیختن احساسات کارکنان نسبت به یکدیگر.

- جلب کمک همکاران یک واحد نسبت به یکدیگر.

- ایجاد روحیه کمک و احترام نسبت به یکدیگر.

ملاحظه می‌شود که ارتباطات بین افراد در جنبه‌ی «درک همدلانه» که یکی شدن را بین کارکنان موجب می‌شود، بیشتر می‌تواند به مطلوب ساختن جوّ سازمانی کمک کند. برای تحقق این نظر، توجه به مشترکات ارزشی نیروی انسانی که از ارتباطات غیر رسمی نشأت می‌گیرد ضروری است. راهکار این مسئله تقویت سازمان‌های غیر رسمی است.

## ۳- بعد اجتماعی سازمان

تشکیل گردهم‌آیی آزاد که نیروی انسانی از آن گرد هم جمع شدن، بخصوص در دوران فراغت، تهیه خبرنامه‌ی داخلی، ثبت وقایع زنده‌گی نیروی انسانی، چون سال‌روز ازدواج، تولد و مرگ عزیزان، بزرگداشت چنین روزهایی از طرف همکاران سازمانی، موجبات مفید گردانیدن کیفیت جو سازمانی را فراهم می‌آورد.

## ۴- نگرش کارکنان

مطالعات هاثورن به سال ۱۹۳۳ در برگیرنده‌ی نتایج زیر بود:

الف- رضایت کارگر در محیط کاری به وضع اجتماعی غیر رسمی گروه همکاران بسته‌گی دارد. یعنی هر گاه کارگر اهمیت فردی خود را احساس کند، یعنی دریابد که

ارزش وجود او در سازمان به دور از نوع کاری است که انجام می‌دهد، در این صورت انگیزش کاری در او تقویت می‌شود. به عبارتی، سازمان را از آن خود می‌داند.

ب- هر عضو سازمانی، نسبت به سازمان خود دارای نگرش خاصی است. اگر این نگرش منفی باشد، موجب ایجاد مسئله و مشکل در سازمان می‌شود. در تحلیل این مورد می‌توان چنین گفت که به نسبت ارضای هر عضو از سازمان مربوطه، طرز تلقی خاصی بوجود می‌آید. کامروایی و ناکامروایی نیازها، موجب طرز تلقی مثبت یا منفی در عضو سازمانی است. این نکته امروزه در روان‌شناسی اجتماعی بحثی را در تکوین طرز تلقی باز کرده‌است. هر چه این طرز تلقی‌ها مثبت‌تر باشد و فرد نقش خود را در محیط اثربخش‌تر بداند راضی‌تر است و با روحیه‌ی بهتری کار می‌کند. (عسکریان، صص ۶۳-۶۱).

### عوامل ایجاد ارتباط در سازمان

#### الف- میزان اختیار

کار مشترک که در سازمان جریان دارد، از نظر جدایی و پذیرش مسئولیت و نظارت بر انجام وظیفه، آمریت و مأموریت را در سازمان به وجود می‌آورد. این امر نشأت گرفته از میزان اختیاری است که هر فرد در حیطه‌ی مسئولیت خود دارد. در نتیجه سبب ایجاد روابط بین فرادست، فرودست و ارباب‌رجوع می‌شود. استقلال فردی در کار، نتیجه را بهتر و بارورتر می‌سازد. فرد به میزانی که استقلال در عمل داشته‌باشد راضی‌تر خواهد بود.

#### ب- هم‌ارزشی گروهی

انسان‌ها برای رفع نیازهای خود، محتاج به یکدیگرند. هم‌ارزشی، عامل عمده‌ای است که انسان‌های نیازمند را به همدیگر پیوند می‌دهد. در درون سازمان‌ها، به دور از سلسله مراتب، در اثر مجاورت و مشابهت کاری، انسان‌ها با ارزش‌های مشابه، یکدیگر

را پیدا می‌کنند و در ساعات فراغت و به دور از محدودیت کاری با هم، رابطه برقرار می‌کنند. این نوع روابط که جنبه‌ی بی‌ریایی و هم‌زبانی دارد، در تکوین شخصیت انسان، اهمیت خاص دارد. چرا که فرد می‌تواند به راحتی خواسته‌های خود را بیان کند، خود را بنمایاند، بخواهد و خواسته شود. هم‌زبانی بین انسان‌های سازمانی، در قالب هم‌ارزشی گروهی متجلی می‌شود که در ایجاد تغییر و تثبیت رفتار فردی مؤثر واقع می‌شود. (همان، ۷۹).

### محیط سازمانی

محیط در مفهوم عام عبارت است از کلیه‌ی عوامل تأثیرگذار در رفتار فرد. بنابراین، محیط صرفاً جنبه‌ی جغرافیایی ندارد، زیرا امکان دارد عواملی بر فرد محیط باشند، ولی قادر به تأثیرگذاری در او برای ایجاد واکنش نباشند. محیط سازمانی در مفهوم خاص خود، عوامل تأثیرگذار در رفتار نیروی انسانی است. رفتاری که در مفهوم سازمان مطرح می‌شود، از جمله عوامل تأثیرگذار در رفتار سازمانی، رهبری سازمان برای راهبری و افراد تحت امر در بعد دیگر، قرار دارد که حدّ فاصل این دو بعد عوامل کمک کار رهبر قرار دارند.

### رهبری در سازمان

«لیکرت» با طرح چهار سیستم رهبری در مدیریت، انواع مختلف رهبری را معرفی می‌کند:

سیستم اول) رهبری کاشف-آمرانه: این رهبری مبتنی بر حربه‌ی قدرت‌مداری است. در قلمروی این گونه از سیستم رهبری، رهبر به زیردستان اطمینان نمی‌کند، متکی بر قانون و جزا است.

سیستم دوم) رهبری خیرخواه- آمرانه: این نوع رهبری بر خلاف نوع اول، پدرانانه است. در قلمروی این گونه رهبری، رهبر، زیردستان را به وسیله‌ی مقررات و پاداش زحمات، با توجه به برآورده شدن خواسته‌های خود هدایت می‌کند.

سیستم سوم) رهبری مشاورتی: این نوع رهبری، بر حسب موقعیت، مقررات و پاداشی را به کار می‌برد. ضمناً فرودستان را در مشاورت‌های تصمیم‌گیری شرکت می‌دهد.

سیستم چهارم) رهبری مشارکت گروهی: در این نوع رهبری، رهبر به فرودستان اطمینان کامل دارد، نظر خود را به نظرخواهی می‌گذارد. پاداش را بین گروه تقسیم می‌کند.

تأثیرات رفتاری نیروی انسانی در سازمان از عناصر ذکرشده، بدین گونه است که رهبر، الگوهای رهبری خود را با توجه به وضعیت افراد تحت امر از نظر شخصیت، آمال و خواسته‌ها تعیین می‌کند. الگوی رهبری در شئون مختلف سازمانی جاری می‌شود، در نتیجه نحوه‌ی عملکرد و انجام وظایف کارکنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدین گونه است که رهبران مستبد و خودکامه به نوعی و رهبران دموکرات و آزادمنش به نوعی دیگر در رفتار سازمانی افراد تحت امر خود تأثیر می‌گذارند. این تأثیرگذاری که از رهبری مدیران نشأت می‌گیرد، از رأس هرم سازمانی به وسیله‌ی سلسله مراتب جریان می‌یابد. ساختار سازمانی، کلیه‌ی عوامل انسانی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در کنار این امر، خود کارکنان در یکدیگر تأثیر می‌گذارند و به نسبت تفاوت‌های شخصیتی خود در حدی در رفتارهای یکدیگر اثر دارند. ملاحظه می‌شود که محیط سازمانی از عوامل زنده، چون مدیر یا رهبر، یاران مدیر، افراد تحت امر رهبر و از عوامل محسوس نوع رهبری سازمان، انتظارات رهبری و خواسته‌های اعضا تشکیل می‌شود.

هر کس، ایفاگر نقشی است و در رابطه با آن انتظاراتی دارد. این انتظارات در رفتار سازمانی او تأثیر می‌گذارد. پس هر سازمان که در آن امر رهبری و مدیریت بیشتر مطرح بوده و در برآوردن انتظارات اعضای خود کوشش کند، رفتار سازمانی در آن مطلوب

می‌شود. برای تشخیص انتظارات اعضا، رهبر سازمانی باید به ارزش‌یابی پردازد تا در میزان کارآمدی، سطح خواسته‌های سازمانی و پاسخی که سازمان در رابطه با کارآمدی عضو به خواسته‌های او می‌دهد، روشن شود. با توجه به انتظارات اعضا در رابطه با کارآمدی لازم است که به موقعیت آنها در سازمان توجه شود. زیرا رفتار سازمانی نتیجه‌ای از موقعیت (شخصیت سازمانی)، انتظارات اعضا از سازمان و عملکرد سازمان با عضو است.

به نظر یک متخصص، در روابط انسانی محیط کار، عوامل زیر در ارتباطات متقابل انسان‌ها مؤثر است:

فرهنگ، آزادی، مساوات، امنیت، طبقه‌ی اجتماعی، فرصت، انگیزش، نقش، پایگاه اجتماعی شامل رده‌های سازمانی و نوع کار و مهارت و شرایط کار و حقوق ارشدیت، تحصیلات، تعادل اجتماعی و سازگاری فرد با دیگران (کیت، ص ۸۹)

### چارچوب انتخاب شده

به طور کلی از مباحث نظری طرح شده می‌توان نتیجه گرفت که مباحث نابرابری، هم از نظر اجتماعی و هم از نظر سازمانی از جمله عواملی است که بر اشتغال زنان در بخش خصوصی تأثیر می‌گذارد. همان گونه که نظریات مبتنی بر جامعه‌پذیری و قبول نقش‌های سنتی زن و مرد، تقسیم کار را در بازار کار به وجود آورده و جدایی آنها را در بین مشاغل با اهمیت و کم اهمیت موجب شده است. همچنین شناخت جو سازمانی و عوامل مؤثر بر آن، نوع مدیریت و رهبری در سازمان از جمله بحث‌های نظری است که در این تحقیق مورد سنجش قرار گرفته است.

از سویی آنچه در این تحقیق مورد نظر است روحیه‌ی شغلی زنان (آمیزه‌ای از نگرش به کار و انتظارات از آن و رضایت از آن) می‌باشد. کار برایشان چقدر جذابیت دارد؟ آیا وجود خود را در محیط موثر می‌بینند و به اصل خود اثربخشی در کارشان رسیده‌اند؟ آیا بین تحصیلات و توانمندی خود با کار تناسبی می‌بینند؟ اگر چنین است،



ارزیابی از شغل خودشان را در سطح بالاتری قرار می‌دهند. این شاخص‌ها ما را به جنبه‌های مختلف ارزیابی از شغل متوجه می‌سازد. از سویی عوامل درون سازمانی چه تأثیری بر این ارزیابی دارد؟

عوامل درون سازمانی هم از نظر ساختار قدرت، استقلال، شیوه‌ی اعمال مدیریتی، نوع کار و از طرفی ارتباط همکاران با یکدیگر و با مدیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس مدل علی طرح شده می‌توان فرضیه‌های زیر را مطرح کرد.

### فرضیه‌ی کلی:

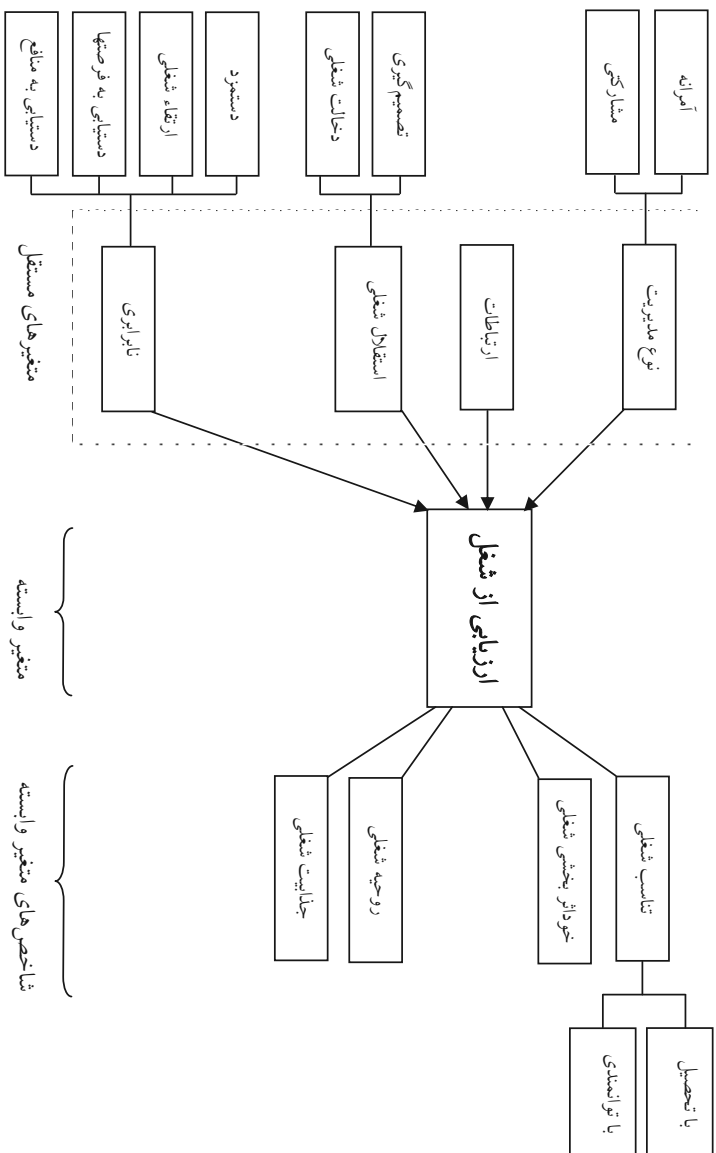
عوامل درون‌سازمانی با ارزیابی از شغل زنان در بخش خصوصی رابطه‌ی معناداری دارد.

### فرضیه‌های جزئی:

- ۱- نوع مدیریت مشارکتی نسبت به مدیریت آمرانه بر ارزیابی مثبت‌تر از شغل تأثیر می‌گذارد.
- ۲- ارتباطات بیشتر و صمیمی‌تر همکاران بر ارزیابی مثبت‌تر از شغل تأثیر می‌گذارد.
- ۳- هر چه استقلال شغلی بیشتر باشد ارزیابی از شغل مثبت‌تر خواهد بود.
- ۱-۳- هر چه در تصمیم‌گیری شغلی، افراد را بیشتر دخالت دهند ارزیابی مثبت‌تری از شغل خواهند داشت.
- ۴- هر چه نابرابری در شغل بیشتر باشد ارزیابی از شغل منفی‌تر خواهد بود.
- ۵- تحصیلات بالاتر با ارزیابی مثبت از شغل رابطه‌ی معناداری دارد.
- ۶- تعداد فرزندان با ارزیابی از شغل رابطه‌ی معناداری دارد.
- ۷- سن با ارزیابی از شغل رابطه‌ی معناداری دارد.

## مدل رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته

عوامل درون سازمانی



## روش تحقیق

جامعه‌ی آماری این تحقیق، زنان شاغل در بخش غیر دولتی است که کلیه‌ی فعالیت‌های صنعتی، خدماتی (اعم از فرهنگی و بهداشت و درمان و غیره) را در بر می‌گیرد. از روی لیست کارگاه‌ها و مکان‌هایی که به نوعی ثبت گردیده‌بودند (به عنوان غیر دولتی) به روش تصادفی نمونه‌گیری شد. ۴۰۰ نمونه‌ی انتخاب شده (برحسب واحدهایی که از ۵ نفر به بالا زن در آن کار می‌کردند و در سطوح مختلف شغلی هم قرار داشتند) مورد پرسش واقع شدند.

پس از تعریف برای هر یک از متغیرهای مورد نظر تعدادی گویه انتخاب شد با تست اولیه، روایی گویه‌ها برای سنجش متغیر مورد نظر سنجیده شد و در صورت روایی پایین، برخی از گویه‌های نامربوط حذف شدند.

شاخص‌های متغیر مستقل، عوامل درون سازمانی عبارتند از:

نوع مدیریت - ارتباطات - استقلال شغلی - نابرابری

و شاخص‌های متغیر وابسته، ارزیابی از وضعیت شغلی بدین قرارند:

خوداثربخشی - روحیه‌ی شغلی - جذابیت شغلی - تناسب شغلی

## توصیف یافته‌ها

در بررسی متغیرها برخی نتایج توصیفی زیر به دست آمد که حائز اهمیت است:  
شاخص نابرابری: از حد متوسط به بالا زنان معتقد بودند که در سازمان همه‌ی امتیازهای مادی و معنوی به سود مردان است.

## جدول ۲ - توصیف شاخص نابرابری

درصد	فراوانی	طبقات
۵	۱۵	خیلی کم
۱۶	۴۱	کم
۳۴/۸	۸۹	متوسط
۳۵/۲	۹۰	زیاد
۸/۲	۲۱	خیلی زیاد
۱۰۰	۲۵۶	جمع

جدول ۲ بیانگر میزان شاخص نابرابری در بخش‌های غیر دولتی است. ۲۱٪ از پاسخگویان نابرابری را در حد خیلی کم و کم مطرح نموده، ۳۴/۸٪ در حد متوسط و ۴۳/۴٪ در حد زیاد و خیلی زیاد مطرح نموده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میزان نابرابری در این گونه سازمان‌ها نسبتاً بالا است.

**شاخص نوع مدیریت:** در بخش‌های غیر دولتی در حد نسبتاً زیاد به نظرات کارکنان توجه می‌شود و مدیریت در این بخش به شیوه مشارکتی نسبت به شیوه آمرانه نزدیک‌تر است.

## جدول ۳ - توصیف شاخص نوع مدیریت (مشارکتی)

در صد	فراوانی	طبقات
۵	۲۰	کم
۱۱/۳	۴۵	متوسط
۲۶/۸	۱۰۷	زیاد
۴۱/۸	۱۶۷	خیلی زیاد
۸۴/۸	۳۳۹	جمع

شاخص نوع ارتباطات در سازمان: جدول ۴ نشان می‌دهد که ارتباطات با همکاران خیلی خوب بوده و زنان از روابط دوستی و صمیمیت زیاد با همکاران زن برخوردارند.

جدول ۴ - توصیف شاخص ارتباطات در سازمان

در صد	فراوانی	طبقات
۱/۹	۷	خیلی کم
۸/۱	۳۰	کم
۴۱/۶	۱۵۴	متوسط
۳۵/۹	۱۳۳	زیاد
۱۲/۴	۴۶	خیلی زیاد
۱۰۰	۳۷۰	جمع

جدول ۴ نشان‌گر آنست که ۱۰٪ پاسخگویان اظهار داشته‌اند که ارتباطات در سازمان (با همکاران) در حد کم و خیلی کم، ۴۱/۶٪ در حد متوسط و ۴۸/۳٪ در حد زیاد و خیلی زیاد بوده است. به طور کلی روابط همکاران در محیط سازمان در حد بالا بوده و آنان از روابط دوستی و صمیمی زیاد با یکدیگر برخوردارند.

شاخص استقلال شغلی: یکی از یافته‌های مهم آن است که در بخش غیر دولتی زنان در کار خود استقلال شغلی دارند و این امر برای زنان بسیار مهم تلقی شده است.

جدول ۵ - توصیف شاخص استقلال شغلی

در صد	فراوانی	طبقات
۱/۸	۷	خیلی کم
۱۰/۱	۳۹	کم
۳۳/۷	۱۳۰	متوسط
۳۷/۶	۱۴۵	زیاد
۱۶/۸	۶۵	خیلی زیاد
۱۰۰	۳۸۶	جمع

جدول ۵ نشان می‌دهد که ۸۸/۲٪ از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که دارای استقلال شغلی متوسط و بالا هستند و تنها ۱۱/۹٪ استقلال شغلی در حد کم، یا خیلی کم را مطرح نموده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که استقلال شغلی در بین پاسخگویان مطالعه شده متوسط و بالا می‌باشد.

نتایج شاخص‌های ارزیابی وضعیت شغلی بدین شرح است:  
**شاخص خوداثربخشی** از حد متوسط به بالا: آنان در کار خود اثربخشی را احساس می‌کردند.

**جذابیت شغلی** در حد متوسط به بالا بوده است.  
**روحیه‌ی شغلی** از حد متوسط به بالا ارزیابی شده است.  
**تناسب شغلی** نیز در حد متوسط به بالا بوده و پاسخگویان شغل‌شان را با تحصیلات و توانمندی‌هایشان متناسب ارزیابی نموده‌اند.

در بررسی مشکلات، عدم ثبات شغلی و اطمینان به آینده‌ی کاری و پایمال شدن حقوق زنان و عدم حمایت‌های قانونی، عدم توجه مسئولین و رسیده‌گی به مشکلات آنان را مطرح نموده‌اند.

به طور کلی مشکلات زنان در بخش غیر دولتی در سه سطح مطرح می‌شود:

۱- ساختار جامعه

۲- سازمان

۳- زنان شاغل

عدم حمایت اجتماعی و تبعیض در سازمان و عدم انگیزه در زنان جزو مشکلات طرح شده است ولی در مورد برخورد جامعه با کار زنان یا فقر فرهنگی در ارتباط با کار آنان در بخش غیر دولتی، زنان این مشکل را خیلی کم‌اهمیت می‌دانستند و این امر نشان می‌دهد پذیرش فرهنگی از سوی جامعه برای کار زنان در بخش غیر دولتی به شیوه‌ی مطلوب صورت گرفته و چنانچه به نوعی محیط‌های غیر دولتی تحت نظارت سندیکاها و اتحادیه‌ها کنترل شود، مشکلات باقی‌مانده به حداقل می‌رسد.

## تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری:

میانگین ارزیابی از وضعیت شغلی زنان نشان‌گر آن است که در حد متوسط به بالا بوده‌است، ضریب هم‌بستگی نشان داد بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته روابط معنادار، مثبت و قوی وجود دارد.

## جدول ۶ - رابطه بین عوامل درون سازمانی و وضعیت ارزیابی از شغل

عوامل درون سازمانی	متغیر مستقل متغیر وابسته
$r = ۰/۶۳۰۵$ (۴۰۰) $p = ۰/۰۰۰$	ارزیابی از وضعیت شغلی

شاخصه‌های این جدول نشان می‌دهد که ضریب هم‌بستگی بین دو متغیر فوق  $r = ۰/۶۳۰۵$  است. یعنی بین عوامل درون سازمانی و ارزیابی از وضعیت شغلی یک رابطه مثبت، قوی و معنادار وجود دارد. هر چه عوامل درون سازمانی مانند نوع مدیریت، ارتباطات، استقلال شغلی و نابرابری مناسب باشد، ارزیابی کارکنان از وضعیت شغلی‌شان مثبت‌تر و بهتر است.

بنابراین فرضیه‌ی تحقیق که در آن اظهار شده‌بود، بین عوامل درون سازمانی با ارزیابی از وضعیت شغلی رابطه مثبت وجود دارد، تأیید گردید.

در مورد سن و تعداد فرزندان و تحصیلات، سابقه‌ی کار، هزینه‌ی زندگی بعنوان متغیرهای زمینه‌ای تنها تحصیلات رابطه‌ی معناداری داشت و بقیه رابطه‌ای ضعیف داشتند.

با حذف بعضی از متغیرها در روابط چند متغیری که متغیرها به ترتیب اولویت تأثیر وارد معادله می‌شوند (روش stepwise)، نتایج بررسی چنین بود:

جدول ۷ - ضرایب رگرسیون چند متغیری برای تبیین متغیر وابسته (ارزیابی از شغل)

متغیرهای مستقل	ضرایب بتا Beta	آزمون t	سطح معناداری Sig
نابرابری	-۰/۲۹۸	۴/۸۱۸	۰/۰۰۰
استقلال شغلی	۰/۲۹۴	۵/۶۴۹	۰/۰۰۰
ارتباطات	۰/۲۱۳	۳/۸۸۵	۰/۰۰۰
مدیریت	۰/۱۵۸	۲/۴۹۶	۰/۰۱۳
R = ۰/۷۱۱		F = ۵۴/۹۰۳	
R <sup>2</sup> = ۰/۵۰۵		Sig = ۰/۰۰۰	
Adjusted R Square = ۰/۴۹۶			
Standard Error = ۱۰/۶۹			

جدول ۷ ضرایب رگرسیونی چند متغیره را برای تبیین متغیر وابسته (ارزیابی از شغل) نشان می‌دهد. این جدول بیان‌گر آن است که متغیر نابرابری با ضریب رگرسیون -۰/۲۹۸ به عنوان اولین متغیر تبیین‌کننده وارد معادله‌ی رگرسیونی شده‌است. هر چه نابرابری شغلی بیشتر باشد ارزیابی از وضعیت شغلی پائین‌تر است. متغیر استقلال شغلی با ضریب ۰/۲۹۴ به عنوان دومین تبیین‌کننده وارد معادله شده و نشان می‌دهد هر چه استقلال شغلی بیشتر باشد ارزیابی از وضعیت شغلی نیز بالاتر است.

متغیر ارتباطات در درون سازمان (بین همکاران) به عنوان سومین متغیر با ضریب ۰/۲۱۳ وارد شده که نشان می‌دهد هر چه روابط کارکنان با همدیگر بهتر باشد ارزیابی از وضعیت شغلی نیز بالاتر خواهد بود و بالاخره متغیر مدیریت با ضریب ۰/۱۵۸ وارد معادله‌ی رگرسیونی می‌شود که نشان می‌دهد هر چه مدیریت بر اساس شرکت‌دادن اعضا در تصمیم‌گیری‌ها و توجه به نظرات کارکنان باشد ارزیابی از وضعیت شغلی نیز بالاتر خواهد بود.



مقدار  $R^2$  برابر ۰/۵۰۵ می‌باشد که نشان می‌دهد ۵۱٪ از تغییرات در متغیر وابسته‌ی ارزیابی از شغل توسط چهار متغیر فوق توضیح داده شده است و ۴۹٪ آن بلا توضیح مانده است که توسط متغیرهای دیگر خارج از مدل قابل توضیح است.

در ارتباط با نوع شغل و متغیرهای مستقل، پزشکان و مهندسان و دبیران و مدیران بیشترین استقلال شغلی و مدیریت از نوع مشارکتی را تجربه کرده بودند و ارزیابی بالاتری از شغل خود داشتند و کارگران که کمترین استقلال شغلی و بیشترین نابرابری را داشتند، ارزیابی پایین‌تری هم از شغل خود داشتند.

در مجموع به نظر می‌رسد بخش غیر دولتی بستر خوبی برای رشد و ارتقای زنان ایجاد نموده که با رفع بعضی از نواقص آن می‌تواند میزان مشارکت زنان را افزایش داده و دولت هم باید تمهیداتی برای این بخش قائل شود. هم چنین این بخش با نهادهایی چون سندیکاها و اتحادیه‌ها باید کنترل شود. در این صورت بخش مهمی از توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی را در خلال کار زنان از این بخش می‌توان نتیجه گرفت.

### پیشنهادها:

۱- با توجه به اینکه زنان به جنبه‌های استقلال شغلی و نوع مدیریت مشارکتی اهمیت زیادی می‌دهند، لذا تقویت این زمینه‌ها گرایش زنان را به کار در این بخش بیشتر می‌کند.

۲- تقویت نهادهای کنترلی می‌تواند این بخش را از بعضی آسیب‌ها حفظ نماید.

۳- بخش غیر دولتی جذابیت زیادی مخصوصاً برای مشاغل سطح بالا ایجاد نموده که با رشد تحصیلات و تخصص زنان، می‌توان این بخش را آماده‌ی کار برای زنان نمود.

۴- نابرابری میان زنان و مردان چه در بخش دولتی و چه غیر دولتی از معضلات بزرگ در سازمان‌های کاری است. دولت برای حذف آن (که گامی هم در جهت توسعه‌ی انسانی در کشور است) تمهیداتی را باید به کار بندد.

## منابع:

- ۱- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی صبوری، منوچهر. چاپ سوم، نشرنی.
- ۲- فرجادی، سیمین (۱۳۷۱). خانواده، زن، اشتغال: پژوهشی در مورد مسائل و مشکلات زنان کارمند سازمان برنامه و بودجه. پایان‌نامه‌ی مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۳- کرایب، یان. (۱۳۷۸). نظریه‌ی اجتماعی مدرن (مترجم، عباس مخبر) تهران: انتشارات آگاه.
- ۴- جزنی، نسرين. (۱۳۷۸). مدیریت منابع انسانی. تهران: نشرنی.
- ۵- سفیری، خدیجه (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی اشتغال زنان. تهران. نشر تبیان.
- ۶- عسکریان، (۱۳۷۸)، مصطفی. روابط انسانی و رفتار سازمانی، انتشارات امیر کبیر.
- ۷- کیت، دیویس (۱۳۶۵) مقدمه‌ای بر روابط انسانی، (مترجم، ناصر رحیمی و محمود توتونچیان). تهران. مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۸- مرکز آمار ایران - نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵.
- ۹- سال‌نامه‌ی آماری کشور، ۱۳۸۰.

1- Smith, Patricia. (1998), Human Relation Employee Work attitudes, Plenum Publishing Corporation, <http://www.findarticles.com>

2- Hultin, M. (1999), Wage and Access to Organizational Power, Cornell University, <http://www.findartiele.com>

3- Reskin, Barbara. (1993), Sex segregation in the workplace "Annual Review of Socrology". 19. 241- 270.

# بررسی ارتباط بین حافظه‌ی معنایی و خلاقیت در دو گروه از دانش‌آموزان دختر تیزهوش و عادی: رویکرد نوروسیکولوژیک

دکتر اکرم خمسه\*

## چکیده

در این پژوهش، چگونگی پردازش اطلاعات به طریق چندوجهی (دیداری، شنیداری و شنیداری-دیداری، میدان دیداری راست، میدان دیداری چپ و پردازش با هر دو نیمکره مغز) و با استفاده از روش راه‌اندازی معنایی و رابطه‌ی این پردازش با ویژگی‌های تفکر خلاق، بررسی شد. این مطالعه بر روی دو گروه از دانش‌آموزان دختر تیزهوش و عادی در مقطع دبیرستان انجام گرفت. هدف از این مطالعه، بررسی و شناخت فرایندهای حافظه‌ی معنایی و خلاقیت عابدی (عابدی، ۱۹۹۵) حافظه‌ی معنایی و خلاقیت، اندازه‌گیری شد.

نتایج نشان می‌دهد که کارکردهای عصبی در افراد تیزهوش انرژی کمتری را به مصرف می‌رساند و زمان واکنش در آنها سریع‌تر است. دو گروه از لحاظ خلاقیت تفاوت معنی‌دار با یکدیگر نشان نداده‌اند. نتایج بر اساس نظریه هوش چند وجهی (هوارد گاردنر، ۱۹۹۸ و رنزدلی، ۱۹۹۸)، مورد بحث قرار گرفته‌است و یک مدل بازنمایی چندگانه از لحاظ معنایی ارائه شده، که در یاری رساندن به برنامه‌های آموزشی و پرورش استعدادها خلاق می‌تواند راه‌گشا باشد.

**واژگان کلیدی:** حافظه‌ی معنایی، راه‌اندازی معنایی، زمان واکنش، پردازش اطلاعات چندوجهی، پردازش اطلاعات نیمکره‌ها در مغز، خلاقیت.

روان‌شناسان صور مختلف حافظه را از یکدیگر متمایز کرده‌اند. حسب تعریف، حافظه عبارت است از حفظ و نگهداری اطلاعاتی که یادگیری شده است. بسیاری از پژوهشگران که در زمینه‌ی حافظه، پژوهش کرده‌اند حافظه‌ی دراز مدت را از یکدیگر متمایز می‌سازند، تالوینگ<sup>۱</sup> وجود دو نظام حافظه‌ای را مطرح کرده‌است: حافظه‌ی رویدادی<sup>۲</sup> و حافظه‌ی معنایی<sup>۳</sup>. حافظه‌ی معنایی دانش ما از جهان است، یعنی در وهله‌ی اول مفاهیم و واژگان حافظه‌ی معنایی را تشکیل می‌دهند، چرا که مفاهیم مرتبط‌کننده قوانین معانی به شمار می‌آیند و شامل اطلاعات لازم برای بازشناسی ادراکی و مهارت‌های حرکتی است. از جمله باید به گفتار که در بین همه مشترک است و نواختن پیانو یا مهارت‌های خاص که به برخی از افراد اختصاص دارد اشاره کرد. حافظه‌ی معنایی مستلزم نوع کلی‌تر از شناخت است که شامل رمزهای ادراکی، مهارت‌های حرکتی و سایر اطلاعات مربوط به «چه»ها و «چگونگی»ها است. قشر مغز در حافظه‌ی معنایی نقش دارد. اطلاعات در حافظه‌ی درازمدت بر اساس معانی سازمان می‌یابد (مارگولین، ۱۹۹۲). سازمان‌بندی معنایی از قوی‌ترین تعیین‌کننده‌های عملکرد در تکالیف ذهنی است (کوهن، ۱۹۹۷). هنگامی که معانی یا مقوله‌های اطلاعاتی قبلی بر یادآوری و پردازش بعدی، در حافظه اثر بگذارد، این اثر را راه‌اندازی معنایی<sup>۴</sup> می‌نامند. راه‌اندازی معنایی یکی از روش‌های بررسی حافظه‌ی معنایی است. یعنی معانی یا مقوله‌های اطلاعاتی ارائه‌شده‌ی قبلی بر انتخاب‌های بعدی تأثیر می‌گذارد. برای مثال وقتی به آزمودنی‌ها پس از واژه‌ی پرستار، واژه راه‌اندازه‌ی کننده‌ی «دکتر» ارائه می‌شود که با واژه‌ی پرستار ارتباط معنایی دارد و تداعی‌کننده‌ی آن است، در مقایسه با زمانی که واژه‌ی پرستار، به دنبال یک واژه‌ی غیر مرتبط می‌آید، برای آنان زودتر قابل تشخیص است، این تأثیر را راه‌اندازی معنایی می‌نامند (اسپرینگر، ۱۹۹۳). مطالعات نوروپسیکولوژیک و

1- Tulving

2- episodic memory

3- semantic memory

4- semantic priming

الکتروفیزیولوژیک شواهد مستقیمی را درباره‌ی اهمیت کرتکس خلفی راست در «راه‌اندازی معنایی» کلمه، نشان می‌دهد. نتایج بررسی‌ها نشانگر آن است که جریان خون مغز در ناحیه‌ی کرتکس مخطط راست در طی تکمیل واژه‌های ناتمام، به کمک راه‌اندازی معنایی قبلی، به گونه‌ای معنی‌دارتر کمتر از زمانی است که تکمیل واژه بدون کمک از شیوه‌ی راه‌اندازی معنایی صورت گرفته‌است. تبیین فعالیت کاهش‌یافته در طی راه‌اندازی معنایی بدان مفهوم است که وقتی محرک ادراکی ارائه می‌شود، برای مدتی فعالیت عصبی کمتری لازم است تا همان محرک بعداً پردازش شود. (اسکوایر، ۱۹۹۲)

محققان برانگیختگی و فعال‌شدگی ناحیه‌ی هیپوکامپ را در طی این نوع تکالیف یادآوری مطرح کرده‌اند. در بازشناسی کلمه، در شرایط راه‌اندازی معنایی، دوره‌ی نهفتگی پاسخ تفاوت معنی‌داری را با یادآوری صرف کلمه نشان داده‌است. در مطالعات الکتروفیزیولوژیک مربوط به یادآوری، دوره‌ی نهفتگی پاسخ، برابر با ۸۰۰-۵۰۰ میلیونیم ثانیه است در حالی که این زمان در دوره‌ی نهفتگی پاسخ در رابطه با راه‌اندازی معنایی برابر با ۴۰۰-۵۰۰ میلیونیم ثانیه می‌باشد. (کاسلین، اسکوایر، ۱۹۹۲)

امروزه برای بررسی فرآیندهای شناختی زیربنایی ذهن از روش‌هایی مانند ارائه‌ی محرک‌ها با زمان بسیار محدود و بررسی زمان واکنش نسبت به آنها و چگونگی پردازش اطلاعات از طریق راه‌اندازی معنایی استفاده می‌شود. در پژوهش فعلی نیز سعی شده‌است تا چگونگی پردازش اطلاعات در حافظه‌ی معنایی با استفاده از روش راه‌اندازی معنایی و به طریق چند وجهی بررسی شود. یعنی ارائه‌ی شنیداری-دیداری محرک‌ها و ارائه‌ی دیداری محرک‌ها و ارائه‌ی محرک‌ها در میدان دیداری راست (پردازش با نیمکره‌ی چپ) و میدان دیداری چپ (پردازش با نیمکره‌ی راست) و ارائه‌ی محرک‌ها در مرکز میدان دیداری (پردازش با هر دو نیمکره) مقایسه شد و رابطه‌ی این پردازش نیز با واژه‌هایی که دارای ارتباط معنایی با یکدیگرند و واژه‌هایی که فاقد ارتباط معنایی با یکدیگر هستند، در دو گروه از دانش‌آموزان دختر مرکز آموزشی فرزندگان و دانش‌آموزان یک دبیرستان دولتی

(دبیرستان الزهرا (س)) مشخص گردید و ارتباط انواع پردازش با ویژگی‌های خلاقیت مورد ارزیابی قرار گرفت.

اهمیت این کار، در شناخت دقیقتر فرایندهای زیر بنایی تفکر خلاق و حافظه‌ی معنایی است و اینکه پردازش اطلاعات چندوجهی و تفکر خلاق در این دو گروه، چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟

ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که بقا در جهان امروز، بستگی به کشف ساز و کارهای بهبود حافظه دارد و در نهایت نیز می‌تواند به نظام‌های آموزشی خلاق کمک کند و دستور العمل‌هایی را به دانش‌آموزان مبتنی بر چگونگی کاربرد خلاق اطلاعات و کارآمدی حافظه، ارائه می‌دهد. این پژوهش با رویکرد زمان‌سنجی ذهنی (اندازه‌گیری زمان واکنش آزمودنی‌ها به شیوه‌های مختلف ارائه‌ی محرک‌های کلامی)، اندازه‌گیری شده، همچنین با یک آزمون خلاقیت، ابعاد مختلف خلاقیت آنها نیز مورد بررسی قرار گرفت.

آغاز مطالعات با رویکرد زمان‌سنجی ذهنی و بررسی زمان واکنش در روان‌شناسی، به سال ۱۸۶۸ بر می‌گردد که بازتاب میزان زمان لازم برای اجرای عملکردهای شناختی است. در سال‌های اخیر تحقیقات در این زمینه مجدداً گسترش یافته‌است و نوروسیکولوژیست‌های شناختی زمان واکنش را نسبت به تکالیف شناختی، بررسی می‌کنند. (کای، ۱۹۸۱) پاسنر و همکاران او نیز در دهه‌ی ۹۰ دریافتند که سرعت و دقت افراد خبره در استراتژی‌های شناختی متفاوت است.

فاستر نیز کارکردهای عالی ذهنی را مستلزم تفکر خلاق و حافظه‌ی کارآمد دانست و محل اصلی آن را در کرتکس پره‌فرونتال تعیین کرد. در مطالعات دیگر نیز زمان واکنش همبستگی کلی با سوخت و ساز گلوکز در مغز را نشان داده است (مارگولین، ۱۹۹۲).

در پژوهش فعلی نیز به بررسی زمان واکنش آزمودنی‌ها به شیوه‌های مختلف ارائه‌ی محرک‌ها در حافظه‌ی معنایی و رابطه آن با مقیاس‌های مختلف خلاقیت پرداخته و فرضیه‌های زیر بررسی شده‌است:

- ۱- زمان واکنش دانش‌آموزان دختر در مراکز استعدادهای درخشان نسبت به تکالیف شناختی با زمان واکنش دانش‌آموزان دختر در دبیرستان‌های عادی تفاوت دارد.
- ۲- دقت تشخیص محرک‌ها یا واژه‌های هدف (تعداد پاسخ‌های درست) در تکالیف راه‌اندازی حافظه‌ی معنایی در دو گروه متفاوت است.
- ۳- نمرات خلاقیت دانش‌آموزان دختر مراکز استعدادهای درخشان براساس مقیاس‌های مختلف آزمون خلاقیت با نمرات دانش‌آموزان دختر از دبیرستان‌های عادی در همان مقیاس‌ها، تفاوت دارد.
- ۴- پردازش اطلاعات (زمان واکنش و تعداد پاسخ‌های درست) در ارائه‌ی دیداری محرک‌ها، با پردازش اطلاعات به صورت شنیداری-دیداری در دو گروه تفاوت دارد.
- ۵- پردازش اطلاعات (زمان واکنش و تعداد پاسخ‌های درست) در مرکز میدان دیداری با پردازش اطلاعات در میدان دیداری راست (نیمکره‌ی چپ) و در میدان دیداری چپ (نیمکره‌ی راست) در دو گروه متفاوت است.
- ۶- پردازش اطلاعات از لحاظ زمان واکنش بر حسب ارائه‌ی محرک‌ها در میدان دیداری راست (نیمکره‌ی چپ) با ارائه‌ی محرک‌ها در میدان دیداری چپ (نیمکره‌ی راست) در نمونه‌ی مورد مطالعه تفاوت دارد.
- ۷- شیوه‌های مختلف ارائه‌ی محرک‌ها یا واژه‌های هدف به شکل مرتبط، نامرتب و متناقض یعنی مرتبط / نامرتب با زمان واکنش در گروه مورد مطالعه تفاوت دارد.

### روش شناسی

- ۱- **جامعه:** در این پژوهش کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر مقاطع اول و دوم مرکز آموزش فرزندگان در منطقه ۶ آموزش و پرورش ( $N = 451$ ) و نیز کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر

همان مقاطع در دبیرستان دخترانه‌ی الزهرا(س) ( $N = ۶۷۲$ ) جامعه‌ی مورد مطالعه را تشکیل داده‌اند.

**۲- نمونه و روش نمونه‌گیری:** از جامعه‌ی تعریف شده در بالا، نمونه‌ای متشکل از ۳۵ دانش‌آموز دختر از مرکز آموزشی فرزنانگان به عنوان گروه آزمایشی انتخاب شدند و ۳۳ نفر نیز بر اساس وضعیت اقتصادی- اجتماعی، محل سکونت و وضعیت تحصیلی مشابه از دانش‌آموزان دختر دبیرستان الزهرا(س) با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. دامنه‌ی سنی دو گروه بین ۱۶-۱۳ سال است.

**۳- ابزار اندازه‌گیری و روش اجرا:** ابزار اندازه‌گیری شامل ۱۰ مقوله‌ی معنایی است که واژه‌هایی را تشکیل می‌دهند که حافظه‌ی معنایی را راه‌اندازی می‌کند (واژه‌ی Prime) و دو واژه‌ی مسلط از هر مقوله نیز تعیین شده است، یعنی ۲۰ جفت‌واژه، هدف را تشکیل می‌دهند.

براساس مطالعات انجام‌شده‌ی قبلی، در انتخاب این واژه‌ها، ابتدا ۲۵ واژه از آزمون حافظه‌ی وکسلر فرم فارسی به عنوان واژه‌ی کلیدی یا prime انتخاب شدند. سپس برای تهیه‌ی جفت‌واژه‌های هدف مقوله‌های کلیدی به ۵۸ دانشجوی سال اول رشته‌ی روان‌شناسی داده‌شد، تا آنها با ارائه‌ی حداقل چهار تا شش واژه، واژه‌هایی را که بیشترین تداعی یا هم‌خوانی را با آن واژه‌ی کلیدی دارند، مشخص سازند. سپس از میان پاسخ‌های دانشجویان، ۲۰ جفت‌واژه که بالاترین فراوانی و یا بیشترین ارتباط را با مقوله‌ی معنایی واژه کلیدی داشت، انتخاب شد، سپس جفت‌واژه‌های هدف در سه وضعیت ارائه شدند:

۱- هر دو عضوی از واژه‌ی کلیدی بودند، مثلاً در مورد مقوله‌ی کلیدی پوشاک جفت‌واژه‌های مرتبط عبارتند از مانتو- شلوار (که بیشترین فراوانی را از لحاظ تداعی با مقوله‌ی پوشاک نشان داده بودند) ۲- تنها یکی از واژه‌ها عضو مقوله‌ی واژه‌ی کلیدی است مثل پوشاک: درخت- شلوار و ۳- هر دو واژه‌ی هدف عضوی از مقوله‌ی دیگر هستند، ولی با خود ارتباط معنایی دارند (مثل پوشاک: سبزه- درخت). تکلیف آزمودنی‌ها بازشناسی مقوله‌ای بوده که مبتنی بر اطلاعات



معنایی و حافظه‌ی معنایی است. سه فهرست از محرک‌ها نیز تهیه شده که با نظم تصادفی ارائه شده‌اند. به طوری که دانش‌آموزان نتوانند پیش‌بینی کنند که چه نوع ترکیبی ارائه می‌شود. جفت‌واژه‌های هدف نامرتب از فهرست‌های مرتبط اتخاذ شدند و هر یک از این سه بخش ۱/۳ از مطالب را تشکیل دادند. به منظور اجتناب از اثرات شباهت آوایی و نوشتاری بر حافظه‌ی معنایی، جفت‌واژه‌ها در بیشتر از ۲ حرف در همان وضعیت در کلمه، مشترک نبودند و هرگز در اولین و آخرین حرف اشتراک نداشتند، واژه‌ها دو سیلابی بوده و از لحاظ ارتفاع، طول و پهنا یکسان بودند.

ابزار اندازه‌گیری خلاقیت در این پژوهش، آزمون خلاقیت<sup>۱</sup> عابدی (عابدی، ۱۹۹۵) است. اگر چه ابزارهای مختلفی برای این منظور تدوین شده‌است، از جمله آزمون خلاقیت تورانس<sup>۲</sup>، اما اکثر آنها مجموعه‌های پیچیده‌ای از تکالیف کلامی، تصویری و شنیداری هستند که عمدتاً روانی کلامی<sup>۳</sup>، انعطاف‌پذیری<sup>۴</sup>، بسط و پرداخت<sup>۵</sup> و نومایگی<sup>۶</sup> را ارزیابی می‌کنند و از لحاظ زمان اجرا و نمره‌گذاری بسیار وقت‌گیر هستند. عابدی با استفاده از آزمون تورانس، آزمون خلاقیت خود را تدوین کرد تا نمرات چهار صفت زیر بنایی خلاقیت یعنی روانی کلامی، انعطاف‌پذیری، نومایگی و بسط و پرداخت را ارزیابی کند. این آزمون، یک آزمون سه‌گزینه‌ای است، فرم اصلی و اولیه آن ۵۰ سؤال بود که ابتدا در ایران در سال ۱۳۶۲ بر روی یک گروه ۶۰۰ نفری از دانش‌آموزان کلاس‌های نهم و دهم اجرا شد و مجدداً پس از یک هفته بر روی یک گروه از دانش‌آموزان ایران (N=۱۵۰) اجرا شد و ثبات تست - تست مجدد ۰/۸۵ به دست آمد. آزمون خلاقیت عابدی در سال ۱۹۸۶ تجدید نظر شد و تعداد سؤالات آن به ۸۵ سؤال

- 
- 1- Creativity Test (CT)
  - 2- Torrance Test Creativity Thinking (TTCT)
  - 3- verbal fluency
  - 4- flexibility
  - 5- elaboration
  - 6- originality

افزایش یافت و به زبان انگلیسی نیز ترجمه شد. در تدوین پرسش‌ها، سعی شده است که از سؤالاتی که زمینه‌های فرهنگی خاص دارند اجتناب شود و آزمون حتی الامکان به فرهنگ وابسته نباشد. پس از تجدید نظر یک آزمون ۷۵ سؤالی در سال ۱۹۹۱ تدوین شد و برای متخصصان ارسال شد. فرم تجدیدنظرشده، نظرات متخصصان را در برگرفته است. آزمون ۷۵ سؤالی به اسپانیایی ترجمه شد و مطالعات بین فرهنگی روی آن انجام گرفت و برای اولین بار در سال ۱۹۹۴ توسط اونیل<sup>۱</sup>، عابدی، اسپیلبرگر<sup>۲</sup> معرفی شد و در سال ۱۹۹۶ به شکل آزمون ۶۰ سؤالی تنظیم شد و در سال ۱۹۹۷ فرم جدید آن با ۵۶ سؤال تدوین شد. ضرایب همبستگی اعتبار<sup>۳</sup> بین چهار نمره‌ی آزمون خلاقیت تورانس و چهار نمره‌ی خلاقیت عابدی و آزمون خلاقیت ویلا و اوزموندی<sup>۴</sup> معنی‌دار است و به عنوان معیارهایی برای ارزیابی اعتبار همزمان آزمون خلاقیت عابدی نیز به شمار می‌رود. همبستگی با رتبه‌های معلمان از دانش‌آموزان و با معیارهای پیشرفت تحصیلی نیز معنی‌دار است ( $P < .01$ ) (جدول شماره‌ی ۱) (عابدی، اونیل، ۱۹۹۴، عابدی، اوزموندی، ویلا، ۱۹۹۶)

---

1- O' Neil, H. F.

2- Spielberger, C. D.

3- Validity

4- Villa & Auzmendi Creativity test (VAT)

جدول شماره ۱: ضرایب همبستگی میان چهار مقیاس آزمون خلاقیت عابدی با مقیاس‌های فرعی آزمون تفکر خلاق تورانس، آزمون خلاقیت ویلا و اوزموندی و رتبه‌های معلمان - مطالعه‌ی اعتبار همزمان

مقیاس‌های فرعی				آزمون‌ها و مقیاس‌های فرعی
بسط و پرداخت	نومایگی و ابتکار	انعطاف‌پذیری	روانی کلامی	
آزمون خلاقیت تورانس				
۰/۱۰۴	۰/۱۸۱	۰/۲۲۶	۰/۲۳۵	روانی کلامی
۰/۰۲۳	۰/۰۴۶	۰/۰۴۸	۰/۰۷	انعطاف‌پذیری
۰/۱۲۵	۰/۱۲۴	۰/۱۵۴	۰/۱۸۸	نومایگی و ابتکار
۰/۰۷۲	۰/۰۶۹	۰/۰۴	۰/۴۲	بسط و پرداخت
آزمون خلاقیت ویلا و اوزموندی				
۰/۲۷۲	۰/۳۸۲	۰/۴۲۶	۰/۵۴۹	روانی و کلامی
۰/۲۱۳	۰/۱۹۹	۰/۲۸۰	۰/۲۸۱	انعطاف‌پذیری
۰/۲	۰/۲۶۵	۰/۳۷۲	۰/۳۸۱	نومایگی و ابتکار
۰/۳۰۸	۰/۲۷۷	۰/۲۳۸	۰/۲۵۳	بسط و پرداخت
رتبه‌بندی معلمان				
۰/۲۴	۰/۲۸۶	۰/۲۵	۰/۲۵۱	روانی و کلامی
۰/۲۲	۰/۳۱۸	۰/۱۸۹	۰/۲۳۸	انعطاف‌پذیری
۰/۲۳۲	۰/۲۹۲	۰/۲۳۲	۰/۲۳۸	نومایگی و ابتکار
۰/۲۴۱	۰/۲۶۲	۰/۱۶۶	۰/۱۹۴	بسط و پرداخت
از مجله پژوهش خلاقیت* (نقل شده در عابدی ۱۹۹۶)				

پایائی (ثبات)<sup>۱</sup> آزمون خلاقیت عابدی نیز با استفاده از آلفای کرونباخ به دست آمده‌است و با ضرایب ثبات درونی و آزمون خلاقیت ویلا و اوزموندی و تورانس مقایسه شده‌است (جدول شماره‌ی ۲). دامنه‌ی این ضرایب برای VAT یا آزمون خلاقیت ویلا و اوزموندی از ۰/۱۴ تا ۰/۶۹ بوده و برای آزمون عابدی از ۰/۶۱ تا ۰/۷۵ است.

### جدول ۲: ضرایب ثبات درونی آزمون خلاقیت ویلا و اوزموندی و آزمون خلاقیت عابدی

مقیاس‌های فرعی				آزمون‌ها و مقیاس‌های فرعی
بسط و پرداخت	نومایگی و ابتکار	انعطاف‌پذیری	روانی کلامی	
آزمون خلاقیت ویلا و اوزموندی				
۰/۶۹	۰/۶	۳/۵۸	۵	روانی کلامی
۰/۴۱	۰/۵۵	۳/۶۶	۵	انعطاف‌پذیری
۰/۴۱	۰/۵۶	۳/۲۹	۵	نومایگی و ابتکار
۰/۴۱	۰/۵۷	۳/۳۷	۴	بسط و پرداخت
آزمون خلاقیت عابدی				
۰/۷۵	۰/۲۵	۲/۱۱	۲۲	روانی و کلامی
۰/۶۶	۰/۳	۲/۱۹	۱۱	انعطاف‌پذیری
۰/۶۱	۰/۲۳	۲/۳۴	۱۶	نومایگی و ابتکار
۰/۶۱	۰/۲۳	۲/۴	۱۱	بسط و پرداخت

### روش اجرا

روش اجرا برای همه‌ی آزمودنی‌ها یکسان بود. مرحله‌ی اول: آزمون خلاقیت به صورت گروهی، در مرکز آموزش فرزندگان و دبیرستان الزهرا(س) اجرا شد. قبل از اجرای آزمون خلاقیت از دانش‌آموزان خواسته‌شد

تا به پرسشنامه‌ی اطلاعات فردی شامل: نام، نام خانوادگی، سن، تحصیلات و مشاغل پدر و مادر، تعداد خواهران و برادران، رتبه‌ی تولد پاسخ دهند و نمرات دروس ریاضی، علوم، ادبیات و زبان و معدل خود را نیز ذکر کنند.

مرحله‌ی دوم: از دانش‌آموزان خواسته شد تا به طور انفرادی در اتاقی ساکت در فاصله‌ی ۹۰-۶۰ سانتی‌متری از صفحه‌ی کامپیوتر قرار گرفته، آزماینده نیز در کنار آنها می‌نشست و بدین ترتیب دستور العمل اجرای تکالیف حافظه‌ی معنایی را برای آنان توضیح می‌داد، ابتدا واژه‌ی کلیدی و به دنبال آن یک جفت واژه در صفحه کامپیوتر ظاهر می‌شود.

وظیفه‌ی پاسخگو آنست که، اگر هر دو واژه‌ی هدف عضوی از مقوله‌ی واژه کلیدی هستند، تکمه‌ی بله و در غیر این صورت تکمه‌ی نه را فشار دهد (دو تکمه در صفحه کلید به این کار اختصاص داده شده بود).

مرحله‌ی سوم: واژه‌ها به جای اینکه در مرکز صفحه ظاهر شوند، به طور تصادفی یا در میدان دیداری راست و یا در میدان دیداری چپ نسبت به نقطه‌ی مرکزی ظاهر می‌شوند. (نیمی از واژه‌ها در میدان دیداری راست و نیمی در میدان دیداری چپ با نظم کاملاً تصادفی پدیدار می‌شوند) در این قسمت نیز دانش‌آموز مانند دفعه‌ی قبل در صورتی که هر دو واژه‌ی هدف عضوی از واژه‌ی کلیدی باشند، تکمه‌ی بله و در غیر این صورت تکمه‌ی نه را فشار می‌دهد. این کار را باید با سرعت و دقت هر چه تمام‌تر انجام شود. منظور از اجرای این مرحله آن است که بینیم آیا پردازش بیشتر با نیمکره‌ی راست انجام می‌شود و یا با نیمکره‌ی چپ.

پس از اطمینان از آنکه آزمودنی‌ها در وضعیت راحتی قرار دارند و اضطراب آنها در حد مطلوب است، آزمایش با سه مثال آغاز می‌شود، ابتدا در نقطه مرکزی سه مثال ارائه می‌شود و سپس یک سری اعداد از ۱۰-۱ ظاهر می‌شود تا توجه دانش‌آموز را به خود معطوف کند و این اطلاع به او داده می‌شود که پس از عدد ۱۰، آزمایش‌های اصلی آغاز می‌شود.

روش ارائه‌ی واژه‌ها در کامپیوتر به این ترتیب بود، ابتدا واژه‌ی کلیدی یا واژه‌ی Prime، ۲۵۰ms روی صفحه ظاهر می‌شد، سپس یک جفت‌واژه‌ی هدف در همان محل ظاهر گشته، به طوری که تا زمان پاسخ و فشار دادن تکمه توسط آزمودنی روی صفحه باقی می‌ماند و در صورتی که هیچ پاسخی داده نمی‌شد پس از یک ثانیه محو می‌شد و واژه‌ی کلیدی بعدی ظاهر می‌گردید. در صورت ارائه پاسخ، ۵۰۰ms وقفه ایجاد می‌شد و سپس واژه‌ی کلیدی یا مقوله‌ی معنایی دیگر به همان ترتیب روی صفحه ظاهر می‌شد. شیوه‌ی ارائه‌ی محرک‌ها در میدان دیداری راست و چپ نیز بر اساس همین زمان بندی تنظیم شده بود.

به منظور اطمینان یافتن از اینکه، آزمودنی‌ها صرفاً به نقطه‌ی مرکزی صفحه‌ی کامپیوتر نگاه می‌کنند، اولاً این آموزش به آنها داده‌شد که صرفاً به نقطه‌ی مرکزی نگاه کنند و ثانیاً شیوه‌ی ارائه‌ی محرک‌های کلیدی و جفت‌واژه‌ها غیر قابل پیش‌بینی بود تا دانش‌آموزان نتوانند چشم خود را حرکت دهند و محل پیدایی واژه‌ها را روی صفحه پیش‌بینی کنند. در مطالعات مختلف زاویه‌ی محرک‌ها از نقطه‌ی ثابت مرکزی بین ۲/۵ تا ۵ درجه ذکر شده‌است، در این تحقیق زاویه ۳ درجه انتخاب شد.

به منظور بررسی ابعاد و وجوه حسی در پردازش اطلاعات، برای ۳۵ نفر از دانش‌آموزان از هر دو گروه هم‌زمان با ارائه‌ی واژه‌ی کلیدی به شکل دیداری، همان محرک از طریق آزمایشگاه با صدای بلند ادا می‌شد، یعنی آزمودنی‌ها هم از بُعد شنیداری و هم از بُعد دیداری پردازش می‌کردند و برای ۳۳ نفر دیگر از هر دو گروه صرفاً واژه‌ها بر اساس بُعد دیداری ارائه می‌شد. ارائه‌ی واژه‌ها برای بررسی برتری جانبی مغز در میدان دیداری راست و چپ برای هر دو گروه یکسان بود. بر این اساس هر آزمودنی ۱۰ نوع نمره کسب می‌کرد:

- ۱- نمره آزمون خلاقیت (شامل نمره در میزان‌های مختلف خلاقیت).
- ۲- جمع زمان واکنش در مرحله‌ی دوم آزمایش (وضعیت مرکزی).
- ۳- جمع پاسخ‌های درست در وضعیت مرکزی.
- ۴- جمع زمان واکنش در مورد ارائه‌ی واژه‌ها در میدان دیداری راست و چپ.

- ۵- جمع پاسخ‌های درست در وضعیت ارائه‌ی واژه‌ها در میدان دیداری راست و چپ.
- ۶- جمع زمان واکنش هنگامی که محرک‌ها به صورت شنیداری و دیداری ارائه می‌شوند.
- ۷- جمع پاسخ‌های درست هنگامی که محرک‌ها به صورت شنیداری و دیداری ارائه می‌شوند.
- ۸- جمع زمان واکنش هنگامی که محرک‌ها صرفاً به صورت دیداری ارائه می‌شوند.
- ۹- جمع پاسخ‌های درست هنگامی که محرک‌ها صرفاً به صورت دیداری ارائه می‌شوند.
- ۱۰- جمع زمان واکنش هنگامی که واژه‌ها از لحاظ معنایی در حالت مرتبط، نامرتب و متناقض یا مرتبط / نامرتب بودند.
- زمان واکنش از آغاز ارائه‌ی محرک هدف تا فشار تکمهی پاسخ، بر حسب میلی‌ونیم ثانیه ثبت می‌شد. به پاسخ‌های غلط نمره‌ی صفر و به پاسخ‌های درست نمره‌ی یک تعلق می‌گرفت.
- تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس برنامه‌ی (SPSS) به عمل آمده‌است و آزمون‌های آماری t مستقل و وابسته، آنالیز واریانس یکطرفه و دو طرفه نیز به کار گرفته شده است. (دلاور، علی، ۱۳۶۶، دلاور، علی، نقش بندی سیامک، ۱۳۷۷)

### نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد که دو گروه از لحاظ سرعت ارائه پاسخ و یا زمان واکنش در تکالیف مختلف حافظه‌ی معنایی با یکدیگر تفاوت معنی‌داری دارند و آزمودنی‌های دختر گروه آزمایشی استعدادهای درخشان، در مقایسه با آزمودنی‌های دختر عادی، زمان واکنش سریع‌تری دارند و دو گروه از لحاظ دقت در ارائه‌ی پاسخ‌ها یا تعداد پاسخ‌های درست تفاوت معنی‌داری را با یکدیگر نشان نداده‌اند و از لحاظ پردازش اطلاعات (سرعت و دقت) به شکل شنیداری-دیداری و دیداری تفاوت معنی‌داری با یکدیگر

ندارند و از لحاظ تعداد پاسخ‌های درست نیز در گروه مورد مطالعه در ارتباط با ارائه‌ی محرک‌ها در مرکز میدان دیداری و ارائه‌ی محرک‌ها در میدان دیداری راست و چپ تفاوت معنی‌داری مشاهده نشده‌است؛ اما زمان واکنش آنها بر حسب ارائه‌ی محرک‌ها در مرکز میدان دیداری (پردازش با هر دو نیمکره) و ارائه‌ی محرک‌ها در میدان دیداری راست و چپ تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد. در حالی که در گروه مورد مطالعه زمان واکنش در ارتباط با ارائه‌ی محرک‌ها در میدان دیداری راست (نیمکره چپ) و ارائه‌ی محرک‌ها در میدان دیداری چپ (نیمکره‌ی راست) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. همچنین سرعت ارائه‌ی پاسخ یا زمان واکنش آنها به طور کلی در ارتباط با شیوه‌ی ارائه‌ی محرک‌ها به شکل واژه‌های مرتبط، نامرتبط و متناقض یا مرتبط / نامرتبط تفاوت معنی‌داری نشان می‌دهد. زمان واکنش در گروه مورد مطالعه در مورد جفت‌واژه‌های مرتبط کوتاه‌تر از زمان واکنش نسبت به جفت‌واژه‌های مرتبط / نامرتبط است.

همچنین نتایج حاکی از این است که دو گروه از لحاظ مقیاس‌های فرعی خلاقیت تفاوت معنی‌دار با یکدیگر ندارند.

بدین ترتیب، فرضیه اول تحقیق اثبات می‌شود، یعنی زمان واکنش دانش‌آموزان مرکز استعدادها درخشان کوتاه‌تر از زمان واکنش دانش‌آموزان عادی است (جدول شماره‌ی ۱، از جداول ضمیمه).

فرضیه‌ی دوم پژوهش، بر اساس نتایج حاصل رد می‌شود یعنی دو گروه از لحاظ دقت در ارائه‌ی پاسخ‌ها (تعداد پاسخ‌های درست) در بخش تکالیف حافظه‌ی معنایی، تفاوتی معنی‌دار با یکدیگر نشان نداده‌اند (جدول شماره‌ی ۲، از جداول ضمیمه).

بر اساس نتایج بدست آمده از آزمون خلاقیت، فرضیه‌ی سوم پژوهش نیز رد می‌شود زیرا دو گروه از لحاظ خلاقیت تفاوت معنی‌داری با یکدیگر ندارند (جدول شماره‌ی ۳، از جداول ضمیمه).

همچنین فرضیه‌ی چهارم پژوهش رد می‌شود به دلیل اینکه پردازش اطلاعات از لحاظ زمان واکنش و تعداد پاسخ‌های درست و بر حسب ارائه‌ی محرک‌ها به شکل



دیداری و شنیداری- دیداری در دو گروه تفاوت معنی‌داری با یکدیگر نشان می‌دهد (جدول شماره‌ی ۴ و ۵، از جداول ضمیمه).

همچنین نتایج نشان می‌دهد که فرضیه‌ی پنجم پژوهش که درباره‌ی تعداد پاسخ‌های درست و شیوه‌ی ارائه محرک‌ها در مرکز میدان دیداری و ارائه‌ی محرک‌ها در میدان دیداری راست و چپ بوده، رد می‌شود و دو گروه با یکدیگر تفاوت معنی‌داری ندارند، اما از لحاظ زمان واکنش در ارتباط با شیوه‌ی ارائه محرک‌ها در مرکز میدان دیداری و ارائه‌ی محرک‌ها در میدان دیداری راست و چپ تفاوت بین دو گروه معنی‌دار است و این بخش از فرضیه تأیید می‌شود (جدول شماره ۶، از جداول ضمیمه).

فرضیه‌ی ششم، بر اساس نتایج حاصل از بررسی زمان واکنش در شرایط ارائه‌ی محرک‌ها در میدان دیداری راست و چپ رد می‌شود به این دلیل که تفاوت معنی‌داری از لحاظ پردازش اطلاعات با نیمکره‌ی راست و چپ مشاهده نشده‌است (جدول شماره‌ی ۷، از جداول ضمیمه).

فرضیه‌ی هفتم پژوهش نیز اثبات می‌شود. بر اساس نتایج حاصل از شیوه‌ی ارائه محرک‌ها به شکل مرتبط، نامرتب و متناقض یا مرتبط/ نامرتب در عامل زمان واکنش، تفاوت معنی‌دار بین زمان واکنش و شیوه‌های مختلف ارائه‌ی محرک‌های هدف معنی‌دار و بی‌معنا، مشاهده می‌شود. زمان واکنش نسبت به جفت‌واژه‌های متناقض که در آن واحد مرتبط/ نامرتب هستند، طولانی‌تر از زمان واکنش نسبت به جفت‌واژه‌های مرتبط است (جدول شماره‌ی ۸، از جداول ضمیمه).

همچنین نتایج آزمون تحلیل واریانس دو طرفه بین شرایط مختلف ارائه‌ی محرک‌ها به شکل مرتبط، نامرتب و متناقض یا مرتبط/ نامرتب در عامل زمان واکنش در دو گروه حاکی از این است که تفاوت معنی‌دار بین شیوه‌ی ارائه‌ی محرک‌های مرتبط و محرک‌های مرتبط/ نامرتب وجود دارد و دو گروه نیز به طور کلی از لحاظ زمان واکنش تفاوت معنی‌دار را در همه‌ی مراحل نشان داده‌اند (جدول شماره‌ی ۹، از جداول ضمیمه).

## تحلیل و بررسی

پژوهش انجام شده نشان‌گر آنست که زمان واکنش دانش‌آموزان دختر مرکز استعداد‌های درخشان سریع‌تر از زمان واکنش دانش‌آموزان دختر در مدارس عادی است. پژوهش‌های اخیر بر روی فیزیولوژی و ژنتیک عامل عمومی هوش، عوامل همبسته بیولوژیکی چنین پدیده‌ی روان شناختی را نشان می‌دهد. سرعت عملکرد عصبی از طریق تصویربرداری‌های عصبی از مغز، حاکی از این است که مغز افراد باهوش، در مقایسه با گروه همسالان، انرژی کمتری در طی حل مسئله صرف می‌نماید. این ویژگی محققان را بر آن داشته است که تفاوت در عامل عمومی هوش را ناشی از تفاوت در سرعت پردازش عصبی نیز بدانند، اگر فرضیه‌ی بالا درست باشد شرایط محیطی نیز بر عامل عمومی هوش اثر می‌گذارد و فیزیولوژی مغز را تغییر می‌دهد (مربوط به منبع شماره‌ی ۹) روش‌های یادگیری برای دانش‌آموزان باید به گونه‌ای تنظیم شود که مبتنی بر نظریه‌ی هوش چندگانه (MI) باشد. بر اساس این نظریه حداقل ۷ شیوه‌ی مختلف یادگیری در هر زمینه‌ای وجود دارد و بنابراین ۷ نوع هوش مطرح است:

- ۱- جسمانی/حرکتی، ۲- بین فردی، ۳- درون فردی، ۴- منطقی/ریاضی، ۵-
- موسیقیایی/ریتمیک، ۶- کلامی/زبان شناختی ۷- دیداری/فضایی. در حالی که
- نظام‌های آموزشی فعلی در بهترین صورت، تنها بر دو شیوه‌ی یادگیری یعنی: منطقی/ریاضی و کلامی/زبان شناختی تأکید دارند. با این رویکرد دیگر توانایی هوش عمومی که صرفاً از طریق آزمون‌های هنجاریابی شده ارزیابی می‌شود، گویا و کافی نیستند و دانش‌آموز سرآمد صرفاً دانش‌آموزی نیست که میانگین نمره او ۲ نمره یا بیشترین انحراف استاندارد بالاتر از میانگین داشته باشد. (گالاهان، ۱۹۹۵ مربوط به منبع شماره‌ی ۱۰)

همچنین بر اساس یافته‌های این پژوهش، مشاهده می‌شود که دو گروه از لحاظ خلاقیت، تفاوت معنی‌داری با یکدیگر ندارند، از آنجایی که معمولاً جداسازی دانش‌آموزان مراکز استعداد‌های درخشان از دانش‌آموزان مدارس دیگر، عمدتاً بر اساس آزمون‌های خاص صورت می‌گیرد، بایست آزمون‌هایی تدوین شود که جنبه‌های خلاق ذهن را نیز ارزیابی کند. در جامعه چنین تصمیم گرفته می‌شود که افرادی که در

آزمون‌های خاصی نمره‌ی بالا کسب کرده‌اند، در بهترین مدارس استثنایی «استعدادهای درخشان» پذیرفته‌شوند و در نهایت شیوه‌های بهتر دستیابی به موفقیت برای آنان فراهم شود. آیا آزمون‌های انجام شده در جداسازی این گروه‌ها، درست عمل کرده‌است؟ تفکر خلاق و نقادانه برای کسانی که در دنیای پیشرفته امروز، زندگی می‌کنند امری ضروری است. یک ملت قوی، ملتی است که شهروندان آن آگاه، مطلع، توانمند و خواهان پرداختن به تأملات و تفکرات خلاق باشد. خلاقیت وجهی از نبوغ است و باید یکی از عوامل تشخیص دانش‌آموزان سرآمد باشد. ژوزف رنزولی<sup>۱</sup> که نظریه‌ی او درباره‌ی نبوغ یکی از سه نظریه‌ی معروف در این زمینه به شمار می‌آید، معتقد است که خلاقیت، پایه و اساس نبوغ است، و مانند هوش پدیده‌ای چندوجهی است و چیزی به عنوان مهارت تفکر خلاق عمومی وجود ندارد، تعریف رنزولی از نبوغ توسط نموداری که از ۳ حلقه تشکیل شده نشان داده شده، سه حلقه‌ای که در ارتباط متقابل با یکدیگرند. این سه حلقه ویژگی‌هایی چون: خلاقیت، تعهد نسبت به کار و توانایی بالاتر از حد متوسط را بازنمایی می‌کند.

دانش‌آموزان سرآمد افرادی هستند که هر سه ویژگی را دارند و این سه دسته از صفات را در خود تمامیت می‌بخشند. توانایی بالاتر از حد متوسط ضرورتاً معادل با بهره‌ی هوشی بالا نیست. سرآمد بودن یا نبوغ نیز باید به «رفتار سرآمد» تغییر کند، چرا که رفتار سرآمد متضمن صفات و ویژگی‌هایی است که می‌تواند رشد و تحول یابد. این تغییر در تعریف می‌تواند به تغییرات بیشتر در ساختار و مفهوم استعدادهای درخشان بینجامد (رنزولی، ۱۹۹۸). بر اساس این یافته‌ها باید به تلفیق روی آوریم، نه آنکه آزمون‌های سنتی را که برای تفکیک و جداسازی دانش‌آموزان سرآمد به کار گرفته می‌شود، حذف کنیم، بلکه باید این آزمون‌ها را با آزمون‌های جدید و دیدگاه‌های جدید از هوش و ابعاد مختلف توانایی‌های شناختی تکمیل کنیم. پژوهش‌ها نشان داده‌است که ۲۰ تا ۲۵ درصد دانش‌آموزان سرآمد، مسایل عاطفی و اجتماعی دارند. نظام‌های آموزشی به گونه‌ای باید

جهت داده‌شوند تا این دانش‌آموزان در کنار سایر همسالان خود پرورش یابند. چرا که هیچ نوع سازمان‌بندی غیر متعارف مغزی در دانش‌آموزان سرآمد وجود ندارد. در این پژوهش نیز نتایج حاکی از این است که زمان واکنش برحسب ارائه‌ی محرک‌ها در میدان دیداری راست و چپ تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد.

با توجه به آنکه زمان پردازش اطلاعات، هنگامی که محرک‌ها در مرکز میدان دیداری قرار دارند کوتاه‌تر است، در واقع به نظر می‌رسد که هر دو نیمکره مهارت‌های کلامی و حافظه‌ای را پردازش می‌کنند. البته چون در این پژوهش، صرفاً مطالب کلامی انتخاب شده‌اند، شاید این عدم تفاوت را بر این اساس هم بتوان تبیین کرد. اگر چه کاسلین<sup>۱</sup> معتقد است که این باور که تصویرسازی ذهنی، محصول نیمکره‌ی راست مغز است، یک ساده‌انگاری است و هیچ یک از نیمکره‌ها به تنهایی جایگاه تصویرسازی ذهنی نیستند و تصویرسازی ذهنی فرآیندی چندگانه است که به کارکرد هر دو نیمکره مربوط است. همچنین نتایج نشان داد که پردازش از ابعاد حسی مختلف یعنی ارائه‌ی محرک‌ها به طور دیداری با ارائه‌ی محرک‌ها به طور شنیداری - دیداری تفاوت ایجاد نکرده‌است. در واقع این یافته، یک مدل بازنمایی چندگانه را در حافظه‌ی معنایی مطرح می‌کند. یعنی حافظه‌ی معنایی می‌تواند بر اساس همه‌ی انواع رمزهای مختلف شنیداری - دیداری، آوایی، تلفظی، معنایی و به عبارت دیگر تمامی آنچه که در پردازش زبان نقش دارد، پردازش شود و افراد از نظام‌های مختلف بازنمایی استفاده می‌کنند. دانش‌آموزان بهتر است از سیستم‌های مختلف بازنمایی استفاده کنند. برخورداری اطلاعات از ارتباط معنایی به پردازش سریع‌تر می‌انجامد و اطلاعات متضاد یعنی اطلاعاتی که در آن واحد مرتبط/ نامرتب هستند، زمان پردازش را کندتر می‌کند. همان گونه که در مدل بازنمایی حافظه چندگانه مشاهده می‌شود، به منظور تقویت حافظه درازمدت در دانش‌آموزان و پردازش بهتر اطلاعات، مطالب درسی باید از طریق

انواع رمزها پردازش شوند و در رمزگردانی مطالب درسی، از شیوه‌های مختلف بازنمایی اطلاعات استفاده شود.

علاوه بر ایجاد روابط معنایی بین اطلاعات، نشانه‌ها یا شرایطی را نیز، باید در ذهن بیدار ساخت که دانش‌آموز از طریق آن بتواند به حافظه‌ی دراز مدت و حافظه‌ی معنایی خود آسان‌تر دست یابد. فعالیت‌ها و اطلاعات مداخله‌کننده از جمله عدم ارتباط معنایی و متن‌زدایی کردن اطلاعات، در یادسپاری اختلال کلی ایجاد می‌کند.

مشکلات حافظه از راهبردهای رمزگردانی غیر کارآمد، ناشی می‌شود. نشانه‌دار کردن مقوله‌ای، در مقایسه با بازشناسی صرف مطالب، در سازمان‌بندی حافظه تسهیل ایجاد می‌کند و به رمزگردانی مؤثرتر می‌انجامد.

اگر قرار است اطلاعات به شکل بادوام‌تری در ذهن دانش‌آموز تحکیم شود، باید در سطح معناشناختی پردازش صورت گیرد. پردازش معنایی یعنی اینکه قبلاً یک شبکه‌ی معنایی شکل گرفته‌است و مطالب جدید به سهولت به آن چارچوب قبلی پیوند می‌خورد. وقتی اطلاعات در سطوح جداگانه هستند و مفاهیم و مطالب ربط منطقی به یکدیگر ندارند، بازداری‌های شناختی ایجاد می‌شود.

تفاوت بین افراد خیره و سرآمد و افراد مبتدی در توانمندی‌های حافظه، بستگی به سرعت و خود‌انگیختگی فرد خیره دارد. چرا که چنین فردی قادر است مطالب را با دانش قبلی خود پیوند زند و به بسط و پرداخت مطالب پردازد.

## جداول ضمیمه

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری برای مقایسه‌ی زمان واکنش در تکلیف حافظه‌ی معنایی

شاخص‌های آماری گروه‌ها	تعداد آزمودنی‌ها	میانگین	انحراف معیار	آزمون آماری t برای مقایسه دو گروه
گروه آزمایشی	۳۵	۳۶/۶۹	۹/۶۷	$t_{df=66} = ۲/۰۸^*$
گروه کنترل	۳۳	۴۱/۸۴	۱۰/۴۷	

$P < 0.04^*$

جدول ۲: میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری برای مقایسه‌ی تعداد پاسخ‌های درست در تکلیف حافظه‌ی معنایی

شاخص‌های آماری گروه‌ها	تعداد آزمودنی‌ها	میانگین	انحراف معیار	آزمون آماری t برای مقایسه دو گروه
گروه آزمایشی	۳۵	۲۴/۶۶	۲/۹۶	$t_{df=66} = ۰/۲۸$
گروه کنترل	۳۳	۲۴/۸۸	۳/۵۸	

جدول ۳: میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری برای مقایسه‌ی دو گروه در میزان مختلف آزمون خلایقیت

نمایگی	آزمون آماری t برای مقایسه‌ی دو گروه			انحراف			میانگین			تعداد	شاخص‌های آماری	گروه‌ها	
	روانی کلامی	انصاف‌پذیری	بسط و پرداخت	نمایگی	روانی کلامی	انصاف‌پذیری	بسط و پرداخت	نمایگی	روانی کلامی				انصاف‌پذیری
$t_{df=31} = ۱/۳۲$	$t_{df=31} = ۰/۹۴$	$t_{df=31} = ۱/۷۸$	$t_{df=31} = ۰/۴۹$	۳/۹۸	۴/۵۹	۳/۱۵	۱/۷۷	۴۱/۱۱	۴۱/۷۷	۲۵/۴۶	۲۴/۶۳	۳۵	گروه آزمایشی
				۵/۲۴	۵/۵۷	۲/۸۸	۱/۹۱	۳۹/۵۱	۴۰/۶۱	۲۴/۱۵	۲۴/۸۵	۳۳	گروه کنترل

جدول ۴: میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری برای مقایسه‌ی زمان واکنش و تعداد پاسخ‌های درست در گروه در تکلیف راه‌اندازی حافظه‌ی معنایی بر اساس شیوه‌ی ارائه‌ی دیداری محرک‌ها

تعداد پاسخ‌های درست	آزمون آماری t			انحراف معیار			میانگین			تعداد	شاخص‌های آماری	گروه‌ها
	زمان واکنش	تعداد پاسخ‌های درست	زمان واکنش	تعداد پاسخ‌های درست	زمان واکنش	تعداد پاسخ‌های درست	زمان واکنش	تعداد پاسخ‌های درست				
$t_{df=31} = ۰/۳۱$	$t_{df=31} = ۰/۵۹$			۴/۲۳	۱۳/۲۴			۲۴/۸۱	۳۵/۷۹	۱۶		گروه آزمایشی
				۳/۱۲	۸/۶۹			۲۴/۴۱	۳۳/۵۱	۱۷		گروه کنترل

جدول ۵: میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری برای مقایسه‌ی زمان واکنش و تعداد پاسخ‌های درست دو گروه در تکلیف راه‌اندازی حافظه‌ی معنایی، بر اساس شیوه‌ی ارائه‌ی شنیداری- دیداری محرک‌ها

شاخص‌های گروه‌ها	تعداد آزمای آماری	میانگین		انحراف معیار		آزمون آماری t	
		تعداد پاسخ‌های درست	زمان واکنش	تعداد پاسخ‌های درست	زمان واکنش	تعداد پاسخ‌های درست	زمان واکنش
گروه آزمایشی	۱۹	۳۲/۴۸	۲۴/۶۳	۱۱/۱۶	۲/۸۱	$t_{df=۲۳}=۱/۰۱$	$t_{df=۳۳}=۰/۷$
گروه کنترل	۱۶	۳۴/۷۴	۲۳/۴۴	۶/۵۹	۳/۹۹		

جدول ۶: میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری t برای مقایسه‌ی زمان واکنش و تعداد پاسخ‌های درست در تکلیف حافظه‌ی معنایی بر اساس ارائه‌ی محرک‌ها در مرکز میدان دیداری و میدان دیداری راست و چپ

شاخص‌های آزمای آماری	میانگین		انحراف معیار		آزمون آماری t	
	تعداد پاسخ‌های درست	زمان واکنش	تعداد پاسخ‌های درست	زمان واکنش	تعداد پاسخ‌های درست	زمان واکنش
گروه آزمایشی	۳۹/۱۹	۲۴/۷۶	۱۰/۴۵	۳/۲۵	$t_{df=۶۷}=۰/۹۳$	$t_{df=۶۷}=۱۴/۱۲^*$
گروه کنترل	۳۴/۰۵	۲۴/۳۴	۱۰/۱۵	۳/۵۱		

\*  $P < ۰/۰۰۰۱$



جدول ۷: میانگین، انحراف معیار و آزمونهای آماری t برای مقایسه‌ی زمان واکنش در تکلیف حافظه‌ی معنایی در شرایط ارائه محرک‌ها در مرکز میدان دیداری راست و میدان دیداری چپ

شاخص‌های آماری شیوه ارائه محرک‌ها	تعداد موارد	میانگین	انحراف معیار	آزمون آماری t
میدان دیداری راست	۱۰۱۰	۰/۸۸	۰/۶۱	$t_{df=2020}=1/10$
میدان دیداری چپ	۱۰۱۲	۰/۸۵	۰/۶۴	

جدول ۸: آزمون تحلیل واریانس دو طرفه بین شرایط مختلف واژه‌های هدف در عامل زمان واکنش در گروه‌های آزمایشی و گروه کنترل

شاخص‌های آماری منابع تغییر	درجه آزادی	مجموع مجدورات	میانگین مجدورات	آزمون آماری F
اثرات اصلی	۳	۱۹/۲۲	۶/۴	۶/۲۶*
اثر شرایط مختلف واژه‌های هدف	۲	۱۰/۳۹	۵/۲	۵/۰۸*
اثر عامل گروه‌ها	۱	۸/۸۵	۸/۸۵	۸/۶۵*
اثر تعاملی شرایط مختلف واژه‌های هدف و گروه‌ها	۲	۰/۹۳	۰/۴۷	۰/۴۶
واریانس بین گروهی	۵	۲۰/۱۶	۳/۴	۳/۹۴*
واریانس خطا	۲۰۰۷	۲۰۵۳/۵۱	۱/۰۲	
مجموع	۲۰۱۷	۲۰۷۳/۶۷	۱/۰۳	

\*  $P < 0.05$

## منابع:

- ۱- دلاور، علی، (۱۳۶۶)، مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، انتشارات رشد، تهران.
- ۲- دلاور، علی، نقش بندی سیامک، (۱۳۷۷)، تحلیل آماری در روانشناسی و علوم تربیتی. نشر ارسباران، تهران
1. Margolin, D. I. (1992), Cognitive neurophysiology in clinical practice, Oxford University, New York.
  2. Cohen, G. (1997), The psychology of cognition, Academic press, New York.
  3. Springer, S. P., Deutch, G. (1993), Left Brain Right Brain, Freeman Company, New York.
  4. Kosslyn, M., Squire, L. R. et al (1992), From specific visual priming in the right cerebral hemisphere, *Journal of Experimental Psychology: Learning, memory and cognition*, 18, 492-508.
  5. Schvanveldt, R. W., McDonald, J. E. (1981), Semantic context and the encoding of the words, Evidence for two modes of stimulus analysis, , *Journal of Experimental Psychology: Human perception & performance*, 7, 673-681.
  6. Auzmendi, E., Villa, A., Adedi, J. (1996), Reliability & validity of a newly constructed multiple choice creativity instrument, *Creativity Research Journal*, Vol. 9, No. 1, 89-95.
  7. O'neil, F., Abedi, J. (1994), The measurement of teaching of creativity in: O'neil, Motivation, theory & research, New York, Lawrence Publishers.
  8. Gottfredson, L. S. (1998), The general intelligence factor, *Scientific American*, Vol. 9, No. 4, 24-29.
  9. Gallaher, J. J., Kirk, S. A., Anastasiow, N. J. (1993), Educating exceptional children, Boston: Houghton, Mifflin.
  10. Renzulli, J. S., (1998), The tree-ring conception of giftedness, in Baum, S. M. et al, Nurturing the gifts and talents of primary grade students, Mansfield Center, CT: Creative learning press.

## خشونت در خانواده

سخنرانی ارائه شده در پژوهشکده‌ی زنان

دانشگاه الزهرا(س) آبان‌ماه ۸۱

مروری کوتاه بر سخنرانی لیندا، س. رحمتیان: سرپرست و مسئول رسیدگی به مسایل سوء رفتارهای خانوادگی و خشونت نسبت به زنان در ایالت فلوریدای آمریکا (مسئول برنامه‌های خشونت خانوادگی و مربی ملی، ایالت فلوریدای آمریکا) (ترجمه و اقتباس: دکتر اکرم خمسه، عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی زنان)

خشونت در خانواده، علت اصلی خشونت نوجوانان در بیرون از خانواده است. پژوهش‌ها نشان‌گر همبستگی بین اعمال خشونت در خانواده و خشونت در نوجوانان است. احتمال آن که نوجوانان بزهکار از خانواده‌هایی باشند که رفتارهای خشونت‌آمیز دارند ۴ برابر بیشتر است، چرا که، وقتی کودک معیار دیگری ندارد که رفتار والدین خود را با آن مقایسه کند، رفتار والدین برای او به صورت هنجار در می‌آید. تحقیقات نشان داده است که کودکان اعم از دختر و پسر در این شرایط، خشونت را جزء مکمل و لازمه‌ی یک ارتباط نزدیک می‌دانند. آن‌ها یاد می‌گیرند که با خشونت مسایل خود را حل کنند و از خانه نیز گریزان هستند و فرار از خانه در میان آن‌ها بیشتر است. همچنین اعتیاد به مواد مخدر، تجاوز، حاملگی زود هنگام، خشونت در مدرسه، مدرسه‌گریزی، کناره‌گیری از مردم و مردم‌گریزی، پرخاش‌گری کلامی در میان این کودکان شایع‌تر است. آن‌ها از احترام به خویش و اعتماد به نفس کمتری برخوردار هستند و مسایل و مشکلات مربوط به خواب، تغذیه و اختلال‌های خلقی، شکایت‌های جسمانی و افکار خودکشی در میان آنان بیشتر به چشم می‌خورد.

چرخه‌ی خشونت در خانواده از مراحل عبور می‌کند:

مرحله‌ی نخست: افزایش تنش، خشم، سرزنش کردن و ایجاد مشاجره

مرحله‌ی دوم: انجام کارهایی نظیر کتک زدن، حمله کردن، استفاده از اشیا، سوء

استفاده و آزار جنسی، تهدیدها، آزارها و خشونت‌های کلامی

مرحله‌ی سوم: مرحله‌ی آرامش است، فردی که اعمال خشونت کرده‌است، خشونت را انکار می‌کند، به توجیه رفتارهای خشونت‌آمیز خویش می‌پردازد، عذرخواهی می‌کند و قول می‌دهد که دیگر هرگز خشونت را تکرار نکند. پس از این ابراز عشق و عاطفه، بار دیگر عیب‌جویی‌ها و سوء رفتارهای جسمانی و جنسی آغاز می‌شود.

تحقیقات نشان می‌دهد مردانی که نسبت به زنان خود اعمال خشونت می‌کنند تاریخچه‌ای از جرایم خشونت در خارج از چارچوب ازدواج نیز داشته‌اند و در ۹۰ درصد موارد دچار اختلال در شخصیت اجتماعی هستند. این مردان را می‌توان از لحاظ شخصیت به دو گروه تقسیم‌بندی کرد:

گروه نخست: مردانی که از لحاظ عاطفی سرد هستند، طالب نظم و قاعده، ستیزه‌جو و هیجان‌پذیر می‌باشند، زود عصبی می‌شوند، همسر خود را تحقیر می‌کنند و یا در برابر او به شیوه‌ی دفاعی عمل می‌کنند، بدین معنی که برای جلوگیری از خشم همسرشان آن‌ها خود زودتر مبادرت به خشونت می‌کنند.

این گروه از مردان فاقد وابستگی عاطفی هستند، از برقراری روابط صمیمانه اجتناب می‌کنند، در عین حال که از منابع مالی همسر استفاده می‌کنند و از لحاظ درونی از زنان خود می‌ترسند، اما شدیداً سعی دارند که استقلال خود را حفظ کنند. همسران این گروه از مردان، خشم کمتر و ترس بیشتری را در این رابطه از خود نشان می‌دهند. خود آن‌ها نیز حوادث آسیب‌رساننده را در کودکی تجربه کرده‌اند و مورد سوء رفتارهای جسمی و جنسی در دوران کودکی قرار گرفته‌اند، به گونه‌ای که زندگی بدون خشونت را نمی‌توانند تصور کنند.

گروه دوم: مردانی هستند با وابستگی عاطفی شدید، که خواهان در اختیار داشتن همسر خود در همه‌ی زمان‌ها و شرایط هستند. بنابراین قدرت و خودمختاری را که مقوله‌ی مربوط به حقوق انسانی است از همسر خود سلب می‌کنند. آن‌ها خرده‌گیر و در برقراری ارتباط ناپایدار و بی‌ثبات هستند. اگر احساس کنند که همسر قصد جدایی دارد

با تعقیب ایدایی و ایجاد مزاحمت و تهدید به قتل واکنش نشان می‌دهند. ترس شدیدی دارند که همسرشان آنها را ترک کنند.

چرا زنان قربانی، چنین وضعیت دردناکی را تحمل می‌کنند؟ به دلایل زیر زنان قربانی خشونت در خانواده، چنین شرایطی را می‌پذیرند:

- ترس از خطرات جسمانی بیشتر
- فقدان مهارت‌های شغلی
- محدودیت‌های فرهنگی
- ترس از تنهایی

شیوه‌ی انطباق زنان با چنین خشونت‌هایی، به شکل افسردگی، استرس حاد یا فشار روانی حاد است.

با توجه به اهمیت و اثرات اعمال خشونت نسبت به زنان در خانواده‌ی آمریکایی، در سال ۱۹۸۰ قانونی به تصویب رسیده‌است که زنان را از این نوع اعمال خشونت‌آمیز، محافظت کند. با این وجود هنوز این مسئله به قوت خود باقی است و مسایل زنان در این زمینه حل نشده‌است. اگر چه وجود پناه‌گاه‌ها و مراکزی که قربانیان این حوادث را حمایت می‌کنند، رو به افزایش است، و فعالیت‌های روان‌درمانی گروهی در مورد این زنان به کار برده می‌شود، بهتر است که درباره‌ی پویایی‌های خانوادگی و نیازهای خانوادگی و چگونگی پاسخ به این بحران‌ها به زنان آموزش داده‌شود، به نحوی که با رفتارهای خشونت‌آمیز مسئولانه برخورد کنند و به لحاظ دفاعی مجهز شوند. مادرانی که صرفاً این گونه رفتارها را تحمل می‌کنند، تأثیرات سوء بیشتری بر کودکان خود می‌گذارند.

در تحلیل علل این نوع رفتارها، مسئله‌ی قدرت و کنترل نیز مطرح است.



## خواننده گرامی

در صورت تمایل به خرید نشریه‌ی مطالعات زنان فرم زیر را تکمیل و به نشانی دفتر مجله واقع در «تهران، میدان ونک، دانشگاه الزهرا(س)، پژوهشکده‌ی زنان، دفتر نشریه‌ی مطالعات زنان» ارسال فرمایید.

مبلغ اشتراک سالانه / ریال

تک شماره / ریال

### برگ درخواست اشتراک

لطفاً نام این سازمان / اینجانب ..... را در فهرست

مشترکین «فصلنامه مطالعات زنان» ثبت و از شماره‌ی ..... سال ..... تا

شماره‌ی ..... سال ..... به تعداد ..... نسخه مجله به نشانی زیر ارسال فرمایید.

نشانی: .....

.....

شماره تلفن: .....

ضمناً فیش بانکی مربوط به حق اشتراک مجلات درخواستی به حساب شماره ۹۰۰۲۸ نزد بانک ملی شعبه دانشگاه الزهرا(س) واریز و به پیوست ارسال شود.

---

---

## **The Study of Relationship between Semantic Memory and Creativity in Two Groups; A Neuro-Psychological Approach**

*Dr. Akram Khamseh, Azzahra University: Women's Research Center*

### **Abstract:**

The present survey aims at studying how the information is being processed via multi-modal means (auditory, visual and auditory-visual, right visual field, left visual field, and processing with both hemispheres of the brain). Utilizing the method of semantic priming, the relationship between multi-modal processing and characteristics of creative thinking was studied. The survey was conducted on two groups of high school girls: bright and normal.

The survey intended to gain understanding on semantic memory and creative processes, and in so doing, both were measured. The results indicate that in bright persons neurological functions consume less energy and that their reaction time is faster. The two groups did not exhibit any significant difference vis-à-vis each other. The results have been discussed based on multi-dimensional intelligence theory (Howard Gardner, 1998, Joseph Renzulli, 1998), and a multi-representational semantic model has been put forward. This model may contribute in helping educational programs, as well as in fostering creative abilities.

***Key Terms: Semantic Memory, Semantic Priming, Reaction Time, Multi-Modal Information Processing, Processing of Hemispheres' Information in the Brain, Creativity.***



## **Impact of Inter-Organizational Factors on Evaluating Conditions of Women's Occupation (Non-governmental organization)**

*Dr. Khadijeh Safiri, Azzahra University*

*Dr. Ahmad Jafarnejad, Tehran University*

### **Abstract:**

Women's occupation must be considered as one of the indexes of socio-economic development. Studying its various aspects, particularly in non-governmental sector, may improve Iran's future planning, which emphasize the growth of non-governmental sector. In the research carried out, the impact of inter-organizational factors (registered non-governmental workshops and places) has been used as an independent variable to evaluate women's occupation (as a dependent variable). Results show that the relationship between these two variables is strong and significant. Characteristics such as inequality, job independence, joint management, and communications indicated to bear the largest relationships with the dependent variable. In other words, women considered these factors as more important. These factors helped women to develop a better evaluation of their jobs. Likewise, doctors, engineers, managers and teachers had a better evaluation of their jobs because they had experienced joint management and job independence. Low workers, on the contrary, developed a lower evaluation of their jobs due to their job dependency and common management, characteristics, which were considered as "deficient".

***Key Terms:*** *Non-Governmental Organization, Job Situation, Inter-Organizational Factors*

## **Social Theories of Classical Feminism**

*Dr. Homa Zanjanzadeh, Mash-had Ferdowsi University*

### **Abstract:**

A specific feature of the feministic theory is that social status and experiences of women comprise the general departure point of all its studies. The world is seen through women's viewpoint with the purpose of creating a better world for them. Social theories of classical feminism are theories of intelligent women seeking ways to improve the social sciences. Conventional sociology, nonetheless, has always resisted the presence and sociological output of women. That is why prominent female figures are less known today.

This article attempts to introduce the pioneering female sociologists, their key subjects of interest, and methodological contributions.

***Key Terms:*** *Feminist Theory, Feministic Criticism, Classical Feministic Sociology*

## **Women's Ejtehad (Authority) from Religious Point of View**

*Dr. Fatemeh Alaei Rahmani, Azzahra University*

### **Abstract:**

Occupying the position of Ejtehad (authority) in Islam requires eligibility and thus is of great importance. Islam has set some conditions for anyone applying to become an authority in religion or Mojtehad. One of the conditions is masculinity. There are two contradictory views on this issue. Some believe that Islam not only agrees with the Ejtehad of women but also invites them to practice authority (Ejtehad). Others declare their disagreement with the Ejtehad of women.

This article is an attempt to present the reasoning of both camps: people against and people for the possibility of women to become a religious leader (authority). It then proceeds to critically survey the opinions of the opposing camp.

***Key Terms:*** *Fatva, Moftehi, Moftehi's Conditions, and Moftehi's Masculinity*

## **Women's Employment Structure in Industrial Sector of Iran; Reviewing Ways for Creating Jobs for Women**

*Dr. Zahra Afshari, Azzahra University  
Dr. Ebrahim Sheibani, Tehran University*

### **Abstract:**

About  $\frac{1}{3}$  of the employed women are working in industrial sector. Their distribution in this sector is not accidental and is completely skewed. 88.1% of women work in textile industry, and 5.7% in clothing industry. Only 6.6% of women are employed in other industrial sectors. The major portion of women employed in industrial sector have education below high school level, and 92.5% of them are employed by the private industrial sector.

This article, using the Given-Received Technique, attempts at calculating women's employment ratios in various parts of the industrial sector, considering levels of women's education and skills in government, private and cooperative sectors. It then proceeds to rank each sector in terms of its ability of creating jobs for women.

Considering the increasing volume of supply of women's labor (particularly educated women), from one hand, and the privatization, on the other, it seems necessary that the structure of industrial sector be changed to accommodate more women labor, in particular that of women with higher education.

***Key Terms:*** Job Creation, Employment Ratio, Women, Given-Received, Government, Private, Cooperative.

---

---

## **Mental Health, Control Source, and Coping Strategy in Female Students of Tehran**

*Dr. Zohreh Khosravi, Azzahra University*

### **Abstract:**

The present work aims at studying the relationship among mental health, source of control and coping strategy in female students of Tehran. Only the first grade high school students of Tehran were included in the study. As for sampling, it was recommended by the relevant officials of the Ministry of Education that the subjects be selected from District # 7 as it is relatively more homogeneous in terms of socio-economic and cultural characteristics. A state-run girl's high school was randomly chosen. All of the first grade students of the high school were taken as the sample of the research. Goldberg's health and control source questionnaires were then applied.

The resulting scores were analyzed using informative statistics methods (person correlation co-efficient, Anova and T-Tests).

The results indicate that there is a positive and statistically significant correlation between mental health and coping strategy on the one hand, and between control source and coping strategy, on the other. However, there is neither a positive nor statistically significant correlation between mental health and the source of control.

Corollary findings of the research also show that there is a significant relationship between the education level and employment of mothers on the one hand, and educational performance of students and their mental health and coping strategy, on the other.

***Key Terms: Mental Health, Control Source, Coping Strategy.***

## Manifestation of light in Parvin's Poems

*Dr. Hakimeh Dabiran, Tarbiat Moalem University*

### **Abstract:**

This paper is an attempt to reflect on enlightened thoughts of Parvin Etesami, the Iranian poetess (1906-1941). She considers speech as “light”, and every subtle point as “inspired by God’s beauty”. To state the right, and to combat the wrong, is her chosen way of enlightening. This struggle is evident in her poems containing highly developed ethical, philosophical and Gnostic notions and concepts. Her admirers, as well as the literary critics, acknowledge that her lifestyle was the mirror of the ethics she advocated in her poetry. Hence, people remember Parvin with great gratitude, and pay sincere admiration to her personality traits and values. Parvin’s enlightenment originates in her transparent soul, which never was polluted by materialism, selfishness and ill thinking. She was born in an informed family, and studied, with much desire, depth and elegance, the works of the world’s great thinkers, and so became well versed in the literature of the day.

This great and tender poetess of Iran invites her readers to achieve dynamic progress by following “the light of hope”, and by enjoying the light of knowledge. She asks people to preserve their light of soul, and believing in knowledge, she delivers the promise that light will guide them. Thus she states that if one sincerely wants, by following the light of truthfulness and enlightenment, he or she can witness the rays emitting from Almighty’s beauty, and can enjoy its fruits.

Parvin, through her clear heart, observes and describes in poetic form, all manifestations in the universe reflecting the oneness, and she proclaims the existential unity in poetry.

***Key Terms: Enlightenment, Guiding Light, Knowledge Light, Gnostic Subtlety.***

## Editorial Board

---

*Zahra Afshari, Ph.D.*

*Zohreh Khosravi, Ph.D.*

*Hakimeh Dabiran, Ph.D.*

*Zahra Rahnavard, Ph.D.*

*Homa Zanzanizadeh, Ph.D.*

*Khadijeh Safiri, Ph.D.*

*Fatemeh Alaei Rahmani, Ph.D.*

*Shokoufeh Golkhou, Ph.D.*

*Ahmad Jafarnejad, Ph.D.*

*Bagher Saroukhani, Ph.D.*

## **IN THE NAME OF GOD**

### ***Women's Studies***

*Quarterly Journal*

*Al.Zahra University*

*Women's Research Center*

**Publisher**

**Executive Manager**

**Chief Editor**

*Women's Research Center*

*Dr. Zohreh Khosravi*

*Dr. Khadijeh Safiri*

**Farsi Editor**

**English Editor**

**Editorial Secretary**

**Type & Layout**

*Reyhaneh Harampanah*

*Mohammad H Hashemi*

*Touran Rouzbehani*

*Al.Zahra Publications*

**Address**

**Tel-Fax**

**E-mial**

*Tehran, Vanak Sq., Vanak St.*

*8049809*

*women-re@alzahra.ac.ir*